غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK

ماهنامهٔ
اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی
۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳

گرامیداشت روز ملی زبان اوزبیکی در شهر مزار شریف

غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK

ماستر کریدت کارت
Master Credit Card

Coming Soon... | ډیر ژر... | بزودی...

برنامه ارتقا ظرفیت و توانمند سازی کارمندان

غضنفر بانک به منظور ارتقا ظرفیت و توانمند سازی کارمندان بخش عملیاتی نمایندگی های کابل، روز جمعه مورخ ۲۹ جنوری ۲۰۲۱ برنامه آموزشی را در هوتل صافی لاند مارک کابل برگزار نمود.

در این برنامه که از ساعت ۸:۳۰ تا ۵:۰۰ بعد از ظهر ادامه داشت، مسایل مربوط به تاریخچهٔ بانکداری، اهداف و دیدگاه غضنفر بانک، پالیسی و طرزالعمل منابع بشری، خصوصیات یک کارمند خوب در بانک، طرز برخورد با مشتری، چگونگی کسب قناعت و رضایت مشتری به کارمندان آموزش داده شد و به سوالات آنها در این رابطه پاسخ گفته شد.

Monthly Magazine

Economical-Social-Cultural

141-142-143

گشایش نمایندگی های غضنفر بانک

- درکارتهٔ چهار–کابل
- شهر میمنه– ولایت فاریاب

فهرست مطالب

سرمقاله

- نقش بانکداری الکترونیک در توسعهٔ تجارت ۲

اقتصادی

- گشایش نمایندگی غضنفر بانک در کارته چهارشنبه ۳
- گشایش نمایندگی غضنفر بانک در شهر میمنه ولایت فاریاب ۵
- نشست رهبری فدراسیون با اتحادیه بانکهای افغانستان ۷
- شناخت نظام اقتصاد بازار ۱۰
- نقش تجارت بین المللی در توسعه اقتصادی ۱۶
- سیاست گذاران برتر پولی جهان ۲۳
- نقش ترانسپورت در اقتصاد افغانستان ۲۹
- تاریخچهٔ گروه هشت(G۸) ۳۴
- داصلاحاتو ځلوېښت کاله او د بېوزلۍ را کمول ۳۷
- علم اقتصاد و کاربردهای آن ۴۳

اجتماعی

- پیام محمد اشرف غنی رئیس جمهورکشور به مناسبت روز ملی زبان اوزبیکی ۴۷
- پیام رئیس اکادمی علوم افغانستان به‌مناسبت تجلیل از «روز ملی زبان اوزبیکی ۴۹
- برگزاری روز ملی زبان اوزبکی در شهر مزار شریف ۵۰
- گرامیداشت از روز ملی زبان اوزبیکی در هوتل کانتیننتال ۵۲
- وثیقه شرعی ۵۳
- چگونه "هدفمند" زندگی کنیم؟ ۵۶
- درمان افسردگی و اضطراب ۶۰

ادبی

- نیستان (ویژهٔ شعر و ادب) ۶۴
- جمله های طلایی ۶۶
- نمایندگی های غضنفر بانک ۶۸

ماهنامهٔ غضنفربانک

قوس، جدی و دلو ۱۳۹۹ خورشیدی

صاحب امتیاز: غضنفر بانک
مؤسس: محمد اسماعیل غضنفر
مدیر مسوول: نور احمد فهیم

تحت نظر هیأت تحریر

دیزاینر: محمد رضا "حسنی"

ادارهٔ ماهنامهٔ غضنفر بانک در ویرایش مقالات دست باز دارد.

آدرس: ۸٦٦، چهار راهی شیرپور، سرک عمومی وزیر محمد اکبر خان، کابل-افغانستان

+93 (0) 797 860 000

media-manager@ghazanfarbank.com
www. ghazanfarbank.com

سخن ماه

نقش بانکداری الکترونیک در توسعهٔ تجارت

پدیده بانکداری الکترونیک یکی از دستاوردهای بزرگ عصر حاضر در توسعه تجارت و تجارت الکترونیک به شمار می رود. ترویج فرهنگ بانکداری الکترونیک اثرات مثبتی روی توسعه تجارت و رشد اقتصاد کشور ها داشته و با افزایش سرعت، کیفیت و کاهش هزینه ها نقش سازندهٔ در توسعهٔ اقتصاد کشور ها داشته است.

بانکداری الکترونیک محدودیت های زمانی و مکانی را پشت سر گذاشته و به سرعت به سوی همگانی شدن خدمات بانکی در حرکت است. بانک ها در ۲۴ ساعت تنها ۸ ساعت کار میکنند، در ایام رخصتی، جمعه ها ، قبل و یا بعد از ساعات رسمی مشتریان از دریافت خدمات بانکی محروم بودند. اما با بوجود آمدن بانکداری الکترونیک این مشکل کاملاً مرفوع شده است.

از سوی دیگر یکی از شرایط اساسی ورود به بازار های جهانی و عضویت در آنها، داشتن نظام بانکی قدرتمند و کارا است تا کشور های عضو بتوانند بدون مشکل از خدمات بانکی الکترونیک همدیگر استفاده نمایند. در ضمن بانکهایی که ارائه خدمات بانکداری الکترونیک را در اولویت قرار داده اند، فرصت جذب مشتریان بیشتری را خواهند داشت و خدمات آنها به سرعت در میان تاجران و کسبه کاران مطرح خواهند شد. زیرا استفاده از خدمات نوین بانکی علاوه بر توسعه تجارت، تسهیل ارتباطات، بهروری مناسب وکاهش هزینه ها، مزایای روز افزون دیگری را نیز در پی دارد.

در کل بانکداری الکترونیک زمینهٔ هماهنگ شدن تمام فعالیت های بانکی و تجارتی را فراهم نموده و امکان ارائه خدمات مورد نیاز مشتریان را فراهم می کند. با رشد روزافزون حجم تجارت الکترونیک در جهان، بانکداری الکترونیک در انتقالات پولی تاجران نقش اساسی ایفا نموده است. در حال حاضر استفاده از بانکداری الکترونیک، به عنوان یکی از ضروریات صنعت نوین بانکداری ضروری به نظر می رسد .

بانکهایی که زود تر خدمات بانکداری الکترونیک را به مشتریانش عرضه کرده است، مشتریان بیشتری را جلب نموده و مناطق جغرافیایی بیشتری را تحت پوشش قرار داده اند. زیرا در نظام بانکداری عنعنوی مشتریان برای پرداخت قبض های مختلف از قبیل قبض های آب و برق، اقساط قروض و تعرفه های شهرداری باید به بانک مراجعه کنند. ولی امروزه مشتریان از طریق بانکداری الکترونیک اینگونه قبض ها و تعرفه ها را پرداخت و جریمه های ناشی از تاخیر در پرداخت وجوه قبض ها کاهش یافته است.

بانکداری الکترونیک علاوه بر مزایایی که دارد، معایب و محدودیت هایی نیز در پی دارد. اما با وجود آن بانکداری الکترونیک نقش عمده ای در ایجاد رفاه مشتریان، کاهش هزینه ها و همچنین صرفه جویی در وقت مشتریان را در بردارد.

غضنفر بانک نیز زمینهٔ بانکداری الکترونیک را برای هموطنان محترم فراهم نموده و تلاش می نماید تا به هدف کسب رضایت مشتریانش و همگانی شدن خدمات بانکی در جامعه، زمینهٔ ارائه خدمات نوین بانکی را برای هموطنان محترم مساعد نماید. علاوه بر آن به منظور آسایش مشتریان، کاهش هزینه ها و صرفه جویی در وقت مشتریان مصمم است نمایندگی ها و ماشین های خود پرداز پول (ATM) جدید خویش را در نقاط تجارتی و مزدهم شهر کابل و ولایات تشکیل نماید. قابل یادآوریست که سلسله گشایش نمایندگی های غضنفر بانک در مرکز و ولایات به سرعت در حال گسترش است.

گشایش نمایندگی غضنفر بانک در کارتهٔ چهار – شهر کابل

نمایندگی جدید غضنفربانک روز پنج شنبه مورخ ۴ جدی ۱۳۹۹ با حضور تاجران ملی و پیشه وران درمنطقه کارته چهار شهر کابل گشایش یافت.

محترم خسرو فضلی رئیس هیئت عامل غضنفر بانک ضمن خوش آمدید و خیر مقدم گویی به مهمانان در بخشی از سخنان خود گفت: غضنفر بانک در سال ۲۰۰۹ جواز فعالیت خویش را از بانک محترم مرکزی بدست آورد و طی یک دهه نقش ارزشمند خویش را برای رشد و توسعهٔ اقتصاد کشور ایفا نموده است. وی افزود: امروز جای افتخار است که غضنفر بانک یکی از بانک های قانونمند کشور است و بانک محترم مرکزی که نظارت کننده تمام بانک های افغانستان است، بر قانونمند بودن ما باورمند اند. دلیل این امر اعتماد مشتریان محترم و مردم عزیز افغانستان بوده و ما همچنان اعتماد مردم افغانستان را سرمایه اصلی خود می دانیم. دیدگاه ما همین است که خدمات نوین بانکی را در اسرع وقت و به موقع به مردم خود ارائه کنیم. وی گفت: غضنفر بانک توسط ۹۹ ٪ جوانان افغان ، متعهد و توانمند اداره می شود که این خود تعهد سهمداران بانک را در کاهش فقر و کار آفرینی نشان می دهد. محترم فضلی افزود: تکنالوژی یکی از شاخص های اصلی در ارائه خدمات بانکی در سراسر جهان است، غضنفر بانک روی همین دلیل بیش از سه میلیون دالر را سرمایه گذاری کرده و توسط همین تکنالوژی می تواند که خدمات مناسبی را در اسرع وقت نظر به ضرورت مردم شریف کشور ارائه کند. وی گفت: داشتن نمایندگی غضنفر بانک در کارته چهار نیاز مبرم بود و نظر به پیشنهادات مردم شریف این ناحیه ما این نمایندگی را افتتاح می کنیم. ما در آغاز سفرهستیم، ما برای توسعهٔ غضنفر بانک و ارائه خدمات بانکی به مردم دور افتادهٔ کشور برنامه های زیادی داریم. دو ماه قبل دو نمایندگی خود را در مزار شریف و پارک های صنعتی پلچرخی افتتاح نمودیم و

نمایندگی های جدید ما به زودی در پروژه تایمنی، ولایت جنوبی خوست و شهر میمنه مرکز ولایت فاریاب افتتاح می شود. همچنان ماشین های خود پرداز پول (ATM) در مناطق مختلف شهر کابل و ولایات در حال نصب است. در پایان یکبار دیگر از تشریف فرمایی مهمانان محترم و حضور ایشان در این مراسم سپاسگزاریم.

محترم نجیب الله امیری رئیس عامل اتحادیهٔ بانکداران افغانستان، گشایش نمایندگی غضنفر بانک در منطقه کارته چهار را به مسئولین و سهمداران غضنفر بانک تبریک گفت و افزود: خوشحالم که شاهد افتتاح هجدهمین نمایندگی غضنفر بانک یکی از بانک های فعال و معتبر کشور هستیم. وی افزود: در افغانستان دو نوع بانکداری وجود دارد، یکی بانکداری اسلامی و دیگری بانکداری عنعنوی. که هردو بخش از طریق ۱۲ بانک و ۴۱۳ نمایندگی انواع مختلف خدمات و محصولات بانکی را برای مردم افغانستان ارائه می نمایند. وی گفت: اقتصاد پویا بدون ارائه خدمات بانکی امکان پذیر نیست، زیرا بانکداری ستون فقرات اقتصاد یک کشور را تشکیل می دهد. وی اضافه کرد: من به محترم خسرو فضلی جوان تحصیل کرده و متعهد افتخار می کنم که با یک عزم راسخ تعهد کرده است تا بهترین خدمات بانکی را به هموطنان محترم ارائه نماید. حضور اینگونه افراد می توانند کشور را از فقر و بدبختی نجات دهد. وی گفت: من از آدرس اتحادیه بانک های افغانستان قلباً افتتاح این بانک را تبریک می گویم، سهمداران این بانک از جمله مرحوم محمد یوسف غضنفر که یکی از بنیان گذاران و سهمداران غضنفر بانک بودند، نقش سازندهٔ در رشد و توسعهٔ اقتصاد کشور دارند. من یقین دارم که غضنفر بانک با ارائه عالیترین خدمات بانکی به سوی رشد و توسعهٔ اقتصاد افغانستان در حرکت است، موفقیت های بیشتری برای این بانک آرزومندم.

محترم نوری رئیس خبرگزاری افق ضمن تبریک افتتاح نمایندگی غضنفر بانک در بخشی از سخنان خود گفت: غضنفر بانک توانسته است خدمات بانکی نوینی را برای رشد اقتصاد افغانستان ارائه کرده است. وی افزود: موفقیت هر فرد و هر نهاد، موفقیت کشور ماست. من گشایش این نمایندگی را از صمیم قلب برای غضنفر گروپ و غضنفر بانک تبریک می گویم و گشایش این نمایندگی را به فال نیک می گیرم، امیدوارم بتوانند در جهت رشد و توسعهٔ اقتصاد کشور گام های استوارتری را بردارند.

محترم رحمانی به نمایندگی از اتاق پیشه وران افغانستان در قسمتی از سخنان خود گفت: غضنفر بانک توانسته است بهترین خدمات بانکی را برای بخش خصوصی کشور ارائه نماید، اتاق پیشه وران افغانستان از صمیم قلب از ایشان مشکور و سپاسگزار است و امیدوار است که در آیندهٔ نزدیک تسهیلات مناسب دیگری را عرضه نماید تا سرمایه گذاران کوچک و متوسط هم بتوانند از خدمات اعتباری غضنفر بانک استفاده نموده و زمینهٔ کار را فراهم نمایند، زیرا در کشور فقر و بیکاری بیداد می کند. من از مسئولین غضنفر بانک تقاضا می نمایم که سهولت های بیشتری را برای اصناف و پیشه وران فراهم نماید.

گشایش نمایندگی غضنفر بانک در ولایت فاریاب

نمایندگی جدید غضنفربانک روز پنج شنبه مورخ ۱۸جدی ۱۳۹۹ با حضور داکتر نقیب الله فایق والی محترم فاریاب، تاجران ملی، پیشه وران و شمار زیادی از اهالی منطقه در شهر میمنه مرکز ولایت فاریاب گشایش یافت.

محترم کنشکا آیین آمر ارشد عملیاتی غضنفر بانک مقدم مهمانان شرکت کننده را گرامی داشت و طی سخنانی گفت: خوشحالم که با گشایش این نمایندگی زمینهٔ ارایهٔ انواع خدمات بانکی و تمویل مالی برای رشد و تقویت شرکت های صنعتی، تولیدی، زراعتی، تحصیلی و تجارتی در این ولایت از سوی غضنفر بانک فراهم می گردد. زیرا غضنفر بانک به توسعهٔ نهاد های تجارتی این ولایت می اندیشد و تلاش می نماید تا با بهترین خدمات و تسهیلات بانکی در خدمت مردم شریف این ولایت باشد.

از آنجایی که سرمایه گذاری و تمویل مالی نهاد های تجارتی و صنعتی بر عهده بانک ها قرار دارد، لذا حضور بانک ها برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در هر جامعه یک دستاورد بزرگ است. بانک ها نهاد های تجارتی و صنعتی خرد، کوچک و متوسط را با تمویل مالی و انواع خدمات بانکی حمایت می نماید و با حضور بانک ها در منطقه چرخهٔ فعالیت نهاد های تجارتی به حرکت در می آید.

مهمانان محترم ! غضنفر بانک در سال ۲۰۰۹ جواز فعالیت خویش را از بانک محترم مرکزی بدست آورد و طی یک دهه نقش ارزشمند خویش را برای رشد و توسعهٔ اقتصاد کشور ایفا نموده است. امروز جای افتخار است که غضنفر بانک یکی از بانک های قانونمند کشور است و بانک مرکزی که نظارت کننده تمام بانک های افغانستان است، بر قانونمند بودن ما باورمند اند. دلیل این امر اعتماد مشتریان محترم و مردم عزیز افغانستان بوده و ما همچنان اعتماد مردم افغانستان را سرمایه اصلی خود می دانیم. دیدگاه ما این است که خدمات نوین بانکی را در اسرع وقت و به موقع به مردم خود ارائه کنیم. هم اکنون ۹۹ ٪ از کارمندان غضنفر بانک را جوانان متعهد و توانمند افغان تشکیل می دهد، تعهد و اعتماد به نفس این جوانان باعث شده است که غضنفر بانک جایگاه مناسبی را در میان بانک های کشور بدست آورد و اعتماد مردم سراسر کشور را کسب کند. که این خود تعهد سهمداران بانک را در کاهش

فقر و کار آفرینی نشان می دهد. همچنان تکنالوژی یکی از شاخص های اصلی در ارائه خدمات بانکی در سراسر جهان به شمار می رود، غضنفر بانک روی همین دلیل بیش از سه میلیون دالر را روی تکنالوژی بانک سرمایه گذاری کرده و توسط همین تکنالوژی توانسته است که خدمات نوین بانکی را در اسرع وقت و نظر به ضرورت مردم شریف کشور ارائه کند. داشتن نمایندگی غضنفر بانک درشهر میمنه مرکز ولایت فاریاب نیاز مبرم بود و نظر به پیشنهادات مردم شریف این ولایت ما این نمایندگی را افتتاح می کنیم. ما هنوز در آغاز سفرهستیم، برای توسعهٔ غضنفر بانک و ارائه خدمات بانکی به مردم برنامه های زیادی داریم. دو ماه قبل یک نمایندگی خود را در کفایت مارکیت شهر مزار شریف، یک نمایندگی را در پارک صنعتی پلچرخی و یک نمایندگی خود را در کارتهٔ چهار افتتاح نمودیم و نمایندگی های جدید ما به زودی در پروژه تایمنی، ولایت جنوبی خوست و مناطق دیگر تجارتی در مرکز و ولایات افتتاح می گردد. همچنان ماشین های جدید خود پرداز پول (ATM) ما در مناطق مختلف شهر کابل و ولایات در حال نصب است. در پایان یکبار دیگر از تشریف فرمایی مهمانان محترم و حضور ایشان در این مراسم سپاسگزاریم.

داکتر نقیب الله فایق والی محترم فاریاب ضمن عرض تبریک در بخشی از سخنان خود در این مراسم گفت: گشایش نمایندگی غضنفر بانک برای مردم فاریاب یک خبر بسیار خوش است، سعی و تلاش نیروهای امنیتی و همکاری مردم این ولایت با حکومت باعث شده است که یک فضای مطمئن ایجاد شود و غضنفر بانک نمایندگی خویش را در این ولایت افتتاح نماید. یقیناً غضنفر بانک مطالعات خود را انجام داده و مطمئن شده است که نمایندگی خود را افتتاح کرده است. این یک خبر خوش اقتصادی است. حالا من از تجار خود تقاضا می نمایم که بیایند نمایندگی شرکت های خویش را در این ولایت افتتاح نمایند، من به نمایندگی از نیروهای امنیتی به آنها اطمینان می دهم که امنیت شان را بهتر از ولایات دیگر برای شان تامین می نمایم. ما هم مردم و نهاد های دولتی این ولایت را تشویق می نمائیم که غضنفر بانک را به عنوان یک بانک مطمئن و با پشتوانهٔ بسیار قوی بپذیرند، زیرا در سراسر کشور سرمایه گذاری های بزرگ و متعددی کرده اند. هر فاریابی غضنفر بانک را خانه خود بدانند و مثل یک برادر به آن اعتماد داشته باشند. پول خود را به امانت بگذارند و داد و ستد داشته باشند. به غضنفر بانک و سهمداران آن هم اطمینان می دهم که بانک شان به زودی در این ولایت رونق خواهد یافت و از آنها تشکر می کنم که در خانه خود شان این نمایندگی را ایجاد کرده اند. یک بار دیگر از آدرس نیروهای امنیتی به تاجران کشور اطمینان می دهم که بیایند در این ولایت سرمایه گذاری نمایند، ما امنیت آنها را تضمین می کنیم.

نشست رهبری فدراسیون اتاق های افغانستان با اتحادیه بانکهای افغانستان

فدراسیون اتاق های افغانستان به منظور شناسایی و رسیدگی به چالش ها و مشکلات فرا راه سکتور بانکی افغانستان با اتحادیه بانکهای افغانستان دیدار نمود.

در این نشست که مورخ (۱۸ قوس ۱۳۹۹) در مقر فدراسیون اتاق های افغانستان به رهبری ریس عمومی فدراسیون محترم محمد اسماعیل غضنفر تدویر یافته بود، رؤسا و نمایندگان بانک های دولتی و خصوصی همچون بانک ملی افغان، بانک اسلامی افغانستان، بانک الفلاح، غضنفر بانک، افغان یونایتد بانک، مسولین اتحادیه بانک های افغانستان، مشاور وزیر صنعت و تجارت محترم نبی حکیمی، اعضای هیئت مدیره فدراسیون اتاق های افغانستان هر یک محترم خانجان الکوزی، محترم فرید مولوی زاده، محترم شفیق سکندری، محترمه فرشته زحل رحمان و محترم سخی احمد پیمان اشتراک ورزیده بودند.

آقای غضنفر هدف از تدویر این نشست را تثبیت و شناسایی مشکلات عمده سکتور خصوصی کشور در زمینه دسترسی به منابع مالی از جمله قروض و تضمین های بانکی عنوان نموده افزودند:

فدراسیون اتاق های افغانستان در صدد یافتن راه حل های قانونمند به مشکلات فعلی سکتور بانکی و چالش های عدم دسترسی سهل به قروض بانکی طویل المدت و مشکلات مقرراتی، می باشد. وی همچنان ایجاد هماهنگی میان بانک های افغانستان در زمینه فراهم سازی قرضه های مالی برای سکتور خصوصی کشور در بدل ضمانت های معتبر، شراکت در پروژه ها و یا هم تطبیق برنامه ها از طریق میکانیزم مشارکت عامه و خصوصی را نیاز مبرم عنوان نموده خاطر نشان ساختند که ایجاد بانک سرمایه گذاری در کشور میتواند در عرصه تمویل پروژه های بزرگ ملی و توسعه اقتصادی کشور نقش بسزای را ایفا نماید.

محترم نجیب الله امیری ریس اجراییوی اتحادیه بانک های افغانستان با ابراز خرسندی از این ابتکار فدراسیون اتاق های افغانستان، آمادگی این اتحادیه را برای همکاری با فدراسیون در عرصه خدمت گذاری به سکتور خصوصی کشور اعلام نمود. مشکلات مقرراتی همچون قوانین سختگیرانه را از جمله موانع عمده سد راه سکتور بانکی کشور عنوان نموده افزودند؛ که بانک ها حیثیت ستون فقرات اقتصاد کشور ها را دارند، ازینرو باید از حمایت گسترده دولت مستفید شوند. همچنان مسولین این اتحادیه کمبود زیربناهای بانکی، نبود محاکم اختصاصی تجارتی و عدم موجودیت مراکز حل منازعات بانکی را مشکلات عمده این سکتور خواندند. به باور آنها بنابر شرایط نا مساعد امنیتی بانک ها به شکل وسیع قادر به سرمایه گذاری در کشور نبوده اند.

در این نشست مسولین بانک ها پیشنهاد نمودند تا بانک مرکزی جواز ایجاد بانک سرمایه گذاری در کشور را با مقررات سهل صادر نماید تا از این طریق پول های راکد جذب این بانک شده و در پروژه های انکشافی از آن استفاده بعمل آید. آنان همچنان نبود طرزالعمل مشخص برای اعطای قروض سیندیکیت (صنفی) را مشکل دیگر در زمینه دسترسی به منابع مالی خطاب نمودند.

محترمه فرشته زحل رحمان با اشاره به مشکلات بانک های خصوصی در زمینه حصول دوباره قرضه های پرداخت شده افزودند؛ که فدراسیون اتاق های افغانستان به منظور حل و فصل نمودن همچو مشکلات برخاسته از معاملات تجارتی و بانکی مرکز حل منازعات تجارتی و میانجیگری را در چهارچوب این فدراسیون راه اندازی خواهد نمود تا به همچون قضایا به زودترین فرصت رسیدگی صورت گیرد.

محترم سخی احمد پیمان ساختار های مقرراتی در سکتور بانکی را سختگیرانه خوانده افزودند؛ که سکتور صنایع کشور تفاهمنامه های متعددی را در زمنیه دسترسی به منابع مالی و اعطای قروض با شرایط سهل با بانک های کشور به امضا رسانیده اند اما متاسفانه پروسه تطبیق نمودن آن هنوز هم با مشکلات جدی روبرو است.

در اخیر محترم محمد اسماعیل غضنفر ریس عمومی فدراسیون اتاق های افغانستان از مسولین اتحادیه بانک ها، نمایندگان و روسا بانک های خصوصی کشور خواست تا بعد از بحث های تخنیکی و تخصصی در کمیته های مربوطه مشکلات، چالش ها و راه حل های پیشنهادی خویش را در یک رساله گنجانیده و با فدراسیون اتاق های افغانستان شریک سازند تا در هماهنگی با بانک محترم مرکزی به مشکلات موجوده سکتور خصوصی در راستای دسترسی به منابع مالی رسیدگی صورت گیرد.

منبع: فدراسیون اتاق های افغانستان

غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK

مرابحه،

راه حلال برای
سرمایه گذاری و پیشرفت تجارت شما

+93 (0) 202 101 111
www.ghazanfarbank.com

شیرعلی تزری

شناخت نظام اقتصاد بازار

مقدمه

انتخاب نظام اقتصادی و تحقیق علمی آن یکی از مسایل عمده و اساسی هر نظام سیاسی میباشد. نظام سیاسی زمانی موفق خواهد بود که با سیاست گذاریهای مناسب و معقول اقتصادی بتواند به پرسشها و نیاز مندی های مردم، با درنظر داشت زمان و مکان معین و ویژه گیهای هر کشور جواب قناعت بخش ارایه بدارد. از طرف دیگر هراقدام اقتصادی به بستر حقوقی مطمئن و مورد قبول جامعه ضرورت دارد. بدین معنا که پیش از اقدام به عمل، باید بستر مذکور آماده شود و جهت، استقامت و طرق گسترش بعدی اقدامات اقتصادی با وضع قوانین روشن و مشخص گردد، تا از انحرافات و اشتباهات عملی کاسته شود. زیرا اکثریتی از تیور ها زیبا اند، ولی زمانیکه اقدامات عملی در زمینهٔ تطبیق آن صورت میگیرد به چالش ها و موانع زیاد، ناشی از شرایط مشخص هر کشور مواجه می شود.

چنانچه انتخاب نظام اقتصاد بازار در افغانستان بدون تعیین الگو و شیوه های عملی آن پرسش های بدون پاسخ بی شماری را در ذهن اکثریت مردم ایجاد نموده است که تحقیق در زمینهٔ اقتصاد بازار در افغانستان را بیشتر از پیش با اهمیت می سازد. زیرا کشور ما از نقطه نظر سطح اقتصادی و اجتماعی در جملهٔ کشور های کمترین انکشاف یافته قرار دارد و در آن فقر و مشکلات ناشی از بی سوادی اکثریت مطلق نفوس بیداد می کند. همچنان اضافه از چهار دهه جنگ در افغانستان شرایطی را حاکم ساخته است که هیچ کشور دیگر در آستانهٔ گذار به اقتصاد بازار با آن مواجه نبوده است. مشکلات نظیر: وجود کتلهٔ عظیمی معلول، بیوه، یتیم بی بضاعت و از همه مهمتر اینکه از اثر جنگ فساد در کشور حاکم گردیده و سبب شده تا در بسیاری موارد ثروتها خارج از چوکات فعالیتهای اقتصادی (مشغولیت به زراعت،صنعت و تجارت) اندوخته شود. این نابسامانیها برموانع اقتصادی افغانستان رنگ دیگری بخشیده است. لذا ایجاب می نماید تا برای حل این دشواریها برخورد منحصر به فرد صورت گیرد تا نتیجهٔ ملموس و قابل تطبیق در شرایط افغانستان را داشته باشد. برای درک بهتر موضوع لازم است تا به سوالات ذیل منحیث پرسش های اساسی موضوع پاسخ ارایه گردد:

۱- نظام اقتصادی چیست؟

۲- نظام اقتصاد بازارچه ویژه گیها دارد و چند نوع است؟

۳- آیا نظام اقتصادی مناسب همیشه و در همه جا بطور یکسان قابل تطبیق و مؤفقیت آمیز خواهد بود؟

۴- چرا نظام اقتصاد بازار در افغانستان مؤفقیت چندانی نداشته است.؟

بنابر آن پیش از همه باید دانست که نظام اقتصادی چیست؟

نظام اقتصادی به مجموعه ئی از نهاد ها و سازمانهای مختلف اقتصادی گفته می شود که مختص آن نظام بوده و اهداف معینی را دنبال می کنند(۲:ص۱۳۸).

به عبارۀ دیگر نظام اقتصادی کلیه ابزار های نهادی که از طریق آن ها منابع ملی برای پاسخگویی به خواستهای بشری به کار گرفته می شود می باشد(۳:ص۴۴)

و یا هم نظام اقتصادی عبارت از مجموعه یی منسجم از نهاد های اجتماعی و حقوقی ناظر بر چگونگی مالکیت که درچارچوب آن پارۀ و سایل فنی سازمان یافته، به تبع انگیزه های مسلط برای تحقق تعادل به کار گرفته شده اند.(۷:ص۴۳)

وظیفۀ اصلی در انتخاب نظام اقتصادی اینست که به ترکیب مناسبی از بازار و دولت دست یافت و در عین حال نارسایی های هردو نهاد یا سازمان (دولت و بازار) را تشخیص داد.

پس نظام اقتصاد بازارچیست؟

نظام اقتصاد بازار نظام است که بخش عمدۀ فعالیتهای اقتصادی آن به خصوص مالکیت و سرمایه گذاری برای تولید بدست افراد و مؤسسات خصوصی (غیردولتی) می باشد و از طریق رقابت اقتصادی به خاطر به دست آوردن منفعت فعالیت می کند.(۱:ص۱۵)

یا نظامی است که تنظیم تمام فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی به اساس میکانیزم بازار بدون مداخله ویا با کمترین مداخلۀ دولت صورت می گیرد. نظام اقتصادی که در آن افراد و مؤسسات با توجه به منافع شخصی، بدون کدام جبر و اعمال نفوذ از طرف دولت در مورد مصرف و یا تولید کالاها و خدمات تصمیم می گیرند، بنام اقتصاد بازار یاد می گردد.

از نظر اقتصادی نظام بازار آزاد طرز تولید اقتصادی یی است که در آن سرمایه های خصوصی نقش اساسی را در فعالیتهای اقتصادی داشته و از نظر حقوقی اصل قانونی بودن و احترام به مالکیت خصوصی معتبر است. نقش دولت درین نظام به باور دانشمندان کلاسیک منجمله آدام اسمیت محدود به حفظ امنیت، دفاع از کشور و تأمین عدالت می باشد.(۶:ص۳۷)

درین نظام مالکیت خصوصی تعیین کننده اصلی اقتصاد و سیاست است.لاکن این بدان معنانیست که این شیوه همیشه و در همه کشور ها بطوریکسان و واحد قابل تطبیق و تعمیل است، بلکه چگونگی آن از یک کشور تا کشور دیگر فرق می کند. چنانچه نظام اقتصاد بازار در ایالات متحدۀ امریکا به حیث نظام بدون مداخلۀ دولت یا نظام بازار آزاد شناخته می شود. درحالیکه نظام اقتصاد بازار آلمان و تعدادی از کشور های اروپایی نظام اقتصاد بازار با مداخلۀ دولت یعنی اقتصاد بازار با اصول اجتماعی خوانده می شود و همچنان نظام اقتصادی که فعالیتهای دولت و سکتور خصوصی تأثیر متقابل بر یکدیگر دارد؛ مانند: نظام اقتصادی جاپان، مالیزیا، اندونیزیا، یا امثال اینها. در نظام اقتصادی جاپان فعالیتهای دولت و سکتور خصوصی تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند این تأثیر متقابل سبب تقویۀ هر دو بخش (دولتی و خصوصی) می گردد.(۴:ص ۱۲۰)

د رکل نظام بازار روی چند فرضیۀ که در تعیین شیوۀ عمل افراد در نظام بازار آزاد نقش مهم دارند استوار است.

۱. نظام مالکیت خصوصی؛
۲. آزادی کار و شغل؛
۳. رقابت و بازار کار نامحدود؛
۴. منافع شخصی؛
۵. نظام تعیین قیمت؛
۶. نقش محدود دولت.(۳:ص ۴۴)

مختصراً باید گفت که نظام اقتصاد بازار که در چهارچوب مالکیت خصوصی بر وسایل تولید عمل می کند؛ توسط مجموعهٔ یی از قوانین تنظیم و به وسیلهٔ حکومت جنبهٔ عملی به خود می گیرد، درین نظام مؤلد و مستهلک در عمل کرد و انتخاب خود آزادند، مؤلد آزاد است منابعی را که در تولید به کار می برد بدون کدام تحمیل انتخاب کند و مستهلک نیز آزاد است تا کالایی را برای مصرف انتخاب کند که به آن نیاز داشته و توان خرید آنرا دارد. بدین معنا که نظام اقتصاد بازار با وجودیکه مبتنی بر منافع فردی و خصوصی است به معنای انارشی و هرج و مرج نبوده بلکه تابع نظم و قانون مندیهای معتبر و تجربه شدهٔ علمی و عملی می باشد که دولت درینجا رهبری و تنظیم میکانیزم اقتصاد جامعه، ایجاد اشتغال و توازن بخشیدن به ساختار قیمت ها در عرضه و تقاضا از طریق سیاست گذاریهای اقتصادی به صورت علمی و عملی نه به عنوان محدود کنندهٔ فعالیتهای اقتصادی و آزادیهای فردی و مالکیت خصوصی، بلکه به عنوان رهنما، کمک کننده و نظارت کننده جهت تنظیم سالم فعالیتهای اقتصادی عمل می نماید. زیرا در حال حاضر نظام بازار آزاد خالص به شیوهٔ کلاسیک آن که در آن تملک و تخصیص به طور کامل در دست بخش خصوصی باشد دیگر کار آیی ندارد و میتوان گفت در هیچ جای دنیا نظام آزاد بدون مداخلهٔ دولت وجو ندارد.(۲:ص ۴۲)

نکتهٔ مهم در اقتصاد بازار رقابت است، زیرا در رقابت زمینهٔ آزادی فعالیت اقتصادی، کیفیت عالی، تنوع کالا، خلاقیت در تکنالوژی تولیدی و رشد و توسعهٔ اقتصادی مهیا می شود. لاکن رقابت بطور خود بخودی و یک شبه ممکن نیست بلکه پروسهٔ تدریجی و طولانی است که با وضع و تطبیق قوانین می شود ایجاد کرد. لذا وظیفهٔ دولت است تا قوانینی را وضع نماید که از یک طرف زمینهٔ تطبیق نظام بازار را مهیا سازد و از طرف دیگر فعالیت بازار و منافع شخصی نتواند، منافع ملی و رفاه همه گانی را صدمه بزند. یکی از ویژه گی های حاکمیت نظام بازار خصوصی سازی است، لاکن آنچه در خصوصی ساز ی از اهمیت ویژه برخور دار است نحوهٔ خصوصی سازی است. بسیاری از عوامل ناکامی نظام بازار در افغانستان کم توجهی به چگونگی خصوصی سازی است و تجربهٔ کشور های متعدد جهان که به اقتصاد بازار گذار نموده اند نشان داده است که خصوصی سازی در نبود زیر بناهای نهادی آن (مثل نحوهٔ ادارهٔ شرکتها) اثر مثبت بر رشد اقتصادی نداشته است. بدین معنا که خصوصی سازی به اهداف که از آن متصور است نایل نمی گردد. خصوصی سازی بیشتر به منظور صورت می گیرد که نقش دولت را در اقتصاد کم کند، علاوه از اینکه این برخورد دیگر ساده لوحانه است چون دیگر آن شیوهٔ اقتصادی که دولت در آن نقشنداشته باشد، معنا و مفهوم خود را از دست داده و امروزه دولت می تواند نفوذ خود را از طرق مختلف و در سطوح مختلف اعمال کند. از طرف دیگر هیچگاهی در افغانستان حاکمیت عام و تام اقتصاد دولتی حکمفرما نبوده که ما امروزه بیم آن را داشته باشیم که در موجودیت اقتصاد تام دولتی تطبیق نظام بازار ناممکن است، بلکه در مقاطع مختلف جهت گیریهای به منظور تقویهٔ سکتور دولتی صورت گرفته است آن هم مانند اقتصاد بازار امروزی نا تمام و ناموفق بوده است، نظامی اقتصادی افغانستان که پایه و اساس آنرا زراعت تشکیل می هد همیشه یک نظام مختلط بوده است. بناءً خصوصی ساز ی تحمیلی نه تنها به رشد و انکشاف اقتصادی نمی انجامد بلکه سبب می شود تا مردم نسبت به دولت، دموکراسی و اصلاحات بی اعتماد شوند، چنانچه در افغانستان ما شاهد آن هستیم؛مثلاً: در قرار دادهای کلان سرمایه گذاری در پروژه های انکشافی، قرارداد را معمولاً کسانی به دست می آوردند که به نحو به مقامات دولتی ارتباط داشته اند و بعداً پروژهٔ مذکور چند دست خرید و فروش شده و در نهایت با کیفیت پأیین جنبه عملی بخود می گرفت که از این مدرک تعداد اندکی به عوایدی میلیاردی دست یافتند. این عمل چنان اعتماد مردم به نظام بازار را از بین برد که بر دیوار ها می نوشتند اقتصاد بازار کشنده است این قانون را تغییر باید داد. این بدین معنا است که اقتصاد بازار درین برههٔ زمانی که ازیک طرف

افغانستان به کشور معلولین، بیوه ها، یتیم های بی بضاعت تبدیل شده است و از طرف دیگر فساد اداری بیداد می کند، جواب گوی نیازمندیهای اکثریت مردم نمی باشد بلکه دولت است که میتواند وظیفهٔ حل مشکلات اقشار متذکره را به عهده داشته باشد و زمانی به انجام این عمل مؤفق خواهد بود که به فعالیتهای اقتصادی مستقیماً سهیم باشد. زیرا یکی ثروتمند می شد نه به این خاطر که سخت کار کرده است، یا سرمایه گذاری کرده است، بلکه به این دلیل که از ارتباطات سیاسی اش سوء استفاده نموده است. د رحالیکه خصوصی سازی مؤفق مستلزم شرایطی ویژه است و ایجاد این شرایط زمان می خواهد. تحمیل سریع و بدون بستر حقوقی مناسب نظام بازار به جای اینکه اقتصاد بازاری را ایجاد کند که جوابگوی نیازمندی مردم و خواست زمان باشد، بی نظمی و فقر گسترده را به وجود می آورد. در حالیکه اگر بازار بصورت درست و علمی مدیریت شود، گذار به اقتصاد بازار در کشور ما نسبت به سایر کشور ها(شوروی سابق و کشور های اروپایی شرقی) آسان تر است، زیرا در کشور ما هیچگاهی اقتصاد متمرکز رهبری شدهٔ کامل و قوی توأم با قانون مندیهای اقتصادی همان طور که تذکر داده شد وجود نداشته است. علاوه از آن امروز نه اقتصاد بازار آزاد کامل و نه هم اقتصاد متمرکز خالص وجود دارد، بلکه در همه اقتصاد ها به نحوی دولت سهیم بوده و نظام های اقتصادی هم به نحوی به دولت ها سهم بیشتر قایل اند، چنانچه سه نوع اقتصاد بازار را میتوان از هم تفکیک نمود.

۱- اقتصاد بازار با مداخلهٔ کمتر دولت: مانند نظام اقتصادی امریکا، هانکانگ از جمله نظام های اقتصادی اند که مداخلهٔ دولت در آن کمتر به نظر می رسد و جریان اقتصادی (تولید و توزیع کالاها و خدمات ذریعهٔ قیمت و تأمین مفاد رهبری و تنظیم می گردد.

۲- اقتصاد بازار با مداخلات بیشتر دولت: نوع از نظام اقتصاد بازار است که در آن نقش دولت در پهلوی سکتور خصوصی نیز برجسته است. نظام اقتصادی آلمان و یک تعداد کشور های اروپایی از این جمله اند و بنام اقتصاد بازار با اصول اجتماعی یاد می شود. هدف ازاین نوع نظام اقتصادی توافق دادن آزادی بازار با عدالت اجتماعی است. یعنی اصل آزادی بازار با سیاست (مداخلهٔ) اقتصادی دولت تنظیم و ایجاد می شود تا بازار رقابتی تضمین شده بتواند و در پهلوی آن اصل تساوی اجتماعی نیز در آن مراعات شود. به این ترتیب دولت ذریعهٔ طرح و تطبیق قوانین معینه یک سیستم بیمهٔ اجتماعی را میتواند ترویج کند تا افراد در حالات تقاعدی، بیکاری و مریضی مورد حمایت قرار بگیرند.

۳- اقتصاد بازار با همکاری متقابل سکتور خصوصی و دولتی: این شکل نظام اقتصاد بازار در کشور های جاپان، مالیزیا، و اندونیزیا مورد تطبیق قرار می گیرد. در نظام اقتصادی این کشور ها بین دولت و سکتور خصوصی روابط بسیار نزدیک وجود دارد.

در این نظام اقتصادی دولت و سکتور خصوصی یک دیگر را بالمقابل تقویه می کنند. در کل باید گفت که اندازهٔ مداخله دولت در نظام اقتصادی هر کشور وابسته به شرایط و اوضاع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی همان کشور می باشد، بناءً در افغانستان نیز لازم است تا با در نظر داشت شرایط ویژهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یکی از اشکال نظام اقتصاد بازار تعیین و مورد تطبیق قرار گیرد. این میتواند نظام اقتصادی باشد که در آن نقش دولت برجسته باشد.

موانع و چالش های نظام اقتصادی بازار در افغانستان:

به جرئت می توان گفت که هیچ یک از کشور های جهان تا اکنون با چالشهای که افغانستان در مرحلهٔ گذار به اقتصاد بازار به آن مواجه بوده است روبرو نبوده است. چهار دهه جنگ و رد وبدل شدن نظام های مختلف و مخالف سیاسی کشور را به چالش های عدیدهٔ مواجه ساخته است.

در حال حاضر فقر گسترده و حاکمیت شدید فساد در همه عرصه های زنده گی بیداد می کند و سبب شده تا زمینه های لازم و قانون مند انکشاف اقتصادی به نسبت حکومتداری ضعیف بوجود نیاید.

همچنان ضعف ظرفیت انسانی لازم برای شناخت و انتخاب نظام اقتصادی مناسب این مشکل را شدت بیشتر بخشیده است؛ بطور مثال: گسترش فساد باعث دلسردی سرمایه گذاران خصوصی گردیده است. این امر در حقیقت مصارف فعالیتهای اقتصادی را افزایش می دهد. این در حالیست که دولت به کمبود عمدهٔ خدمات اساسی اجتماعی به خصوص تعلیم و تربیه و صحت مواجه است. سطح سواد در کشور بویژه در مناطق روستایی و در میان زنان بسیار پایین است.

شاخص های مربوطه به صحت در افغانستان در پایین ترین سطح خود در جهان قرار دارد، مصارف سرانهٔ صحی در کشور ما به اندازهٔ ربع هزینهٔ صحی د رکشور های منطقه است.

در پهلوی آن محدودیت های جدی در عرصه های انکشاف اقتصادی وجود دارد و برای

نایل شدن به مؤفقیت باید محدودیت ها از راه برداشته شوند تا زمینهٔ رشد بهتر اقتصادی و تطبیق نظام اقتصادی مناسب و کارآ در کشور مهیا گردد. به این معنا که برای تطبیق مؤفقانهٔ نظام اقتصاد بازار پیش از همه باید شرایط تعمیل و تطبیق نظام آماده شود، زیرا بدون آماده سازی شرایط ممکن نیست یک نظام اقتصادی کارآ و مطابق به شرایط مختص به افغانستان را با گنجانیدن یک ماده در قانون اساسی بوجود آورد، بلکه ضرورت است تا به صورت تدریجی و با در نظر داشت دشواریهای حاکم بر کشور ما به سوی استقرار آن گام برداشت. آماده ساختن شرایط به زمان نیاز دارد، چرا که تطبیق و تعمیل اقتصاد بازار مستلزم قانون مندیها و اصول اقتصادی است و این اصول و قانون مندیها را دولت اجرا و عملی می نماید.

با توجه به گفتار بالا مؤفقیت در امر رسیدن به نظام کارآی اقتصادی در کشور، مستلزم اقدامات جدی اصلاحی در همه سطوح نظام سیاسی ماست. چراکه سیاست گذاریهای غلط و پالیسیهای نامناسب مانع تطبیق مؤفقانهٔ نظام اقتصاد بازار قانون مند در کشور می شود. بلکه برعکس به نابرابری و عدم تعادل و توازن اقتصادی منجر می شود. این عدم تعادل و توازن اقتصادی، تعادل اجتماعی و ثبات سیاسی را به خطر می اندازد و جریان رشد و انکشاف اقتصادی را اگر متوقف نسازد به کندی مواجه خواهد ساخت، لذا توزیع عادلانهٔ عواید یکی از راه حل های مشکلات متذکره می باشد.(۵:ص ۱۱۸)

در افغانستان اکثریت به این باور هستند که انتخاب نظام بازار بدون مداخلهٔ دولت اشتباه است و تطبیق آن به شیوهٔ که روان است افغانستان را مانند موریانه از بین خواهد برد و بیشترین مردم به این باور هستند که در شرایط حاکم افغانستان دولت باید در بازار فعالانه مداخله داشته باشد،چون عدم مداخلهٔ دولت در نظام بازار باعث بوجود آمدن انحصار، احتکار، از بین رفتن و نابود شدن رقابت سالم، سکتگی و بی کیفیتی در تولیدات امتعهٔ زیر بنایی، امتعهٔ زراعتی، اختلال در بازار کار و در توزیع بهتر عاید و بالاخره سکتگی در مقابله با نوسانات و بحرانات اقتصادی می گردد و در نتیجه افغانستان هیچگاه بسوی خودکفایی گام برنداشته، انفلاسیون دامنگیر اقتصاد گردیده و کیفیت کالا رو به نزول خواهد بود.

از مطالعه برای شناخت نظام اقتصاد بازار به این نتیجه رسیدم که:

- نظام اقتصادی و سیاسی باهم رابطهٔ مستقیم و تأثیر متقابل داشته و اشتباه در انتخاب نظام اقتصادی نظام سیاسی را به دشواری مواجه می سازد.

لذا انتخاب نظام اقتصادی در یک کشور نیازمند مطالعهٔ دقیق و همه جانبهٔ شرایط عینی و ذهنی حاکم در آن کشور می باشد تا با در نظر داشت دشواریهای منحصر به شرایط هر کشور، نظام اقتصادی انتخاب گردد، اصول و اساسات آن پیریزی ومطابق به قانونمندی های علمی به منصهٔ اجراء گذاشته شود. زیرا انتخاب غلط نظام اقتصادی عامهٔ مردم بویژه اقشار آسیب پذیر جامعه (دهقانان، کارگران، پیشه وران، معلولین، بیوه های بی سرپرست، ایتام و کارمندان پائین رتبهٔ دولتی) را خساره مند می سازد.

مآخذ

۱. توکلی، احمد. مالیهٔ عمومی، برای رشتهٔ علوم انسانی، تهران: سمت، ۱۳۸۲.

۲. دادگر، یدالله، تیمور، رحمانی. مبانی و اصول علم اقتصاد، کلیات از اقتصاد برای همه، دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم، مرکز انتشارات، ۱۳۸۰.

۳. دنی میرز(ودیگران). دورهٔ کامل علم اقتصاد، ترجمهٔ مهدی، تقوی و عبدالله، کوثری، تهران: کوهسار، ۱۳۸۱.

۴. رولوف، هاسه...(و دیگران). فرهنگ اقتصاد بازار با اصول اجتماعی، کابل: ۱۳۸۶.

۵. عزیزی، عبدالصمد. "رابطهٔ متقابل نظام اقتصادی و سیاسی در مرحلهٔ گذار به اقتصاد بازار"، مجلهٔ آریانا، شمارهٔ ۳-۴، ۱۳۸۷.

۶. گلریز، حسن.فرهنگ توصیفی اصطلاحات پول، بانکداری ومالیهٔ بین المللی، انگلیسی - فارسی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۰.

۷. نگاهی بر اقتصاد مختلط، ماهنامهٔ افغان بیسیم، سال اول، شمارهٔ دوم، اسد، ۱۳۸۸.

۸. نورعباد، حمید الله. "معرفی نظام اقتصاد بازار"،مجموعهٔ مقالات اقتصادی،چاپ اول، انتشارات تمدن شرق، ۱۳۹۶.

غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK

قرضه برای تحصیل

تحصیل بیشتر، آینده بهتر

تکتانه سالانه ۷ ٪
قرضه میعادی الی مدت ۵ سال
مبلغ قرضه از ۳۰،۰۰۰ الی ۵۰۰،۰۰۰ افغانی

+93 (0) 202 101 111
www.ghazanfarbank.com

AD

نقش تجارت بین المللی در توسعه اقتصادی

تجارت بین المللی به عنوان یکی ازعوامل اصلی دراقتصاد جهانی وتوسعه اقتصادی کشورها به شمار می رود. تجارت و اقتصاد بـه گونهٔ بر روی یکدیگر تأثیر دارند که این دو کلمه را گهگاهی در یک مفهوم قرار می دهند. تجارت را می توان به دو بخش داخلی(ملـی) و بـین المللی(جهانی) تقسیم کرد. هر دو تجارت)داخلی و بین المللی(بر روی اقتصاد و توسعه آن تـأثیر زیـادی دارنـد؛ امـا امـروزه بـه دلیـل اهمیت و توجهی که جامعه جهانی به بخش تجارت بین الملل وهمچنین نسبت به عوامل دیگرتوسعه، تـأثیر بیشـتری کـه بـر توسـعه اقتصادی در سطح داخلی و بین المللی دارد، روند گسترش آن را سرعت می بخشد. دراین مقاله تأکید بر روی تجـارت بـین الملـل بـه عنوان یکی از عوامل اصلی و پایه ای توسعه اقتصادی بحث می شود. پرداختن به بخش تجارت بین الملل به دلیل تأثیر و اهمیت آن بـر روی توسعه اقتصادی است. حقوق نیز به عنوان جزء جدایی ناپذیر تجارت و اقتصاد محسوب می شود و با قوانین و مقررات خود بـر روی تجارت و اقتصاد تأثیر شگرفی دارد. به دلیل تأثیر تجارت و اقتصاد بر روی یکدیگر، مقررات حقوقی که برای هریک از این دو وضـع مـی شود، بر روی دیگری تأثیر دارد.

تجارت

روابط تجارتی از زمان های قدیم در بین افراد وجود داشته است که اشخاص برای کسب مفاد و رفع نیازمندی های جامعه به ایـن شـغل پرداخته اند. تجارت به طورسنتی شامل واردات وصادرات کالا بوده است ولی با افزایش حجم فعالیت های اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم، فعالیت های تجاری از تنوع بی سابقه ای برخوردار شده است. روابط تجاری بین المللی به فعالیت های گونـاگونی اطـلاق شـده کـه شامل خرید وفروش کالا و خدمات، حمل ونقل، بیمه، امورمالی، خدمات مشاوره ای، سرمایه گذاری همکاری های فنی، نمایندگی، حـق العمل کاری، پیمانکاری وفعالیت های مشابه است. تجارت بین الملل درمباحث توسعه درکشورهای رو به توسعه تاجایی اهمیت یافته است که اغلب ازآن به عنوان ماشین رشد و توسعه اقتصاد داخلی نام برده می شود. بـدین ترتیـب محـور تحلیـل از تجـارت خارجی در کشورهای رو به توسعه بر نقش آن به عنوان یک استراتژی توسعه اقتصادی متمرکز شده است. در واقع باید به ایـن واقعیـت توجه داشت که توسعه اقتصادی این کشورها تا حدود غیرقابل

انکاری به انتقال تکنولوژی از جهان پیشرفته صنعتی وابسته است. تجارت جهانی طی دهه های گذشته از رشد چشمگیری برخوردار بوده است. با افزایش حجم تجارت، درجه وابستگی اقتصادی متقابل کشورها افزایش می یابد که این امر عوارض مثبت ومنفی متعددی دارد. طی نیم قرن گذشته تجارت جهانی از رشد مطلوبی برخوردار بوده است، در واقع کشورها به اهمیت وجایگاه تجارت آزاد درتضمین رشد وتخصیص بهینه منابع آگاه شده اند.

از دیدگاه طرفداران تجارت بین المللی، گسترش مبادلات خارجی یک راهبرد توسعه اقتصادی محسوب می شود. در ادبیات بازرگانی بین المللی این رویکرد را سیاست برون گرا یا گرایش صادراتی نامیده اند. ارزیابی های اقتصادی نشان می دهد که این استراتژی در اکثر موارد موفق تر از سایر راهبردها بوده است. پیروان جهانی شدن نیز امروزه بر همین دیدگاه اصرار داشته وتجارت آزاد (بین المللی) را راهکاری مناسب برای توسعه اقتصادی کشورها می دانند.

دلایل تجارت بین الملل

درطول تاریخ، تجارت بین مناطق مختلف جهان وجود داشته است. انسان ازطریق تجارت امکان دسترسی به کالاهایی را داشت که امکان تولید آن در منطقه اش وجود نداشته است. تمرکز و تخصص درتولید کالاهای خاص در یک منطقه به تولیدکنندگان آن منطقه امکان تولید کالاهای مزبور را با کیفیت وقیمت مناسب تری می داد. از آنجا که درهر منطقه کالاهایی تولید می شده که مورد درخواست سایر مناطق بوده، تبادل این کالاها ضمن رفع نیاز این مناطق، باعث رونق اقتصادی و رفاه بوده است.

مکتب سوداگری (مرکانتیلیزم)

درطی قرون ۱۵ تا ۱۷، نویسندگانی در اروپا ظاهر شدند که اعتقاد داشتند اقتصاد قوی یک کشور به میزان طلا ونقره موجود درآن کشور وابسته است؛ و بنابراین به دست آوردن وحفظ طلا ونقره هدف اصلی درتعیین سیاست های اقتصادی یک کشور به خصوص در زمینه تجارت خارجی تلقی می شد. این مکتب اقتصادی طرفدار دخالت شدید دولت درامور اقتصادی، حمایت ازصنایع داخلی وایجاد محدودیت در واردات بود. نتیجه این طرز فکر، تأسیس مستعمرات توسط کشورهای اروپایی (Jackson, ۱۹۸۶) و جنگ و خشونت بود.

مزیت مطلق

درقرن ۱۸ افکار مکتب سوداگری به شدت مورد حمله قرار گرفت.آدام اسمیت اعتقاد داشت که هرکشوری درتولید برخی ازکالاها دارای کارایی ومزیت مطلق است که این کارایی ومزیت ممکن است به دلایل طبیعی یا اکتسابی مثل دسترسی به مواد اولیه فراوان، زمین، آب وهوا، داشتن تکنولوژی و دانش، سابقه تولید وصنعت وغیره باشد. چنانچه هرکشوری به تولید آن دسته از کالاهایی بپردازد که درآن کارایی بیشتری دارد، دراین صورت درتولید آن کالاها تخصص پیدا می کند واین تخصص موجب تولید مازاد برمصرف داخلی خواهد

گردید. تولید مازاد بر مصرف داخلی این گونه کالاها امکان مبادله آنها را با کالاهای دیگری که درسایر کشورها تولید می شود و کشور مزبور درتولید آنها دارای مزیت نیست، فراهم می سازد. اعتقاد این نظریه برعدم دخالت دولت در اقتصاد و ازجمله درتجارت بین الملل بهترین راه افزایش ثروت ملل وایجاد رفاه اقتصادی درسطح جهانی می باشد. براساس این مکتب، تخصص داشتن درتولید منجر به کاهش هزینه های تولید و ارزان تر تمام شدن محصولات می شود.

مزیت نسبی

دیوید ریکاردو دیدگاه آدام اسمیت را کامل نمود و چنین استدلال کرد که کشورهایی که درتولید برخی کالاها حداقل دارای مزیت نسبی هستند نیز از تجارت بین الملل بهره مند خواهند شد. براین اساس، حتی کشورهایی که در تولید هردو کالا دارای مزیت مطلق نیستند نیز از تجارت آنها منتفع می شوند. این نظریه هم اکنون با کمی تغییرات یکی از مهم ترین نظریه ها در علم اقتصاد محسوب می شود.

طبق نظریه ریکاردو، برای مبادله کالاها بین کشورها تفاوت نسبی در هزینه های تولید کافی است وهمین امر انگیزه لازم برای تجارت را به وجود خواهد آورد . طبق این نظریه حتی اگر کشوری درتولید هردو کالا دارای عدم مزیت مطلق درمقایسه باکشوردیگری باشد، باز دادوستدی که حاوی منافع متقابل برای هردو طرف است، می تواند صورت بگیرد. کشوری که درتولید کالایی مزیت کمتری دارد باید به سمت تولید وصدورکالاهایی سوق پیدا کند که درآن مزیت دارد و متقابلاً نسبت به واردات کالاهایی اقدام کند که در تولید آنها مزیت نسبی ندارد.

توسعه اقتصادی

از سالیان بسیار دور، با افزایش سطح دانش و فهم بشر، کیفیت و وضعیت زندگی انسان همواره در حال بهبود و ارتقا بوده است. مباحث توسعه اقتصادی از قرن هفدهم و هجدهم میلادی درکشورهای اروپایی مطرح گردید. فشارصنعتی شدن و رشد فناوری دراین کشورها توأم با تصاحب بازار کشورهای ضعیف مستعمراتی باعث شد تا در زمانی کوتاه، شکاف بین دو قطب پیشرفته و عقبمانده عمیق شده و دو طیف از کشورها در جهان شکل گیرد: کشورهای پیشرفته (یا توسعه یافته) وکشورهای عقبمانده (یا توسعه نیافته). رهایی بسیاری از کشورهای جهان جنوبی از یوغ استعمار درسال های بعد از جنگ جهانی دوم نویدی نو را به ارمغان آورد که باعث شد در پایان دهه پنج و شش قرن بیستم میلادی، مکانیزم های توسعه اقتصادی دوباره مورد توجه خاص قرار گرفته، تعویض ساختار اقتصادی در صدر اهداف این کشورها قرار گیرد.

بدین جهت امروزه، اولاً نیاز به شناسایی و بررسی فرایند رشد و توسعه اقتصادی که از تغییرات ساختاری کشورهای موفق صنعتی سرچشمه می گیرد، امری لازم وضروری است. ثانیاً وظیفه کشورهای جنوبی است که از فرصت باقی مانده، راه رشد وتوسعه خود را بیابند وگرنه در دهه های آینده به مراتب وضعی وخیم تر از امروز خواهند داشت.

آنچه در دنیای امروزی می توان مشاهده نمود فاصله عمیق کشورها از لحاظ امکانات اقتصادی، مسائل اجتماعی وسیاسی است. از دید داخلی وقتی سخن از توسعه دریک جامعه به میان آورده می شود، منظور فراگیری آن توسط تمام آحاد یک جامعه است. توسعه،"مقوله ای کیفی، جامع، چند بعدی، انسانی واجتماعی است که از گذر نوسازی یعنی تغییرات اجتماعی در ساختارهای (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی) ویا هردو، در یک جامعه ناشی می شود. جامعه ای که از زیرمجموعه هایی مثل حقوق، اقتصاد، سیستم های فرهنگی، اجتماعی و غیره تشکیل شده است. به نظر هتنه کار شناس امور اقتصادی" توسعه "دگرگونی ساختاری در همه ابعاد را می طلبد ومطالعه توسعه اندیشه واستراتژی توسعه را درسطوح ملی، منطقه ای وجهانی وبا بهره گیری از رشته های مختلف علوم اجتماعی وانسانی، ضروری می سازد.

تعریف توسعه

متخصصین مختلف علوم انسانی، جامعه شناسان، اقتصاددانان، متخصصین علوم سیاسی وجغرافیا تعاریف مختلفی از توسعه ارائه کرده اند، آنها با توجه به مطالعات وشناخت خود از مسائل به توضیح وتبیین توسعه پرداخته اند. از دیدگاه یورگن هابرماس (متخصصین علوم اجتماعی): توسعه مترادف با گذر از مرحله ای به مرحله دیگر در یک جامعه است که اعضای آن، هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی گنجایش فراگیری خود را افزایش دهد. هیگینز کارشناس دیگر امور اقتصادی توسعه اقتصادی را فرایندی می داند که اقتصاد از یک دوگانگی (بخش سنتی و مدرن) به یک اقتصاد مدرن برسد.

در اینجا تعریفی را که مبنا قرار می دهیم، تعریف توسعه اقتصادی از دیدگاه مایر است. از دیدگاه مایر، توسعه اقتصادی فراگردی است که درآمد سرانه یک کشور طی یک دوره بلندمدت افزایش می یابد این روند شروطی دارد از جمله این که تعداد افراد زیر"خط فقر مطلق" افزایش نیابد و توزیع درآمد بسیار نابرابر نشود.

عوامل وعناصر توسعه و نیروهای بازدارنده آن به دو دسته تقسیم می شود:

الف: عوامل اصلی توسعه که عبارتند از درآمد، تقاضای مؤثر، پس انداز، کارایی نیروی کار و غیره.

ب: عواملی فرعی یا غیراقتصادی که نقش ثانوی در روند رشد و توسعه دارند مانند عوامل فرهنگی، اجتماعی که هرچند در توسعه نقش دارند اما تأثیر آنها به اندازه عوامل اصلی نیست.

رشد وتوسعه اقتصادی

رشد اقتصادی"عبارتست افزایش تولید ناخالص ملی یا تولید ناخالص داخلی در سال مورد نیاز به نسبت مقدار آن در یک سال پایه، رشد اقتصادی محسوب می شود که باید برای دستیابی به عدد رشد واقعی، تغییر قیمت ها (به خاطر تورم) و استهلاک تجهیزات و کالاهای سرمایه ای را نیز از آن کسر نمود.

منابع مختلف رشد اقتصادی عبارتند از: افزایش بکارگیری نهادها، افزایش سرمایه یا نیروی کار، افزایش کارایی اقتصاد، افزایش بهره وری عوامل تولید وبه کارگیری ظرفیت های احتمالی خالی در اقتصاد. تئوری های رشد اقتصادی بر روی سه عامل مهم رشد جمعیت، تشکیل سرمایه وتغییرات تکنولوژیکی تاکید فراوان نموده اند واین ۳ عامل نیز می توانند در رشد اقتصادی در یکدیگر تأثیر بگذارند. توسعه اقتصادی عبارتست از رشد همراه با افزایش ظرفیت های تولیدی اعم از ظرفیت های فیزیکی، انسانی و اجتماعی در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد؛ اما درکنارآن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش ها تغییر خواهد کرد، توان بهره برداری از منابع موجود به صورت مستمر افزایش یافته، و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد. به علاوه می توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده ها نیز در فرایند تولید تغییر می کند. توسعه امر فراگیر در جامعه است و نمی تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد. توسعه، حد و مرز و سقف مشخصی ندارد بلکه به دلیل وابستگی آن به انسان، برخلاف رشد اقتصادی یک پدیدهٔ کیفی است، هیچ محدودیتی ندارد.

تفاوت مفاهیم رشد وتوسعه اقتصادی

باید بین دو مفهوم "رشد اقتصادی" و "توسعه اقتصادی" تمایز قائل شد. رشد اقتصادی، مفهوم کمی است در حالی که توسعه اقتصادی، مفهوم کیفی است. در گذشته دو واژه

"رشد اقتصادی" و " توسعه اقتصادی" به معنای هم و به جای یکدیگر به کار برده می شد و هم اکنون نیز بسیاری این دومفهوم را یکسان استفاده می نمایند. در زبان های اصلی دنیا نیز این دو واژه به جا ی هم مورد استفاده قرار می گیرند . رشد اقتصادی به معنای افزایش در تولید یا درآمد است درحالی که "توسعه" به تغییرات کیفی، زیربنایی ونهادی یک کشور نظر دارد. هدف توسعه این است که رشد یک بخش از اقتصاد تأثیر کیفی بر بخش های دیگر اقتصادی می گذارد ومنافع آن بیش از آنچه که مفهوم "رشد" در پی آن است، شامل اکثریت مردم می گردد. در نتیجه معمولاً توسعه شامل رشد می شود در حالی که رشد در برگیرنده توسعه نیست.

وابستگی متقابل اقتصادی وجهانی شدن

امروزه کشورها به نحو فزاینده ای ازجهت اقتصادی به یکدیگر وابسته شده اند. کشورهای صنعتی به مواد اولیه، نیروی کار ارزان و بازارهای کشورهای درحال توسعه نیازمند هستند وکشورهای درحال توسعه نیزمتقابلاً به محصولات صنعتی، دانش و تکنولوژی کشورهای صنعتی نیازمند می باشد. طبیعتاً درچنین شرایطی تحولات وجریان های اقتصادی می تواند به سرعت از یک کشور به کشور دیگر سرایت کرده وجنبه جهانی پیدا کند. براین اساس، دیگرامکان ندارد که تأثیرات تحولات اقتصادی و تجاری را در چارچوب مرزهای ملی کشورها محدود نمود. وابستگی متقابل اقتصادی کشورها به یکدیگر، شکل های گوناگونی به خود می گیرد که اهم آن عبارت است از: تجارت کالا، تجارت خدمات، سرمایه گذاری و نیروی کار.

جهانی شدن ممکن است به سه شکل مطرح شود: جهانی شدن بازار، شرکت ها وحقوق. جهانی شدن دریکی از اشکال فوق مستلزم جهانی شدن درسایر موارد نخواهد بود . جهانی شدنِ مراحل چند بعدی که درآن روابط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی میان ملت ها را به هم نزدیک تر می کند. جهانی شدن اقتصاد به این مفهوم است که دیگر دولت ها و ملت ها در زمینه مسائل اقتصادی، استقلال ندارند وپدیده های اقتصادی داخل کشورها، متأثر از روند تحولات جهانی اقتصاد است. جهانی شدن اقتصاد آن گونه که «هالم و سارنسونَ» دوتن از کارشناسان امور اقتصادی خاطر نشان می سازند، به مرزهای فراسوی وابستگی متقابل میان اقتصادهای ملی گسترش می یابد. این حرکت، یک انتقال کیفی به سوی نظام اقتصاد جهانی است که دیگر برپایهٔ اقتصادی ملی مستقل استوار نبوده بلکه براساس الزامات بازارجهانی برای تولید، توزیع و مصرف عمل می کند. از این رو، جهانی شدن اقتصاد، تغییرات عمیقی را در بردارد که درآن اقتصاد جهان از تصمیم های حاکمیت های ملی مستقل تر شده و قدرت آن در کنترول و تسلط بر اقتصاد و جامعه خود کاهش خواهد یافت.

استراتژی های بازرگانی

حفظ منافع سیاسی واقتصاد ملی وحمایت از تولید واشتغال ملی باعث پذیرش روش ها وسیاست های حمایتی توسط کشورها به ویژه کشورهای درحال توسعه است. سیاست ها می توانند به صورت استراتژی های بلندمدت جایگزین واردات ویا توسعه صادرات و روش ها می توانند به صورت تحدید واردات و تشویق صادرات به منظور کنترول کسری در تراز به اجرا درآیند.

امروزه برای بسیاری از صاحب نظران و دولت ها، استراتژی بازرگانی شاخص تعیین کننده نوع توسعه اقتصادی تلقی می شود و این جهت گیری به اندازه ای اهمیت دارد که اغلب کارشناسان، برنامه های توسعهٔ اقتصادی را ابتدا با تعیین جهت گیری برنامه نسبت به استراتژی های جانشینی واردات و توسعهٔ صادرات ارزیابی می کنند. بدیهی است که انتخاب استراتژی باید متناسب با اهداف نظام اجتماعی وساختار معین اجتماعی باشد، که خود نیازمند اطلاعات بسیاری

درمورد انواع استراتژی های بازرگانی، مقدمات ونتایج آنهاست که باید همراه با عملکرد آن استراتژی ها در کشورهای معین و ارزیابی جامع آن عملکردها دراختیار سیاست گذاران و برنامه ریزان قرارگیرد. تجارت خارجی و ارتباط آن با رشد اقتصادی، یکی از موضوعات بسیار بحث انگیز به ویژه در انتخاب استراتژی های توسعه درکشورهای درحال توسعه است و هنوز بین اقتصاددانان برای این موضوع، که چگونه سیاست های تجاری و نرخ رشد اقتصادی می توانند ارتباط داشته باشند، توافق وجود ندارد. در نظریه های جدید و الگوهای رشد درون زا، نشان داده شده که تجارت بین الملل (باز بودن اقتصاد) نرخ رشد اقتصاد را از طریق دسترسی به بازارهای خارجی، تکنولوژی و منابع تحت تأثیر قرار می دهد.

مناطق آزاد، اتحادیه ها وسازمان های تجاری

ایجاد مناطق آزاد تجاری گزینهٔ دیگری برای کشورهای مختلف برای تحقق برنامه واهداف توسعه می باشند. بنادر ومناطق آزاد به عنوان یک ابزار سیاست اقتصادی مهم وموثر، تقریباً جای خود را در بسیاری از کشورها باز نموده اند، تا آنجا که سازمان توسعهٔ صنعتی، وابسته به سازمان ملل متحد تأسیس مناطق تجارت آزاد را به عنوان وسیله ای برای تشویق تولید وصادرات وایجاد توسعه توصیه نموده است. مناطق آزاد درادبیات جهانی اقتصاد به مناطقی اطلاق می شود که در محدوده حراست شده بندری و غیربندری، از شمول برخی از مقررات جاری کشور متبوع خارج بوده و با بهره گیری از یکسری مزایا و همچنین سهولت و تسریع در فرایندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه گذاری خارجی و انتقال فناوری به توسعه سرزمین اصلی کمک میکند.

در برخی کشورها مناطق آزاد به دو دستهٔ " مناطق آزاد تجاری- صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی" تقسیم می شود. ایجاد اتحادیه های تجاری می تواند کشورهای عضو را از مضرات تجارت آزاد جهانی محفوظ دارد. اتحادیه ها زمانی به وجود می آیند که گروهی از کشورها که ترجیحاً در مرحلهٔ برابری از توسعه قرار دارند مبادرت به ایجاد یک دیوار تعرفه ای درمقابل سایر کشورها می کنند وتعرفه های گمرکی بر روی کالاهای وارداتی بین خود را کاهش می دهند و یا حذف می نمایند. از اقداماتی که درجهت رفع موانع تجاری و تبدیل سیاست های حمایتی و گرایش به اصول لیبرالیزم اقتصادی صورت گرفت می توان ازگردهمایی جهانی درشهر ژنف؛ برگزاری کنفرانس لندن جهت تاسیس یک سازمان بین المللی تجاریٌ (ITO) برگزاری کنفرانس هاوانا که مبنای موافقت نامه عمومی تعرفه تجاری یا گات۲ گردید نام برد. درتمامی این تلاش ها، هدف عمده جهت بخشیدن به تجارت بین الملل وایجاد تسهیلات لازم ومتنوع برای گسترش آن بوده است.

نقش سرمایه و کمک خارجی در توسعه اقتصادی

در دو دهه گذشته، کشورهای گوناگون و به خصوص کشورهای سرمایه پذیر چه از طریق وضع یا اصلاح قوانین داخلی و چه از طریق انعقاد معاهدات دوجانبه و چند جانبه، ورود سرمایه به کشورهای خود را مورد حمایت و تشویق قرار داده اند. سرمایه خارجیَ به دو شکل خصوصی و دولتی وارد کشورهای درحال توسعه می شود. مسلماً سرمایه های دولتی خارجی از اهمیت بیشتری در توسعه اقتصادی برخوردار است تا سرمایه های خصوصی خارجی. مشکل کمبود سرمایه درکشورهای درحال توسعه آن قدر عمیق است که سرمایه های خصوصی قادر به رفع این معضل نیستند. ازطرف دیگرسرمایه گذاران خصوصی خارجی هیچ تمایلی به سرمایه گذاری درطرح های بالاسری اجتماعی مانند تامین بهداشت، آموزش و پرورش، برنامه های تبلیغات حرفه ای، تحقیق وغیره ندارند. این طرح ها هرچند به طورغیرمستقیم در بلندمدت برای کارایی و بازدهی اقتصادی به خاطرغیرمستقیم بودن سود حاصل تأثیر می گذارند.

منبع: https://magirans.com

غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK

قرضه برای بانوان متشبث

۵٪

تکتانه تنزیلی

قرضهٔ میعادی

با شرایط سهل

از یکصد هزار الی دو میلیون افغانی

FOLLOW US ON SOCIAL MEDIA!

سیاست گذاران برتر پولی جهان

دو نشریه معتبر بین‌المللی، برترین روسای بانک مرکزی در سال ۲۰۱۹ را معرفی کردند. این انتخاب از سوی دو «نشریه بنکر» و «نشریه گلوبل فایننس» صورت گرفت و برجسته‌ترین سیاست‌گذاران پولی دنیا با محوریت مدیریت مطلوب برای دستیابی به رشد با ثبات و حفظ تعادل اقتصاد کشور شان انتخاب شدند. «شفافیت محصولات بانکی»، «تثبیت تورم در نزدیکی نرخ هدف»، «اهمیت به نوآوری و تکنولوژی» و «تلاش برای دسترسی به جریان سرمایه آزاد» عمده‌ترین معیارهای مورد توجه این دو نشریه برای انتخاب روسای برتر بانک های مرکزی بود. از نگاه کارشناسان، روسای بانک‌های مرکزی نسبت به سال گذشته کار سخت‌تری پیش‌رو دارند، چرا که احتمال وقوع رکود اقتصادی در جهان افزایش یافته است. علاوه بر این، در برخی مناطق، استقلال عمل بانک‌های مرکزی مورد تهدید است. از نکات قابل توجه در این دسته‌بندی این است که در منطقه خاورمیانه، نام محمد الهاشل، رئیس کل بانک مرکزی کویت به دلیل تقویت ساختار صنعت بانکداری کویت و تبدیل این کشور به قطب مالی کشورهای اسلامی به چشم می‌خورد. همچنین در این رتبه‌بندی همه عناوین در تسخیر مردان نبوده و نورشمسیا مهد یونس از مالیزیا و الویرا نابیولینا از روسیه، به‌عنوان سیاست‌گذاران موفق پولی معرفی شدند، این دو در حل و فصل بحران‌های پولی و مالی کشورشان نقش مهمی ایفا کردند.

سکانداران برتر پولی جهان

دو نشریه معتبر بین‌المللی به صورت جداگانه برترین روسای بانک مرکزی را معرفی کردند. نشریه «بنکر» پنج رئیس کل بانک مرکزی را به دلیل تلاش برای ثبات و حفظ تعادل اقتصاد کشورهای شان، شایستهٔ تکریم دانست. این تقدیر از بانکدارانی می‌شود که بهترین مهارت در مدیریت برای دستیابی به رشد باثبات و حفظ تعادل اقتصاد کشور را داشته باشند.

جایزه بخش جهانی و اروپا

رئیس بانک مرکزی کرواسی، «بوریس ووجیچ»

بوریس ووجیچ با توانایی‌های چندبعدی اصلاً بیگانه نیست. او هفت سال برای عضویت کرواسی در اتحادیه اروپا تلاش کرد و در نهایت سال ۲۰۱۳ این کشور به منطقه یورو پیوست. در همین زمان وی مسوولیت‌های دیگری نیز بر عهده داشت. علاوه بر معاونت کمیته مذاکره‌کننده برای پیوستن به

اتحادیه اروپا، وی معاون بانک ملی کرواسی بود. پس از آن در سال ۲۰۱۲، رئیس کمیته راهبردی در موسسه وین شد. در همان زمان، رکود جهانی دهه قبل رخ داد. برنامه این کمیته حفظ ثبات در اقتصادهای نوظهور در اروپای مرکزی و شرقی بود. مشکل آنجا بود که اروپای غربی و شمالی در خطر ورشکستگی اعتباری بودند. اما در موسسه وین، همراه با موسسات مالی بین‌المللی، کمیسیون اروپا و چندین قرض‌دهنده بزرگ تجاری اروپا توانست، ازماه مارچ سال ۲۰۱۸، قرض های غیرعامل (NPL) برای ۱۷ کشور به ۲۹ میلیارد پوند یا ۲/ ۴ درصد از کل این قرض ها رسیده‌اند، تا جایی که دیگر به‌عنوان یک تهدید جدی دیده نمی‌شوند. رأس مسوولیت کاری خود را برای دستیابی به تامین مالی برای بخش نوآوری، تلاش برای دسترسی به بازار باز و جریان سرمایه آزاد و تربیت نیروی کار ماهر کرد.

بانکدار چند بعدی کروات‌ها

بوریس ووجیچ اقتصاددان کروات است که از سال ۲۰۱۲ تا به حال ریاست بانک مرکزی کرواسی را برعهده دارد. ووجیچ در سال ۱۹۹۶ موفق به کسب مدرک دکترا از دانشگاه زاگرب شد، دانشگاهی که از سال ۱۹۸۹ در آن به‌عنوان معاون استاد فعالیت داشته است. وی درسال ۱۹۹۶ به‌عنوان رئیس دپارتمنت تحقیقات بانک مرکزی کرواسی برگزیده شد. یک سال بعد یعنی در سال ۱۹۹۷به‌عنوان استاد به دانشکدهٔ اقتصاد دانشگاه زاگرب بازگشت و ۶ سال بعد موفق به کسب درجه پروفیسوری در این دانشکده شد. او همچنین از سال ۲۰۰۰ به مقام معاونت رئیس در بانک مرکزی کرواسی دست یافت، پستی که در نهایت در سال ۲۰۱۲ منجر به ریاست او بر این نهاد شد. در سال ۲۰۱۸ نخست‌وزیر دولت ائتلافی، آندری پلنکوویچ، با تمدید دورهٔ ریاست ووجیچ برای یک دورهٔ شش ساله دیگر موافقت کرد. وی همچنین سابقه همکاری با بانک مرکزی اروپا و صندوق بین‌المللی پول را نیز در کارنامه خود دارد.

نور شمسیا مهد یونس، مالیزیا

او از ماه جولای ۲۰۱۸، به ریاست بانک مرکزی مالیزیا دست یافت و در همین مدت کوتاه اصلاحاتی با هدف ارتقای رشد تولید ناخالص داخلی و ریشه‌کنی فقر را کلید زد. خانم نورشمسیا زمانی وارد بانک مرکزی شد که به تازگی اختلاس ۱mdb فضای اقتصادی مالیزیا را شوکه کرده بود. با این پیش زمینه، او به سرعت شفافیت در بانکداری را ارتقا داد و انتخاب‌های قاطع برای برنامه های قوی‌تر و حسابرسی دقیق در سیستم بانکداری را آغاز کرد.

برای مبارزه با پرداخت‌های غیرقانونی بازار سیاه آستانه معامله ها را کاهش داد. دستور به ارائه گزارش برای سپرده‌های بالای ۲۵ هزار رینگیت مالیزیا(معادل ۵۹۷۰ دالر) را صادر کرد. هدف او از این عمل، در راستای شفاف‌سازی سپرده‌های بانکی صورت گرفت. نیمی از این سپرده‌های گزارش شده، در چارچوب قانون موجود تعریف می‌شد. این کشور همچنین گام هایی در راستای کاهش پولشویی برداشت، چرا که مالیزیا یکی از رتبه‌های بالای پولشویی را در جهان به خود اختصاص داده بود. مقامات ارشد در حال حاضر باید گزارش عملیات حسابرسی کسب و کارهای خود را به‌صورت شفاف ارائه دهند.

بازتاب رشد اقتصادی مالیزیا در گزارش بانک جهانی مبنی بر اینکه «مالیزیا در حال تبدیل

شدن به یکی از سریع‌ترین کشورهای دنیا در زمینه رشد اقتصادی است» منجر شد با اینکه مالیزیا به‌عنوان یکی از گزینه‌های امن برای سرمایه‌گذاری در سطح بین‌المللی شناخته شود. رئیس بانک مرکزی مالیزیا با اقدامی برای عملیات بیمه همگانی در مالیزیا منجر به بهبود خدمات بهداشت عمومی برای تمام جمعیت کشور شد و صندوق محافظت سلامت ملی بر همین اساس ایجاد شد که کمک به جمعیت ۴۰ درصدی فقرا در کشور را به همراه داشت.

بانوی پولی مالیزیا

خانم نورشمسیا از سال ۲۰۱۸ جانشین محمدابراهیم رئیس پیشین بانک مرکزی مالیزیا (بانک نگارا) شد. او دومین زنی است که به ریاست این بانک رسیده است. او پیش از این طی مدت شش سال و تا سال ۲۰۱۶ به‌عنوان معاون رئیس بانک مرکزی مالیزیا مشغول به کار بود و پس از آن به‌عنوان معاون بخش بازارهای مالی و سرمایه‌ای به صندوق بین‌المللی پول ملحق شد. شمسیا مهد یونس مدرک لیسانس خود را در رشته حسابداری از دانشگاه استرالیای جنوبی دریافت کرد. او مستقیماً در حل و فصل بحران مالی آسیا در سال ۱۹۹۸ مشارکت داشت.

بانکدار خاورمیانه

محمد الهاشل، کویت

محمد الهاشل برنده جایزه بهترین رئیس بانک مرکزی در خاورمیانه از سوی اقتصاددانان بسیاری یک ستاره رو به اوج معرفی شده است.الهاشل در سال ۲۰۱۲ و در سن ۳۷ سالگی ریاست بانک مرکزی کویت را برعهده گرفت هدف اصلی او مقاوم‌سازی زیرساخت‌های صنعت بانکداری کویت بود و در نهایت توانست یکی از قدرتمندترین بخش‌های بانکی دنیا را در این کشور پرورش دهد. بانک مرکزی کویت از لحاظ کیفیت و کفایت سرمایه و دارایی‌ها همچنین سوددهی، دارای کیفیت بالایی است.

تحت هدایت الهاشل، بانک مرکزی مراحل کفایت سرمایه کشور را بهبود بخشیده است. تا اوایل سال ۲۰۱۸، بانک‌های کویتی از نسبت کفایت سرمایه در حدود ۳/ ۱۸ درصد برخوردار بودند. الزامات سرمایه اضافی در بانک‌های مهم از نظر سیستماتیک قرار داده شده است، در حالی که سایر اقدامات – از جمله معرفی یک نسبت اهرم ساده برای اطمینان از تبدیل شدن بیش از حد بانک‌ها – بیش از معیارهای جهانی است. همانطور که توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF) خاطرنشان شد، هر یک از این الزامات نظارتی با توجه به هزینه‌ها و مزایا توسط بانک مرکزی سنجیده می‌شوند و به‌طور دوره‌ای مورد ارزیابی مجدد قرار می‌گیرند تا از مقاومت در یک روش کارآمد استفاده شود. فراتر از مقررات، آقای الهاشل به یک پیشرو در زمینه رشد مالی اسلامی در کویت و در سراسر جهان تبدیل شده است. این باعث شده است که بانک مرکزی کویت با تعدادی از سازمان‌های بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول و شورای خدمات مالی اسلامی مشارکت کند و میزبان رویدادها و سمینارهای مختلف برای ارتقای رشد محصولات و خدمات مالی سازگار با شریعت در مقیاس جهانی باشد. امروز، حدود ۴۰ درصد از دارایی‌های بخش بانکی کویت سازگار با شریعت است و به رشد این کشور به‌عنوان قطب تامین مالی اسلامی کمک کرده است.

هدایتگر مالی کشورهای اسلامی

محمد الهاشل مدرک لیسانس خود را در رشته مهندسی کامپیوتر از دانشگاه کویت دریافت کرد. او بعد از آن تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی ارشد در رشته MBA در دانشگاه ایموری واقع در شهر جورجیا آمریکا

ادامه داد و پس از اتمام این دوره مدرک ارشد دیگری در رشته اقتصاد از دانشگاه اولد دومینیون در سال ۲۰۰۳ دریافت کرد و نهایتاً مدرک دکترای خود را در رشته مالی از همین دانشگاه گرفت. الهاشل در سال ۲۰۱۵ جایزه بهترین رئیس بانک مرکزی اتحادیه عرب را به خاطر موفقیت‌هایش در وضع موفقیت‌آمیز سیاست‌های مالی در کویت دریافت کرد. او همچنین عضو شورای مشورتی اتحادیه بانک های عربی است.

رئیس بانک مرکزی مکزیک «آلخاندرو دیاز»

پیش از کسب این کرسی، معاونت این نهاد را برعهده داشت. آلخاندرو از دسمبر۲۰۱۷ میلادی، مسوولیت خود را با سمت جدید آغاز کرد. در آن دوره فدرال رزرو آمریکا مشغول افزایش نرخ بهره بود و این موضوع سرمایه گذاران را به فکر اثرات منفی انقباض پولی آمریکا بر بازارهای نوظهور انداخت. فرار سرمایه در مکزیک آغاز شد و تبدیل پزو مکزیک به دالر منجر به بحران ارزی در این کشور شد. پس از آن دونالد ترامپ از معاهده تجارت آزاد شمال آمریکا کناره‌گیری کرد. مکزیکی‌ها با انتخاباتی روبه رو بودند که احتمال پیروزی یک رئیس جمهوری دور از نظریه بازار باز را تقویت می‌کرد. اما دیاز به آنچه اعتقاد داشت عمل کرد. او شفافیت در بانک مرکزی را بالا برد. انتشار داده های ماهانه تورم و دیگر شاخص‌ها را به‌طور منظم آغاز کرد تا ارتباط سرمایه‌گذاران و اعتماد آنها را به بانکی که دیگر شفاف عمل می‌کند، بازگرداند. او از هرگونه واکنش سریع به رخدادهای بازار خودداری می‌کرد تا بازار به‌عنوان یک عامل متعادل‌کننده وضعیت را روشن‌تر کند و حتی راه را به بانک مرکزی برای استفاده بهینه از ابزارهای پولی نشان دهد. آلخاندرو در راستای فضای باز برای تجارت و جریان سرمایه، تحول در زمینه تکنولوژی، بخش مالی مقاوم در برابر تکانه‌ها، افزایش ارتباط با اجتماع و ایجاد موسسه‌های عمومی در کنار بانک مرکزی هوشمند مانند یک کالای عمومی برای اقتصاد مکزیک ثبات بیاورند، گام برداشت.

ناجی مکزیک در بحران ترامپ و فدرال رزرو

دیاز ۵۰ ساله در مکزیکوسیتی به دنیا آمد و لیسانس خود را در سال ۱۹۹۳ در رشته اقتصاد از انستیتوت فناوری استقلال مکزیک اخذ کرد. او مدرک کارشناسی ارشد خود را دو سال بعد در رشته مدیریت عمومی و خصوصی از بخش مدیریتی دانشگاه ییل آمریکا گرفت. سابقه کاری دیاز در بانک مرکزی مکزیک بسیار طولانی است و او مناصب مختلفی از جمله آنالیزور بخش بازار سهام و معاون رئیس در بخش مالی را در این نهاد بر عهده داشته است. او از جنوری ۲۰۱۱ تا نومبر ۲۰۱۵ به‌عنوان رئیس دفتر مدیریت بدهی وزارت مالی مکزیک مشغول به کار بود و از سال ۲۰۱۵ نیز به‌عنوان مدیر کل بانک تجارت خارجی مکزیک کارنامه حرفه‌ای خود را پربارتر کرد. او از دسمبر ۲۰۱۷ برای یک دورهٔ چهار ساله به‌عنوان رئیس بانک مرکزی مکزیک انتخاب شد.

بانکدار مرکزی سال آفریقا

عبد اللطیف جوهری، مراکش

مسیر اقتصادی مراکش همچنان اصول اساسی و محکمی را نشان می‌دهد، حتی اگر این کشور با چالش‌هایی روبه‌رو باشد. تاثیر خشکسالی شدید در سال ۲۰۱۶ باعث شد که اقتصاد مراکش فقط ۲/ ۱ درصد رشد داشته باشد اما بهبود شرایط آب و هوایی تولید ناخالص داخلی را به ۴/ ۴ درصد افزایش داد و چشم‌انداز کلی اقتصاد این کشور را در سال ۲۰۱۷ بهبود بخشید. بانک مرکزی، پیش‌بینی کرده بود، رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۸ میلادی حدود ۵/ ۳ درصد و در سال ۲۰۱۹ بین ۵/ ۳ تا ۹/ ۳ درصد ثبت شود.

رئیس قانون‌مدار

جوهری برای رسیدن به ریاست بانک مرکزی مراکش کارنامه پرباری داشته است. او که در سال ۱۹۳۹ به دنیا آمده، پست‌های مدیریتی متعددی را در بانک مرکزی عهده‌دار بوده است. او بعد از حضور اولیه در بانک مرکزی مراکش وارد دولت مراکش شد و در سال ۱۹۸۱ به‌عنوان وزیر دارایی انتخاب شد. پستی که او به مدت پنج سال عهده‌دار آن بود.

بانکداران برتر از نظر نشریه گلوبال فاینانس

در ارزیابی دوم نشریه گلوبال فاینانس سال ۲۰۱۹ نیز مانند سال‌های گذشته نسبت به رتبه بندی روسای بانک‌های مرکزی جهان بر حسب عملکرد آنها اقدام کرده است که بر این اساس، ۹۴ رئیس بانک مرکزی رتبه‌بندی شده‌اند. در رده‌بندی این سال کشورهای کامبوج، گامبیا، قرقیزستان، لائوس، ماداگاسکار، موریتانی، موریشس، موزامبیک و رواندا نیز برای اولین بار مورد پژوهش قرار گرفته‌اند.

این رتبه‌بندی دارای شش رده از A تا F است که A بیانگر بهترین عملکرد در مهار تورم، دستیابی به اهداف رشد، ثبات بخشی به بازار ارز و مدیریت نرخ بهره و F بیانگر بدترین عملکرد است. جوزف گیاروپوتو، سردبیر این نشریه گفت: روسای بانک‌های مرکزی نسبت به سال گذشته کار سخت‌تری پیش‌رو دارند چرا که احتمال وقوع رکود اقتصادی در جهان افزایش یافته است. در برخی از مناطق استقلال عمل بانک های مرکزی مورد تهدید است.

برترین روسای بانک‌های مرکزی

در مجموع ۱۰ نفر موفق شده‌اند رتبه کیفی A را در رده بندی سال ۲۰۱۹ از آن خود کنند که عبارتند از: فیلیپ لووه رئیس بانک مرکزی استرالیا، ویلفردو سراتو رئیس بانک مرکزی هندوراس، مار گوموندسن رئیس بانک مرکزی ایسلند، محمد یوسف ال هاشل رئیس بانک مرکزی کویت، ریاض سلامه رئیس بانک مرکزی لبنان، الخاندورو دیاز-رئیس بانک مرکزی مکزیک، عبداللطیف جواهری-رئیس بانک مرکزی مراکش، الویرا نابیولینا رئیس بانک مرکزی روسیه، لی جو یول رئیس بانک مرکزی کوریای جنوبی و یانگ چین لونگ رئیس بانک مرکزی تایوان.

بدترین روسای بانک‌های مرکزی در رده بندی سال ۲۰۱۹، تنها اورتگا سانچز-رئیس بانک مرکزی ونزوئلا دارای رتبه F بوده است. امانوئل موتیبیل، رئیس بانک مرکزی اوگاندا نفر بعدی با رتبه C- است.

دیگر رتبه‌ها در این رده‌بندی هم چنین رئیس بانک مرکزی کانادا رتبه B-، آمریکا A-، اروپا و انگلیس A-، سوئیس C، چین C و جاپان B را کسب کرده‌اند.

منبع: دنیای اقتصاد

غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK

قرضهٔ زراعتی

قرضهٔ میعادی
الی مدت ۲٤ ماه
برای شرکت های زراعتی

نقش ترانسپورت
در اقتصاد افغانستان

داکتر دستگیر رضایی

ترانسپورت و یا حمل و نقل در اقتصاد جوامع بشری نقش خیلی مهم را بازی می نماید. چنانکه بعد از تولید، کالا باید غرض فروش به بازار و یا مصرف کننده منتقل گردد و یا شخصی غرض بازدید و یا اجرای امورات شخصی و یا تجارتی از محلی به محل دیگر سفر نماید و یا پُست و نامه ای از جایی به جایی فرستاده شود. همه این امور را باید بخش خدمات ترانسپورت انجام دهد، انجام بهتر این خدمات در شرایط امروز بستگی به موجودیت وسایل، امکانات و تسهیلاتی لازم مانند: ترانسپورت زمینی، وسایل موتری (تیز رفتار یا اتوموبیل های شخصی و ترانسپورت شهری شامل تاکسی، ترم و مترو (روی زمین و زیر زمین)، لاری های بارکش، بس ها و تسهیلات و انفرستروکتور مربوطه از قبیل جاده ها و سرکها (شاهراه های بزرگ)، پارک، هوتل، استیشن های بنزین (تانکهای تیل) کنار شاهراه ها و بس استیشن، واگون ها و قطار مسافربری و بارکش و خطوط راه های آهن و استیشنها و خدمات تخنیکی مربوطه، در بخش ترانسپورت هوایی –هواپیما ها، میادین مجهز و استندرد، ترمینل ها و خدمات ترمینلی مجهز با (سالون ترانزیت، فروشگاه ها، رستورانت ها، خدمات پُستی و بانکی و پارکینگ های موتر، در بخش ترانسپورت بحری و دریایی– کشتی های مسافربر و بارکش، لنگر گاه ها، گذر گاه، ترمینلها و خدمات گذرگاهی (بندری)، و غیره دارد. هر گاه این خدمات جنبه بین المللی داشته باشد، باید حل تمامی مقررات و تعامل حقوقی در زمینه های ترانزیت و گمرک مدنظر گرفته شده باشد.

خدمات ترانسپورت در افغانستان در حال حاضر شامل دوبخش زمینی و هوایی می باشد. در افغانستان سیستم ترانسپورت زمینی تسلط دارد. که در بخش انتقال مسافرین و اموال خدمت می نماید. و شامل موتر های شخصی و تاکسی و لاری های بار کش و بس های شهری و بین شهری است.۱

طوریکه در بالا اشاره شد بخش ترانسپورت در افغانستان متشکل از ترانسپورت زمینی و هوایی می باشد، با وصف تسلط ترانسپورت زمینی، هنوز این بخش از ظرفیت لازم که بتواند نیازمندی روز را با توجه به موقعیت ترانزیتی کشور و توسعه تجارت داخلی ومنطقوی مرفوع سازد خیلی فاصله دارد . در اینجا لازم است تا فعالیت تمامی انواع و سایط (اتوموبیل شخصی، تاکسی ها، بس های شهری، بین شهر ها و ولایات و بین المللی در سطح منطقه، لاری و کامیونها مطابق به قوانین داخلی و بین المللی عیار شود. تدریجی فعالیت های تاکسی، لاری ها در شکل تشبثات انفرادی، شرکت ها تضامنی، محدوالمسوولیت و سهامی تنظیم و مراحل ثبت و راجستر آن به وزارت های ترانسپورت غرض اخذ جواز فعالیت، به وزارت

مالیه غرض پرداخت مالیه، اتاق های تجارت و ترافیک صورت گیرد. و بعد از آن هرگونه صدور جواز در بخش ترانسپورت از جانب وزارت ترانسپورت بر مبنای ارایه بیزنس پلان و نیازمندی (تقاضا) مارکیت و ظرفیت موجود صورت پذیرد، در حال حاضر صدور جواز سرمایه گذاری ها از سوی اداره حمایت از سرمایه گذاری "ایسا" بدون در نظرداشت نیازمندی و ظرفیت سکتور و اطمینان از ادامه فعالیت عملی می شود. در آینده برای رانندگان تاکسی و کامیون ها علاوه بر لایسنس (Licence) عادی، لایسنس تاکسی و کامیون و برای مالکین و صاحبان شرکت ها گواهینامه مهارت تشبث و کار و بار حتمی گردد، این کار از استندرد های معمول در جهان معاصر و بخصوص در کشور هالند می باشد. هرچند افغانستان در وضعیت کنونی از آن فاصله دارد، اما در نهایت ناگزیر است تا راه کاروان ترقی را در این مسیر طی نماید. البته اجرای این امور در قالب برنامه های انکشافی و هدفمندانه زمانبندی گردد و از مزایای آن به نفع پیشرفت و توسعه استفاده شود.

"سکتور ترانسپورت هوایی در اقتصاد افغانستان با توجه به نبود خطوط آهن و بحری و توسعه نیافتگی ترانسپورت زمینی موتر (به ویژه ترانسپورت بین المللی) و کوهستانی بودن از اهمیت و نقش کلیدی برخودار است. و در بخش ترافیک داخلی (پرواز های داخلی) و ترافیک بین المللی (پروازهای خارجی)در وجود کمپنی های هوانوردی (آریانا ایرلاین و کام ایر) با داشتن تعداد هوا پیما مصروف فعالیت در انتقال مسافرین، اموال و پست می باشند. و قرار اظهارات مقامات دولتی چند کمپنی دیگر نیز یا جواز فعالیت گرفته اند و یا در حال تکمیل پروسه اخذ جواز قرار دارند. و قراردادی همکاری خدمات هوانوردی با کدام کمپنی خارجی عقد گردیده است."

کشور دارای یک میدان هوایی بین المللی در کابل و چند میدان هوایی کوچک می باشد از جمله سه میدان هوایی آن اسفالت است.۲

میدان های هوایی ظرف ۵ سال آینده ترمیم، ایجاد و تجهیز گردد، تا پروازهای داخلی از آن ها صورت گیرد، و میدان هوایی هلمند نیز به تازگی گشایش یافته است و اعمار ۴ میدان هوایی کوچک دیگر در صعب العبور ترین نقاط کشور (ولسوالیهای اجرستان ولایت غزنی، ولسوالی های شغنان، درواز و خواهان ولایت بدخشان) نیز در اولویت آن وزارت و در مرحله بعدی اعمار و تجهیز سایر میادین در کشور و احیای دوباره باختر افغان الوتنه به منظور پرواز های داخلی قرار دارد۳ . در این زمینه باید گفت که آرزوی خوب می باشد ولی با توجه به امکانات افغانستان طی زمان کوتاه بیشتر خوشبینانه و آرمانی به نظر می رسد تا عملی. اما در دراز مدت موازی با دسترسی به امکانات و منابع قابل اجرا می باشد.

بخش ترانسپورت هوایی– در حال حاضر بنابر عدم رشد کافی ترانسپورت زمینی (در سطح داخلی و خارجی) بار سنگین انجام حمل و نقل را به عهده دارد و ظرفیت موجود آن نه تنها پاسخگوی تقاضای مارکیت نمی باشد، بلکه خدمات آن نیز مطابق به استندرد های بین المللی نیست. که در هردو مورد ایجاب اقدامات عاجل را می نماید. از جمله این اقدامات:

– ارتقا میادین کابل، هرات، قندهار، مزار در سطح بین المللی طبق ادعای وزارت ترانسپورت باشد، مشروط به اینکه در ابتدا توجه به تجهیز میدان هوایی کابل گردد که الی اکنون یگانه میدان هوایی بین المللی در سطح کشور است که از طریق آن ارتباط کشور به خارج وخارج را به داخل وصل کرده ومعرف افغانستان در نگاه نخست می باشد. و در ادامه به نوبت به تجهیز سه میدان دیگر اقدام گردد تا فشار بالای میدان هوایی کابل کاهش یابد.

– ارتقا ظرفیت شرکت آریانا از حیث افزایش هواپیما، پرسونل (پیلوت، انجینران، تخنیکران، مهمانانداران، کارمندان اداری)، اقدامات عملی در جهت حذف نام آن از لست سیاه، و توسعه پروازها و بهبود عرضه خدمات به سطح استندرد بین المللی که متاسفانه تا فعلاً وجود ندارد.

– حمایت از کمپنی های هوایی سکتور خصوصی موجود(کام ایر) که پدیده جدید و دستآورد خوب در سرمایه گذاری به سکتور ترانسپورت می باشد. خوشبختانه از موفقیت قابل دیدبرخوردار بوده، اما نیازمند ارتقای ظرفیت و بهبود خدمات می باشد، یکی از راه های ارتقای ظرفیت در این بخش متحد شدن این کمپنی ها

در یک شرکت سهامی است.این کار موجب ارتقای موقف کمپنی، تمرکز سرمایه و کاهش فشار بالای میدان هوایی وصرفه جوی در مصارف، کاهش بیروکراسی وارتقای قابلیت رقابتی میگردد. این شیوه معمول وموفق در بخشی هوانوردی محسوب می شود. از این شیوه برای ارتقای قابلیت رقابت وحضور موثر وفعال درسطح بین االمللی نیز استفاده میگردد. یکی از نمونه های آن متحد شدن کمپنی KLM کشور هالند و کمپنی ایرفرانس فرانس تحت عنوان"ایرفرانس ک ال ام" است که تنها کمپنی هالندی حین اتحاد بیشتر از ۴۰۰ فروند هواپیما در اختیار داشت. در حال حاضر کمپنی هوانوردی اندونیزیا Garudaبه کمک KLM از لست سیاه بیرون میشود وبعد از شش سال دوباره پرواز را به اروپا از سر میگیرد، و انتظار دارد به زودی شامل تیمSKY Team–alliantie گردد که در آن علاوه بر Delta، Air France، KLM سهم دارند.۴ .البته نمونه های دیگر نیز وجود دارد.

راه دیگر نشر وفروش سهم در یورس اوراق بهادار که در آینده باید ایجاد گردد، می تواند باشد.

– تشویق وجلب سرمایه گذاری های خصوصی داخلی وخارجی در عرصه خدمات مربوط به میدان ها، امروز میدان های هوایی بین المللی با داشتن فروشگاه ها، رستورانت های نمایندگی ها وآزانس های توریستی وغیره یکی از محلات خوب تفریحی برای مسافران و مشایعت کنندگان و پذیرایی کنندگان و مراکز خوب تجاری ومعاملاتی ومارکیت کار نیز محسوب می شود.

– ایجاد فضای سالم رقابت از طریق وضع قوانین ضد انحصار(anti–monopoly) و صدور جواز جدید عندالضرورت ومتناسب به ظرفیت میادین.

باید تمامی اقداماتی که جنبه انکشافی دارد در داخل برنامه های انکشافی پیشبینی وجاگزین شوند.

طبق تعامل وتجربه توسعه در سطح جهان، هرگونه انکشاف در چوکات برنامه رشد وتوسعه درازمدت قابل پیشبینی وتطبیق می باشد. در افغانستان برنامه رشد و توسعه درازمدت تدوین نشده و صرف دو برنامه بازسازی از سال ۱۳۸۲ به بعد به اسم "پلان استراتیژی ملی برای افغانستان" (۲۰۰۷–۲۰۰۳) و "استراتیژی انکشاف ملی افغانستان "۵ (۲۰۱۲–۲۰۰۸) DNDS طرح و به منصه اجرا قرار داده شده، که اولی با شتاب در عدم موجودیت ارقام و ارزیابی کامل، غیر دقیق بوده و تطبیق آن نیز ناقص صورت گرفت و دومی برغم هزینه گزاف تدوین و تائید جامعه جهانی، بنابر ضعف مدیریت دولت و عدم کنترول جامعه جهانی رو به ناکامی میرود. صرف بورد نظارت و انسجام که در آن چند وزیر و نمایندگان ملل متحد عضویت دارند و در هر سه ماه تدویر جلسه میدهند و ارزیابی های خویش را بصورت واضح بیان نمی کنند که براساس کدام شاخص ها بعمل آمده و نتیجه دقیق چه است .حتا نسخه دری و پشتو آن در سایت مربوطه وجود ندارد و صرف به زبان انگلیسی آن هم در نزد خود شان حفظ است. در حالیکه میبایست این سند به زبان های ملی و انگلسی در اختیار هر واحد اداری دولت، مطبوعات و مراجع تحقیقی قرار میداشت، تا از یکسو سکتور های مربوطه، اجرای پلان ها را

برطبق آن پیش میبردن و از سوی اقدامات آنها در تناقض با وظایف مندرج آن قرار نمیگرفت. و مراجع پژوهشی نیز روی نقاط ضعف و قوت آن کار میکردند و پیشنهاد های اصلاحی و تکمیلی ارایه می نمودند. و نظارت عامه بر آن وجود میداشت. مزیداً در اظهارات مسوولین امور بار ها گفته شده که این دومین سند مهم بعد از قانون اساسی میباشد. پس محفوظ نگهداشتن آن از انظار عامه به چه معناست؟

برای تثبیت نقش هر سکتور به ویژه سکتور ترانسپورت و بخش های مربوطه آن نیاز به ارقام و معلومات دقیق در زمینه است.

متاسفانه نسبت عدم موجودیت ارقام دقیق احصائیوی و بانک اطلاعاتی database تثبیت سهم بخش ترانسپورت و از جمله ترانسپورت هوایی در محصول ناخالص ملیGDP مشکل است، در سنجش های احصائیوی ترانسپورت شامل بخش خدمات که متشکل از تجارت (داخلی و خارجی)، ترانسپورت (زمینی و هوایی) مخابرات، بانکها و بیمه و سایر خدمات گردیده که بصورت کل ۳۷، ۳ درصد محصول ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۴ را احتوا میدارد.۶ در سنجش های احصائیوی سالهای ۱۳۵۷، ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ سهم ترانسپورت و مخابرات جمعاً به ترتیب ۴,۲۸، ۳,۷۳ و ۳,۹۳ درصد محصول ناخالص داخلی را احتوا نموده است.۷

برای سنجش دقیق موثریت و نقش سکتور ترانسپورت و به ویژه ترانسپورت هوایی لازم است تا شاخص های مشخص سنجش وجود داشته باشد. تا برویت آن هر گونه افزایش و یا کاهش در این سکتور ارزیابی گردد، عوامل مربوط شناسایی گردد.

در پائین به عنوان نتیجه باید بیان کرد که رشد و انکشاف ترانسپورت (انواع مختلف آن را بدون موجودیت زیربنا های لازمی مانند سرکها، شاهراه ها، میادین، خطوط آهن، بحر و دریا و لنگر گاه تصور کردن محال است. از اینرو در گام نخست لازم است تا وزارت ترانسپورت در همکاری نزدیک با وزارت فواید عامه و دیگر مراجع مربوطه در این راستا گام بردارد. و از سوی رونق یک بخش ترانسپورت موجب رشد دیگر بخش های آن میگردد یا به سخن دیگر، انتقال مسافرین و اموال قبل از پرواز بوسیله موتر، یا قطار تا میدان صورت میگیرد و برعکس آن.

بنده معتقد هستم که هردو بخش موجود ترانسپورت(زمینی وهوایی) از نقش خاصی در حیات اقتصادی کشور برخوداراست. از یکسو با توجه به نبود ترانسپورت راه های آهن وبحری ومشکلات موجود درترانسپورت زمین در مسیر های بین المللی وصعب العبور بودن مناطق در داخل بخصوص در ایام زمستان، نقش واهمیت ترانسپورت هوایی بر جسته است واز سوی دیگر انتقال اموال را در داخل وخارج کشور بنابر بعد مسا فه و ودیگر عوامل به پیمانه بزرگ نمی تواند از طریق فضا انجام یابد. از اینرو نقش ترانسپورت زمینی برجسته تر خود نمایی میکند. باتوجه به موقعیت جغرافیایی وترانزیتی افغانستان و افزایش نیاز مندی ها متناسب به سطح پیشرفت اقتصاد ضرورت اشد به ترانسپورت راه آهن احساس خواهد گردید، ودولت باید همین حالا گام های نخستین را در زمینه بردارد.

نکته مهم دیگر این است که، استراتیژیک خواندن یک سکتور بنابر نیازمندی واهمیت آن است که از کشور تا کشوری واز اقتصاد تا اقتصادی باتوجه به زمان وسطح انکشاف فرق میکند.

به نظر بنده در افغانستان ترانسپورت بعد از سکتور زراعت و در مجموع تولیدات و ساختمان راه ها و سرک در مقام سوم اولویت های انکشافی قرار میگرد و از اینرو سکتور ترانسپورت و وزارت مربوطه استراتیژیک می باشد.

مزیداً سهم ونقش که این سکتور در افزایش محصول ناخالص داخلی، اشتغالزایی، اتصالات و خاصتاً اتصال مولد(عرضه) ومستهلک(تقاضا)، تسریع رقابتوتشکل قیمت که از عناصر متشکله مارکیت است، دارد، به نقش استراتیژیک این سکتور صحه می گذارد.

نگاه بنده به موضوع ترانسپورت از بعد موثریت اقتصادی آن می باشد.

منبع: اصالت

غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK

بانکداری الکترونیک

هر زمان، هر مکان

امنیت بالا

آخرین تکنالوژی روز

کاربرد مشترک

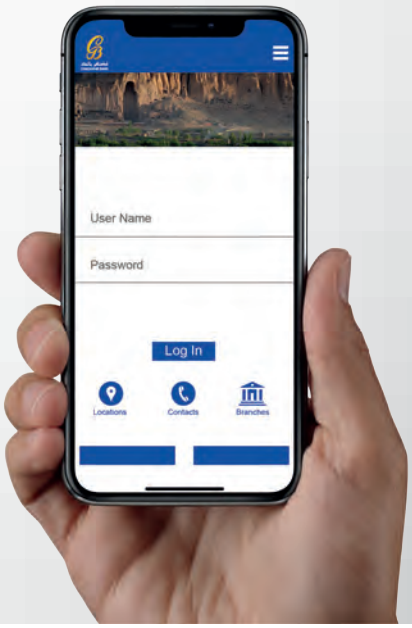

بانکداری از طریق مبایل و کمپیوتر

GET IT ON Google play

Available on the App Store

تاریخچهٔ گروه هشت(G۸)

گروه هشت شامل هفت کشور بزرگ صنعتی جهان و روسیه است. این گروه متشکل از هشت کشور صنعتی جهان است که ۶۵ ٪ اقتصاد جهان را در دست دارند. رهبران این هشت کشور هر سال یکبار ملاقات می کنند. این جلسات برای رسانه ها بسیار مهم اند و غالباً بهانه ای می شوند برای برگزاری تظاهرات اعتراضی.

زمینه های شکل گیری چنین نهادی به سالهای رکود اقتصادی و بحران نفت در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی باز می گردد. در سال ۱۹۷۳ در واکنش به این شرایط، دولت آمریکا جلساتی غیر رسمی با شرکت اقتصاد دانان ارشد از اروپا، جاپان و آمریکا برگزار کرد که به گروه کتابخانه موسوم شد.

در سال ۱۹۷۵ به ابتکار دولت فرانسه رهبران این کشورها در این جلسه شرکت کردند و از آن زمان توافق شد که اجلاس سران همه ساله برگزار شود. شش کشور تشکیل دهنده به گروه شش معروف شدند. با پیوستن کانادا به این نهاد در سال ۱۹۷۶ نام آن به گروه هفت و در سال ۱۹۹۹ با پیوستن روسیه به گروه هشت معروف شد.

کشورهای عضو گروه هشت در زمینه مسایل سیاسی میتوانند اهداف و راهکارهایی را تعیین کنند ولی پیروی از آن برای اعضاء گروه الزامی نیست. گروه هشت به خاطر قدرت اقتصادی اش در عمل بسیاری از نهادهای بین المللی را تحت نفوذ خود قرار داده است. جلسات سالهای اخیر این گروه با گردهمایی های ساده آن در دهه ۱۹۷۰ تفاوت های بسیاری دارد. ملاقات رهبران گروه هشت اکنون با تشریفات و در پناه تدابیر شدید امنیتی برگزار می شوند و صدها کارمند و مقام دولتی در برنامه ریزی و تدارک آن مشغول بکارند.

با این همه این جلسات هنوز برخی ازروشهای غیر رسمی خود را حفظ کرده و معمولاً در روز دوم اجلاس، رهبران به دور از هرگونه تشریفات و بوروکراسی و به دور از دوربین رسانه ها در دیداری کاملاً غیر رسمی با یکدیگر گفتگو می کنند. از سوی اتحادیه اروپا دو مقام در جلسات گروه هشت شرکت می کنند: رئیس کمیسیون اروپا و رهبر کشوری که ریاست دوره ای این تحادیه را بر عهده دارد. ولی اتحادیه اروپا در مذاکرات سیاسی گروه هشت شرکت ندارد.

تاریخچه

گروه هشت در تلاش برای پاسخ به یک بحران پدید آمد: در اواسط دهۀ ۱۹۷۰، بحران نفتی و از هم‌پاشی سیستم تبادل ارز برتون وودز منجر به بحرانی در اقتصاد جهانی شد. برای کشورهای بزرگ صنعتی این موضوع مطرح بود که چگونه می‌توان بر مشکلات غلبه کرد. رئیس جمهور وقت فرانسه، والری ژیسکار دیستن، و صدر اعظم آن هنگام آلمان، هلموت اشمیت، غلبه بر بحران را در راه‌کاری بین‌المللی دیدند و این ایده را پی گرفتند.

- سال تاسیس: ۱۹۷۵ ، رامبوئیه فرانسه
- اعضای اولیه: فرانسه، آلمان، ایتالیا، جاپان، بریتانیا، آمریکا
- اعضای بعدی: کانادا در سال ۱۹۷۶ و روسیه در سال ۱۹۹۸ به این گروه پیوستند.

ریاست دوره ای و نشستهای گروه هشت در سالهای اخیر

- ۲۰۰۱ ایتالیا، اجلاس جنوا
- ۲۰۰۲ کانادا، کاناناسکیس
- ۲۰۰۳ فرانسه، اویان

- ۲۰۰۴ آمریکا، سی آیلند
- ۲۰۰۵ بریتانیا، گلن ایگلز
- ۲۰۰۶ روسیه ، سن پترزبورگ
- ۲۰۰۷ آلمان، هایلیگن دام
- ۲۰۰۸ جاپان، هوکایدو توياکو
- ۲۰۰۹ ایتالیا، لاکیلا، ابروزو
- ۲۰۱۰ کانادا، اونتاریو
- ۲۰۱۱ فرانسه، نورماندی

اولین کنفرانس اقتصاد جهانی سال ۱۹۷۵ در قصر رامبولیه در پاریس برپا شد. پس از آن چنین دیدارهایی سالانه تکرار شدند و هر سال یکی از اعضای این گروه میزبانی اجلاس را که همیشه در ماه می یا جون، برگزار می‌شدند بر عهده گرفت.

در سال ۱۹۷۶ با پیوستن کانادا به جمع کشورهای عضو، این گروه به «گروه هفت» (G۷) تبدیل گردید. در پایان جنگ سرد در سال ۱۹۸۹ روسیه خواستار پیوستن به این گروه شد. پذیرش روسیه در این گروه رفته رفته انجام شد و ۹ سال بعد در سال ۱۹۹۸ این کشور به عضویت رسمی گروه در آمد. در سال ۲۰۰۶ روسیه برای اولین بار ریاست گروه ۸ را بر عهده گرفت و اجلاس سالانهٔ گروه ۸ در سن پترزبورگ برگزار شد.

گروه هشت یک عضو دیگر هم دارد و در حقیقت می‌توان حتی از گروه ۹ هم سخن گفت. چرا که از سال ۱۹۸۱ رئیس کمیسیون اروپا هم در این اجلاس شرکت می‌کند. از سوی دیگر گروه هفت بدون روسیه کماکان به موازات گروه هشت وجود دارد. زیرا مسکو هنوز به همهٔ نهادهای زیر نظر گروه هشت راه ندارد، از جمله رایزنی‌های اقتصادی که گاهی بدون شرکت روسیه انجام می‌گیرند.

اولین کنفرانس اقتصاد جهانی بسیار غیررسمی بود. در ضمن گفتگوهای شبانه در کنار شومینه، سران کشورهای عضو شرکت کننده در دیدار، به مزیت امکان تبادل نظر مستقیم در بارهٔ مسائل مهم پی بردند.

اجلاس گروه هشت نهادی بین‌المللی نیست. گروه هشت فاقد سازمان مدیریتی است و قطعنامه‌های این اجلاس الزام‌آور نیست. اجلاس سالانه همیشه از سوی کشور میزبان سازماندهی می‌شوند و کشور میزبان ریاست اجلاس را بر عهده می‌گیرد.

اهداف گروه هشت

- توسعه همکاری های تجاری و مالی
- تقویت اقتصاد جهانی
- گسترش صلح و دمکراسی
- پیشگیری و حل بحرانهای منطقه ای

هدف ازاین نشست‌ها در آغاز شور و مشورت دربارهٔ مسائل روز راهبردهای اقتصادی جهان درمیان جمعی کوچک بود. شرکت‌کنندگان در اولین اجلاس، سران کشورهای فرانسه، آلمان، بریتانیا، ایتالیا، جاپان و آمریکا بودند.

ریاست گروه هشت سالانه بین کشورهای عضو انتخاب می گردد و کشوری که ریاست سالانه را بر عهده دارد مسئول برگزاری اجلاس و اقدامات تشریفاتی و امنیتی مربوط به آن است.

آمریکا با توجه به قدرت سیاسی و نظامی اش به عنوان عضو برتر در این گروه قلمداد می شود، هرچند یک چنین موقعیتی در موازین و مناسبات گروه هشت رسماً اعلام نشده است. منتقدان گروه هشت می گویند رسالت این نهاد همیشه دفاع از چند کشور ثروتمند و صاحب امتیاز در مقابل منافع سایر جهانیان بوده است. کشورهای

پرجمعیتی نظیر چین و هند که در دهه های اخیر رشد اقتصادی سریعی داشته اند عضو گروه هشت نیستند و البته کشورهای آفریقایی و آمریکای جنوبی نیز هیچگاه در این نهاد نماینده ای نداشتند.

سیاست مثبت گروه هشت در مورد جهانی کردن اقتصاد مخالفت های فراوانی را برانگیخته است و گاه تظاهرات وسیع در مخالفت با گروه هشت از خود این اجلاس خبرسازتر می شود، نمونه آن تظاهرات همزمان با اجلاس سال ۲۰۰۱ در ایتالیا بود. افزایش خشونت در این نوع تظاهرات باعث شده که اقدامات امنیتی برای محافظت از اجلاس تشدید شود و این به نوبه خود به این نهاد و اجلاس اش چهره مرموزتری داده که همیشه پشت پرده های بسته است.

در سالهای اخیر گروه هشت برنامه هایی را برای مبارزه با بیماری هایی نظیر ایدز آغاز کرده و طرح هایی را برای کمک به توسعه در کشور های فقیر و کاهش از بدهی های جهان سوم اعلام کرده است. معمولاً اعطای چنین کمک هایی مشروط می شود به وجود دمکراسی و حکومت سالم در کشورهای دریافت کننده، اما منتقدان می گویند که حجم کمک های گروه هشت در مقایسه با نیاز کشورهای فقیر بسیار ناچیز است.

هر از چند گاه اعضای گروه هشت در مورد موضوعات بسیار مهم اختلاف نظر پیدا می کنند. نمونه آن بحث گرم شدن جو زمین در اجلاس سال ۲۰۰۱ در ایتالیا بود. در این نشست جورج بوش با مخالفت خود با پیمان کیوتو در مورد کاهش گازهای کلخانه ای عملاً مباحث این اجلاس را به بن بست کشاند.

البته این مسئله بار دیگر در اجلاس سال ۲۰۰۷ مطرح شد و با پافشاری سایر اعضا و بخصوص دولت آلمان گروه هشت بالاخره توانست در مورد مقابله با گرمایش زمین به توافق برسد که در نوبه خود پیروزی بزرگی برای این اجلاس قلمداد شد. موضوع اختلاف برانگیز دیگر طی سالهای اخیر در میان اعضای گروه هشت اشغال نظامی عراق به رهبری آمریکا بود. در این مورد حداقل سه عضو این گروه آلمان، فرانسه و روسیه با این عملیات مخالف بودند.

در سال‌های آغازین نشست سران، گفت‌گوها دربارهٔ مسائل مالی و موضوعات مربوط به سیاست ارزی کانون این دیدارها را تشکیل می دادند. در دههٔ ۱۹۸۰ مسائل سیاست امنیتی بیشتر در کانون توجه قرار گرفتند. از سوی دیگرمسائل مبرم روز مانند حملهٔ اتحاد شوروی سابق به افغانستان یا فاجعهٔ چرنوبیل احساس نیاز به همکاری را تشدید کردند.

روح رامبولیه، گفت‌و گوهای غیر رسمی در جمعی کوچک- در سایهٔ سازمان‌دهی نشست های بزرگ به فراموشی سپرده شد. هماهنگ کردن موضوع‌های گوناگون رفته رفته پیچیده‌تر شد. امروزه نه تنها سران کشورها با یکدیگر دیدار می‌کنند بلکه وزرای کشورهای عضو هم پیرامون مسائل گوناگون به بحث و گفت‌و گو می‌نشینند. اقتصاد دیگر موضوع اصلی مذاکرات نیست، بلکه در کنار آن به موضوع‌هایی دیگر مانند تغییرات جوی یا توریزم بین‌المللی هم پرداخته می‌شود.

یکی از انتقاداتی که در سال‌های اخیر نسبت به گروه ۸ مطرح بوده عدم عضویت کشورهای مهم و تازه قدرت یافته، مانند چین و هند و برزیل و اسپانیا در این گروه است. گروه ۸ که از سال ۱۹۷۷ نشست‌های سالانه برگزار می‌کند تنها آمریکا، کانادا، بریتانیا، ایتالیا، آلمان، فرانسه، جاپان و روسیه را در برمی‌گیرد. گروه ۸ امروزه دربر گیرندهٔ قوی‌ترین کشورهای اقتصادی جهان نیست. هرچند که ۸ کشور عضو تقریباً دو سوم در آمدهای ناخالص ملی دنیا را به خود اختصاص می‌دهند، ولی مثلاً بدون چین، که چهارمین درآمد ناخالص ملی را دارد، این اجلاس کامل نیست. همچنین اسپانیا (که بر اساس در آمد ناخالص ملی جلوتر از کانادا و روسیه قرار دارد) بر شرکت در این اجلاس اصرار می‌کند.

منبع: فراسوی اقتصاد

داصلاحاتو څلوېښت کاله او د بېوزلۍ را کمول

په ډسمبر کې به له هغه مهاله څلوېښت کاله پوره شي چې « دنګ شیاو پینګ» په چین کې د اصلاحاتو لړۍ پیل کړه او اقتصادي دروازې یې پرانیستې. ده هغه مهال په خپله وینا کې وویل: «سرونه ازاد کړئ، په واقعیتونو کې حقیقت پیدا کړئ او د راتلونکي په اړه ټول یو موټی شئ.»

له دې وینا سره په چین کې د اصلاحاتو لړۍ پیل شوه او په تېرو څلوېښتو کلونو کې یې چین دغه ځای ته را ورساوه چې اوسمهال دی. اوس چین د نړۍ دویم اقتصادي ځواک دی او د هغو کمو هېوادونو په ډله کې راځي چې ډېر ژر به له کم عاید لرونکو هېوادونو څخه د ډېر عاید لرونکو هېوادونو په کتار کې ودرېږي.

په تېرو څلورو لسیزو کې په دغه هېواد کې تر ۸۰۰ میلیونه ډېر انسانان له بېوزلۍ خلاص شوي دي. په ۱۹۷۸ ز کال کې د نړۍ په اقتصاد کې د چین ونډه ۱،۵سلنه وه، خو اوس دغه کچه ۲۵ سلنې ته پورته شوې ده. همدارنګه د ۱۹۷۸ ز کال په پرتله د سړي سر کلنی عاید کچه ۱۵ ځله زیات شوې ده. هغه مهال د سړي سر کلني عاید کچه ۳۰۰ ډالر وه، خو په ۲۰۱۷ ز کال کې دا کچه ۷،۳۰۰ ډالرو ته پورته شوه.

چین اوس له شدیدې بېوزلۍ سره پوره واټن لري. دغه څلوېښتمه کلیزه ډېر مناسب وخت دی چې د چین پر اصلاحاتو، پرانیستو اقتصادي دروازو او د بېوزلۍ په ختمولو کې یې تاریخ وکتل شي.

- لومړی- موږ ته پکار ده چې د چین پر دغه مزل ځانونه پوه کړو او تاریخ یې سم وګورو.
- دویم- موږ باید د چین پخواني اصلاحات وپېژنو، ځکه دغه اصلاحات د راتلونکو اصلاحاتو لپاره اړین دي.
- دریم- ډېری هېوادونه چین ته د پرمختګ د یوې نمونې په سترګه ګوري؛ نو د چین پر اصلاحاتو پوهېدل نورې نړۍ ته هم مهم دي.

د ۲۰۱۷ ز کال په اکتوبر کې چې د ګوند د نوولسم ملي کانګرس وشو، چین ځان د داسې یو نمونه او مثال خلکو ته وړاندې کړ چې باید تقلید یې وشي. د ولسمشر شي جین پینګ وینا وښوده چې چین له پخوانیو ارمانونو را وتلی دی. ده په خپله وینا کې وویل: «چینایي ماډل نورو هېوادونو او ملتونو ته یوه نوې لار وړاندې کوي چې غواړي چټک پرمختګ وکړي او په ورته وخت کې خپله خپلواکي هم وساتي. دغه ماډل همدارنګه د هغو ستونزو د حل لپاره چې بشر ورسره لاس او ګرېوان دی، چینایي پوهه او چینایي کړنلاره وړاندې کوي.»

چین څنګه د بېوزلۍ په را کمولو کې بریا ترلاسه کړه؟ په دې کې دوې خبرې مهمې دي:

لومړی- د چین د اصلاحاتو او د اقتصادي دروازو د پرانیستلو پروګرام چې دغه پروګرام د چټکې ودې او پرمختګ بنسټ شو او خلکو ته یې دا اجازه ورکړه چې ځانونه له بېوزلۍ خلاص کړي.

دویم- د اصلاحاتو په ټول دوران کې د بېوزلۍ را کمولو لپاره متمرکزې او پر له پسې هڅې وشوې.

اصلاحات او ور خلاصون

د بېوزلۍ په را کمولو کې د چین د بریا ډېره برخه په هغه اقتصادي ودې پورې تړلې ده چې د اصلاحاتو زېږنده وه. په دغو اصلاحاتو کې پر هغو لارښوونو عمل وشو چې اکثریت اقتصاد پوهان یې وړاندیز کوي. د سوداګرۍ لپاره د دروازو پرانیستل، بهرنۍ پانګونې او د اقتصادي ادارې په اړه نوې مفکورې او نظریې.

- په تدریج سره د بیو ټاکلو ته ازادي ورکول، په مالکیت کې تنوع او خصوصي سکتور ته د غوړېدلو لپاره د اجازې ورکول.
- د ملکیت د حقوقو ځواکمنول او د زیربناوو او بشري سرچینو په برخو کې پانګونه.

که یوازې له دې اړخه ورته وکتل شي، نو د چین د تجربې مهم درسونه به پاتې شي. د دغه هېواد پراقتصادي نظام تدریجي، پر تجربې ولاړ او نامرکزي اصلاحات (په تېره بیا د اصلاحاتو په لومړیو ورځو کې)، د

ختیځې اروپا او پخواني شوروي اتحاد له «ناڅاپي چارې» سره ښکاره توپیر درلود. په چین کې د اقتصادي اصلاحاتو موډ داسې و «چې له سینده داسې تېر شه چې د سیند کاڼي حس کړې.»

د بېوزلۍ د را کمولو لپاره د چین ستراټېژي

له هغه مهاله چې په چین کې اصلاحات پیل او اقتصادي دروازې پرانیستل شوې، نو «د پرمختګ له لارې د بېوزلۍ راکمول» د چین د پرمختګ د سیاستونو سرټکی شو. د بېوزلۍ د راکمولو لپاره د چین هڅې موږ ته ځینې مهم درسونه را زده کوي:

لومړی– له هماغه پیله د حکومت جګپوړو چارواکو د بېوزلۍ د راکمولو له هڅو کلک سیاسي ملاتړ وکړ. د سیاسي ملاتړ دا لړۍ پخواني ولسمشر « دنګ شیاو پینګ » پیل کړه. په وروستیو کې ولسمشر «شي جین پینګ» وویل چې له «دریو اصلي موخو» څخه یوه یې په بشپړ ډول د بېوزلۍ له منځه وړل دي. له دې سره د بېوزلۍ د له منځه وړلو لپاره سیاسي ملاتړ لا پسې ډېر شو. دغه پیاوړې رهبري د حکومت ټولو برخو ته دا سپارښتنه کوي چې د خپلو واکونو او مسوولیتونو په ساحه کې د بېوزلۍ د را کمولو لپاره هڅې وکړي.

دویم– چین له بېوزلۍ سره مبارزې ته یوه اداره ځانګړې کړې ده. په چین کې په ملي کچه «د بېوزلۍ د را کمولو او پرمختګ لپاره مخکښه ډله» اداره او په محلي کچه «د وروسته پاتې سیمو د پرمختګ ادارې» د بېوزلۍ د را کمولو کلک ملاتړې دي. دغو ادارو له بېوزلۍ سره د مبارزې لپاره پالیسۍ جوړې کړې دي او له محلي شرایطو سره یې سم دغه پلانونه عملي کړي.

«مخکښه ډله» د شلمې پېړۍ د وروستۍ لسیزې له لومړیو (هغه مهال چې موږ په لومړي ځل د بېوزلۍ ارزول پیل کړل) راهیسې له موږ سره همکاره ده. موږ او دغې ادارې د بېوزلۍ د را کمولو په ګڼو هغو پروګرامونو کې ګډ کار کړی دی چې مالي ملاتړ یې موږ کاوه. په دغو پروګرامونو کې یو یې هم د «لویس د غرنیو سیمو پروژه» وه.

دریم– زیاتره بېوزله خلک هم پخوا او هم اوس په کلیوالي سیمو کې اوسېدل. له همدې لامله د بېوزلۍ د راکمولو لپاره د کرنې وده تر ټولو اغېزناکه لاره وه. د ۱۹۸۱ او ۲۰۱۷ ز کلونو ترمنځ چې هر کال د کلني ناخالص تولید په کچه کې یوه سلنه ډېروالی راغلی دی، نو بېوزلي ورسره ۰،۹۷ سلنه را ټیټه شوې ده.

څلورم– چین په ارادي ډول ډېرو بېوزلو او بېچارو ته سرچینې په واک کې ورکړې. د چین د بېوزلۍ د را کمولو پروګرامونه په منځلاري ډول له « سان شي» پروګرام سره پیل شول؛ خو په ۱۹۹۰ یمو کلونو کې له «۷–۸» پلان سره دغه پروګرامونو ته ډېر ارزښت ورکړ او ډېرې سرچینې ورته ځانګړې شوې. د یوویشتمې پېړۍ په لومړۍ لسیزه کې دا هڅې پر «متوازنه ټولنه» را ټولې شوې او له ۲۰۱۲ ز کال راهیسې دا پروګرام د «وروستی میل» بلل کېږي چې پر بنسټ یې له ډېرو بېوزلو کسانو ملاتړ کوي

ځو خپل تولید او عواید لوړ کړي.

د تېرو کلونو په اوږدو کې چین پر له‌پسې د خپلو دغو سیاستونو پر اهدافو بیا کتنه کړې ده، په پیل کې یې دا هڅې د ټول هېواد په کچه وې، بیا یې «د لوېدیځې برخې پرمختګ ستراتېژي» غوندې پراخو سیمه ییزو سیاستونو ته مخه کړه، وروسته یې بېوزله علاقه‌داریو، بیا کلیو او په وروستي پړاو کې یې په بېوزله کورنیو کې د بېوزلۍ ختمولو ته مخه کړه. په تېرو پنځو کلونو کې «په دقیق ډول د بېوزلۍ تر هدف لاندې نیولو» حکومت د یوه ډیټابیس پر بنسټ په «وروستي میل» پړاو کې د پاتې ۷۰ میلیونو بېوزلو کسانو ملاتړ کوي.

پنځم- مخ پر زیاتېدونکې نا انډولتیا هم پالیسي جوړوونکو او هم ولس ته د اندېښنې خبره ده. په وروستیو کلونو کې د ټول نفوس څلوېښت سلنه خلکو تر اوسط پورته عاید ترلاسه کړی دی. تر ۲۰۱۲ زکال مخکې لسیزه کې د څلوېښت سلنه نفوس د کلني لګښت کچه ۸،۱ سلنې ته رسېدلې وه. دا نو تر ملي اوسط چې ۷،۹ سلنه دی، هم یو څه زیات دی.

وروستی درس دا دی چې چین د انساني پانګې رغولو ته ډېر پام وکړ. په ۱۹۷۹ ز کال کې پر لاتیني حروفو د چینایي تلفظ د څرګندولو طرحه پیل شوه چې زده کړې ورسره ډېرې ښې شوې. همدارنګه د کلونو په اوږدو کې د اصلاحاتو په چوکاټ کې د اجباري زده کړو له تدریجي پراختیا سره په کاریګره طبقه کې مساوات رامنځته کړل.

تر ۲۰۰۰ ز کال را وروسته د روغتیایي سیستم چټک پرمختګ چین اوس د نړۍ د نوښتګرو ملتونو په کتار کې ودراوه. همدارنګه د یوویشتمې پېړۍ له پیل راهیسې روغتیایي بیمې چټک پرمختګ وکړ او اوس عملاً ټول وګړي د روغتیایي بیمې خاوندان دي او له ۲۰۰۹ ز کال راهیسې په روغتیایي خدمتونو کې اصلاحات د چینایي وګړو روغتیا ډېره ښه کړې ده.

موږ په وروستیو کې د انساني پانګې لومړی فهرست خپور کړ. په دغه فهرست کې هغه پانګونې ښوول شوې دي چې هېوادونه یې د خپلو خلکو د روغتیا او تعلیم په برخه کې وکړي. په دغه ډلبندي کې چین ٤٦م ځای خپل کړی دی. دا د منځنۍ کچې عاید لرونکو هېوادونو کې تر ګردو لوړ ځای دی او «د اقتصادي همکاریو او پراختیا سازمان» غړیو هېوادونو کچې ته ډېر نږدې دی.

د نړیوال بانک ډلې او چین ملګرتیا

د نړیوال بانک ډله د اصلاحاتو په مزل کې د چین یو ژمن ملګری و. د دې ملګرتیا ډول پخواني ولسمشر دنګ شیاو پینګ ټاکلی و. ده چې په ۱۹۸۰ ز کال کې د نړیوال بانک له رییس «مک‌نارما» سره وکتل، ورته یې وویل:

«چین ژمن دی چې خپل اقتصاد ماډرن او پیاوړی کړي. د نړیوال بانک په مرسته به چین خپلو موخو ته ژر او په اغېزناک ډول ورسېږي. که د نړیوال بانک مرسته نه وي، چین به بیا هم خپلو موخو ته ورسېږي؛ خو مزل به یې ورو وي.»

موږ په تېرو کلونو کې د چین د اقتصاد په اړه راپورونه خپاره کړي دي؛ لکه په ۱۹۸۱ ز کال کې «د سوسیالیستي اقتصاد پرمختګ»، په ۱۹۸٤ ز کال کې د«اوږدمهال

لپاره لرلیدونه او لارې چارې»، په ۱۹۹۷ ز کال کې «چین په ۲۰۲۰ ز کال کې» او په ۲۰۱٤ ز کال کې «چین په ۲۰۳۰ ز کال کې». دغو راپورونو په چین کې د اصلاحاتو د مسیر په تړاو پر بحثونو ډېر اغېز درلود او دا ځکه چې د نړیوال بانک کارکوونکو پر دغو راپورونو له خپلو چینایي سیالانو سره ګډ کار کړی و.

موږ همدارنګه د «بېوزلۍ ارزونې» درې څلې وړاندې کړې دي. په دغو ارزونو کې موږ په چین کې د بېوزلۍ بدلېدونکی طبیعت ارزولی او هغه پالیسۍ او کړنلارې مو پکې وړاندیز کړې دي چې له بېوزلۍ سره په ښه ډول مبارزه کولای شي.

همدارنګه د نړیوال بانک او چین ګډو پروګرامونه، لکه؛ «د سویل-لوېدیځ د بېوزلۍ پروګرام»، «د لویس د غرنیو سیمو پروژه»، «د بېوزلو کلیوالي ټولنو د پرمختګ پروژه» او « د ګوانګ شي د بېوزلۍ د ختمولو پروګرام» پایلو چین ته نوې لارې چارې او تخنیکونه ور وښوول چې چین د ټول هېواد په کچه وکارول. د بېلګې په ډول، د بېوزلۍ لپاره هغه کړنلارې چې څو سکتورونه پکې راټول شوي وي، د ژوند د چاپېریال ښه کول او د بېوزلۍ ختمول، د ټولنې ګډون او د بېوزلۍ د ختمولو د پروګرامونو لپاره د بودجې جوړول.

د راتلونکې په اړه لید

اوسمهال چین د لوړې کچې منځني عاید لرونکی هېواد دی او ژر به د لوړ عاید لرونکی هېواد شي؛ خو بیا هم د دغه هېواد عاید «د اقتصادي همکارۍ او پراختیا سازمان» د غړیو هېوادونو د اوسط ایله څلورمې برخې ته رسېږي. که څه هم هغه وختونه تېر شول چې د چین ناخالص کورنی تولید د پرمختګ سلنه به تر لسو پورته وه؛ خو لا هم د پېړۍ لپاره خپلو دوو موخو ته د رسېدو لپاره چین باید پیاوړې وده وکړي.

د چټکې ودې ساتل چین ته ډېر سخت شوي، اوسمهال کلیوالي سیمو کې کاریګر زیات شوي، داسې ښکارې چې پر یوې برخې پانګونه کول او د ټول اقتصاد ورسره ښه کېدل به را ولوېږي او د نفوس زیاتوالی نور د پخوا غوندې ګټه نه وړاندې کوي. د چین د ودې او پرمختګ ډېره تکیه باید د تولیداتو پر زیاتولو او د نوښتونو پر کولو وي.

د دغه نوي مسیر لپاره لا نورو اصلاحاتو او د اقتصادي دروازو پرانیستلو ته اړتیا ده. له اصلاحاتو سره به اداري بنسټونه لا نور پیاوړي شي چې د چین مختلط اقتصاد به ورسره له کاره نه لوېږي. همدارنګه د اقتصادي دروازو لا نور خلاصون به نه یوازې دا چې چین ته هغه بازارونه برابر کړي چې اړتیا ورته لري، بلکې چین ته به له خورا پرمختللو هېوادونو سره د راکړې ورکړې لپاره ټکنالوژي، مدیریتي استعداد او نظریې هم ورکړي.

داسې ښکاري چې چین به د لسیزې په پای کې شدیده بېوزلي ختمه کړي، خو چین چې څومره سوکاله وي، هغومره به ورسره د بېوزل په اړه نظر هم بدلېږي. نړیوال بانک د «د نړیولې بېوزلۍ لپاره کمېسیون» لارښوونې مني او اوسمهال په منظم ډول د

چین لپاره د دوو نورو کرښو په کارولو سره د بېوزلۍ نرخونه وړاندې کوي.

د منځني عاید د ټیټې کچې په هېوادونو کې د بېوزلۍ معیار د ورځې ۳،۲۰ ډالره عاید دی. د چین د ټول نفوس اووه سلنه (۹۶ میلیونه وګړي) تر دغه معیار لاندې ژوند کوي.

د منځني عاید د لوړې کچې په هېوادونو کې د بېوزلۍ لپاره معیار د ورځې ۵،۵۰ ډالره دي. د چین ۲۷،۲ سلنه وګړي (۳۷۳ میلیونه تنه) تر دغه معیار لاندې ژوند کوي.

لکه څرنګه چې چین بدلېږي، دغسې به یې د نړیوال بانک له ډلې سره ملګرتیا هم بدلېږي. له اقتصادي پلوه چې چین څومره پیاوړی کېږي، هغومره ورسره په نړیوال پرمختګ کې د دې هېواد ونډه زیاتېږي. دغه هېواد د تودوخې بدلون په څېر مهمو کې مشرۍ ته اوږه ور کړې ده او په نړیوال ډګر کې د مخ پر ودې هېوادونو پیاوړی غږ دی.

«د نړیوال پرمختګ اتحادیې» سره د چین راشه درشه ورځ تر بلې زیاتېږي او همدارنګه دا هېواد په نویو پراختیایي بانکونو کې پانګونه کوي چې له دغو دواړو لارو څخه په مالي پرمختګ کې مخکښ رول لوبوي. همدارنګه دا هېواد د پرمختګ لپاره د پوهې د کارولو مهم تبلیغ کوونکی دی. د دغه کار لپاره دا هېواد د «سویل–سویل» د زده کړې پروګرامونه وړاندې کوي او د پرمختګ په تړاو چین خپلې تجربې له نورو سره شریکوي.

نور هېوادونه چین ته د پوهې او تجربې د یوې سرچینې په سترګه ګوري. د نړیوال بانک ډله به د چین له مخ پر زیاتېدونکي نړیوال پرمختګ څخه خپل ملاتړ ته دوام ور کړي. موږ به د مهمو نړیوالو مسلو په اړه همکارۍ ته دوام ورکړو او د چین د اصلاحاتو او د اقتصادي دروازو پرانیستلو له څلوېښت کلنې تجربې څخه به درس اخلو.

د چین په مرسته به موږ دا پوهه له خپلو ټولو مراجعینو سره شریکه کړو او د تېرو څلورو لسیزو د درسونو عملي کول به له نورو هېوادونو سره سوکالۍ ته په رسېدو کې ډېره مرسته وکړي. د بنسټ ډبرې به د تېرو تجربو پر مانۍ ږدو، خو راتلونکي ته به هم ګورو. موږ کولای شو په ګډه هر چاته دا فرصت ورکړو چې خپلو ارمانونو او هیلو ته ورسېږي او بالاخره د ځمکې له مخه د بېوزلۍ ټغر ټول کړو.

منبع: ویبسایت سفارت چین در کابل

غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK

Fast Pay

فَست پی؛

همیشه، همه جا

افزودن کردیت کارت مبایل
پرداخت بل صرفیه برق
خریداری تکت طیاره

+93 (0) 202 101 111

علم اقتصاد و کاربردهای آن

علم اقتصاد، شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که نزدیک به سه قرن از عمر آن می‌گذرد. اقتصاد ترجمه انگلیسی کلمه (Economy) است که ریشه لغوی آن از دو کلمه یونانی ایکو (Oiko) یعنی اموال و نومو (Nomo) به معنای اداره تشکیل شده است. تا اواسط قرن هجدهم که علم اقتصاد در مراحل ابتدایی بود این علم را ترکیبی از مباحث سیاسی، اخلاقی، فلسفه و منطق می دانستند و فلسفه‌دانان یونانی مانند ارسطو و افلاطون معتقد بودند علم اقتصاد هنر مدیریت خانواده است و با استفاده از آن می‌توان مدیریت امور اقتصادی را به خوبی انجام داد.

در یک تعریف کلی می‌توان گفت، اقتصاد علمی است که بررسی می‌کند اشخاص، دولت ها، شرکت‌ها و کشورها چگونه امکانات و عوامل تولید کمیاب و محدود موجود در طبیعت را به تولید کالاها و خدماتی اختصاص دهند که آن کالاها و خدمات بتواند بیشترین خواسته و نیازمندی‌های نامحدود بشر را تامین کنند. بر خلاف تصور عام تمام هدف علم اقتصاد سود آوری نیست بلکه هر فرد یا جامعه یا نهاد پس از تعیین اهداف خود برای یافتن بهترین راه رسیدن به اهدافش از علم اقتصاد کمک می‌گیرد.

پس محور مرکزی بحث های مباحث اقتصادی کارائی است. در فرهنگ لغت آکسفورد و بزنس دیکشنری اقتصاد را اینگونه تعریف کرده است:" اقتصاد ارتباط میان تولید، تجارت و عرضه پول در یک کشور یا منطقه مشخص و شبکه‌ای از تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات در یک مکان، منطقه و یا کشور" است.

اقتصاددان های برجسته ای در طول تاریخ برداشت‌های مختلفی از علم اقتصاد ارائه کرده اند؛ برای مثال «آلفرد مارشال» اقتصاددان برجسته قرن نوزدهم در کتابش «مبانی علم اقتصاد»، اقتصاد را مطالعه بشر در مسیر عادی زندگی می‌خواند. او معتقد است «این علم در واقع آن قسمت از مطالعه جوامع انسانی است که از دیدگاه اجتماعی رفاه مادی بشر را تامین میکند.»

آدام اسمیت که از او به عنوان پدر علم اقتصاد مدرن یاد می‌شود اقتصاد را علم ثروت می‌داند و

کتاب پرارزشش را نیز «تحقیقی پیرامون ماهیت و ثروت ملل» نام نهاده است. دیوید ریکاردو از اقتصاد به عنوان علم توزیع ثروت نام می برد و جان استیوارت میل هدف اقتصاد را بررسی ماهیت ثروت از طریق قواعد تولید و توزیع می خواند.

از نظر لیونل رابینز اقتصاد علم تخصیص منابع محدود است. این اقتصاددان انگلیسی در این رابطه می‌گوید «اقتصاد علمی است که به بررسی رفتار بشری به عنوان رابطه میان اهداف و وسایل محدود که می‌توانند استفاده دیگری نیز داشته باشند می‌پردازد.»

امروزه ملاحظه می‌شود که قلمرو و ماهیت این علم گسترش یافته و تکامل پیدا کرده است. ولی با این حال چون در حال حاضر هنوز قادر به حل مشکلات اقتصادی موجود درکشورهای مختلف جهان نیست، کماکان «علمی در حال تکامل» تلقی می‌شود.

کانون توجه علم اقتصاد بر این است که عوامل اقتصادی چگونه رفتار و تعامل می‌کنند و اقتصادهای مختلف چگونه کار می‌کنند. در این راستا، یک تقسیم‌بندی اولیه کتاب‌های پایه‌ای اقتصاد، اقتصاد خرد (Microeconomics) دربرابر اقتصاد کلان (Macroeconomics) است. اقتصاد خرد، رفتار عوامل پایه‌ای اقتصاد، شامل عوامل فردی مانند خانوارها و شرکت‌ها یا خریداران و فروشندگان و یا به طور کلی مصرف‌کننده‌های انفرادی را بررسی می‌کند. در مقابل اقتصاد کلان، کلیت اقتصاد و عوامل مؤثر بر آن شامل بیکاری، تورم، رشد اقتصادی و سیاست پولی و مالی را تحلیل می‌کند.

به طور کلی می‌توان گفت اقتصاد خرد در پی پاسخگویی به دو سؤال زیر شکل گرفته است که:

۱. یک فرد چگونه امکانات محدود خود را (مانند بودجه، وقت و ...) بین کالاها و خدمات مختلف تخصیص دهد تا به هدف خود که فرض می‌شود حداکثر مطلوبیت است، دسترسی پیدا کند؟

۲. یک نهاد چگونه امکانات محدود خود (مانند پولی که برای تولید می خواهد هزینه نماید) را صرف استخدام عوامل تولید نماید تا به هدف خود که فرض می‌شود حداکثر تولید یا سود است دسترسی پیدا کند؟

درحالی که اقتصاد کلان در پی پاسخگویی به این سؤال است که: امکانات محدود یک جامعه مانند نیروی انسانی، سرمایه و ... چگونه تخصیص یابد تا به حداکثر اهداف جامعه (مثل اشتغال، ثبات قیمت ها، رشد تولید و ...) دسترسی پیدا کند؟

حال به تعریف اقتصاد خرد، اقتصاد کلان و کارایی هر یک می‌پردازیم:

اقتصاد خرد چیست؟

اقتصاد خرد علمی است که چگونگی رفتار انسان‌ها و انتخاب‌هایشان را در سطح بخش های کوچک اقتصادی مانند یک بخش تولیدی یک نهاد اقتصادی، یک صنعت یا بازار یک کالای خاص بررسی می‌کند و به چگونگی تعامل بین تقاضا کننده‌ها و عرضه‌کنندگان و عوامل مؤثر در انتخاب خریداران می‌پردازد. اقتصاد خرد نشان می‌دهد که چرا کالاهای

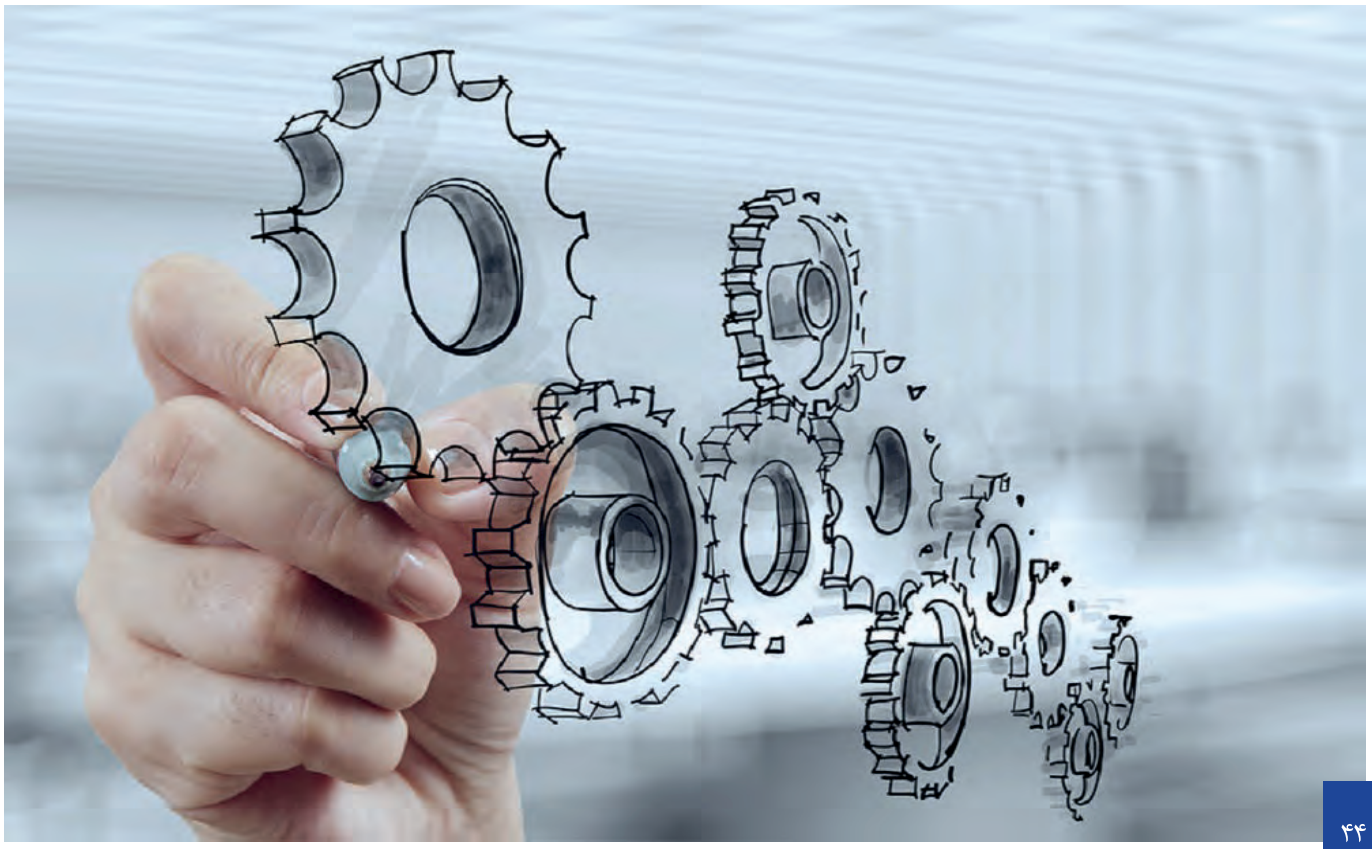

مختلف ارزش‌های مختلف دارند، چگونه افراد می‌توانند تصمیمات کارآمدتر و سازنده‌تری بگیرند و اینکه افراد چگونه می‌توانند بهترین هماهنگی و همکاری را با یکدیگر داشته باشند.

اگر بخواهیم کلی صحبت کنیم، اقتصاد خرد در مقایسه با اقتصاد کلان دانش کامل‌تر، پیشرفته‌تر و دقیق‌تر است. به عبارتی اقتصاد خرد به اشخاص به عنوان کارگران و تولیدکنندگان سرمایه، و همچنین مصرف‌کنندگان نهایی و به شرکت‌های اقتصادی به عنوان مصرف‌کننده‌گان سرمایه و کار، و تولیدکنندگان محصول نگاه می کند.

اقتصاد خرد چه فایده‌ایی دارد؟

هدف اقتصاد خرد این است که اگر شرایط به شکل مشخصی تغییر یابد، باید در انتظار چه چیزی باشیم و اقتصاد خرد به دنبال توضیح اینکه چه‌چیزی در بازار باید اتفاق بیفتد نیست. اقتصاد خرد به الگوی عرضه و تقاضا برای کالاها و خدمات و همچنین تعیین قیمت‌های خروجی در بازارهای خاص توجه دارد و معمولاً در بازارهایی که در آنها کالاها در حال خرید و فروش هستند دارای کاربرد است.

یکی از اهداف اقتصاد خرد بررسی بازار و برقرار کردن یک رابطه نسبی پولی بین کالاها و خدمات است. برای مثال اقتصاد خرد به ما می گوید که اگر یک کارخانه تولیدکننده موتر، قیمت موترهایش را افزایش دهد، مصرف کننده در مقایسه با قبل تمایل کمتری برای خرید موتر خواهد داشت یا اگر یک معدن بزرگ مس در آفریقای جنوبی سقوط کند، قیمت مس افزایش پیدا خواهد کرد چرا که منابع طبیعی محدود هستند. اقتصاد خرد باید بتواند به یک سرمایه گذار نشان دهد که چرا سهام یک شرکت ممکن است سقوط کند، اگر مصرف کننده‌ها تعداد کمتری از محصولاتش را خریداری کنند.

روش‌های اقتصاد خرد چگونه است؟

در سال ۱۸۷۴ لئون والراس در کتاب «المان های اقتصاد محض» نظریهٔ تعادل عمومی را منتشر کرد، شانزده سال بعد نظریهٔ تعادل جزئی توسط آلفرد مارشال در کتاب «اصول اقتصاد» منتشر شد. این نظریات پایه و اساس بیشتر مطالعات جدیدی که در اقتصاد خرد انجام می شود را شکل می‌دهند. این روش‌ها می‌کوشند رفتار انسان را با زبان عملیاتی ریاضی نمایش دهند. در نتیجه اقتصاددانان می‌توانند به کمک یک مدل ریاضی آزمون‌پذیر رفتار انسان‌ها را تشخیص دهند. این دو روش جزئی از اقتصاد نئوکلاسیک محسوب می‌شوند.

در اقتصاد نئوکلاسیک باید فرضیه‌های قابل اندازه‌گیری درباره اتفاقات اقتصادی ساخته شوند، سپس از شواهد تجربی برای تشخیص اینکه کدام فرضیه بهتر کار می‌کند استفاده می شود. برخلاف فیزیکدان ها و بیولوژیست‌ها، اقتصاددان‌ها نمی‌توانند آزمایش‌های خود را تکرار کنند. در نتیجه اقتصاددان‌های نئوکلاسیک فرضیه‌های درباره بازار را ساده سازی می‌کنند. از جمله موارد ساده‌سازی می توان به فرض دانش کامل، تعداد نامحدود فروشنده و خریدار، کالاهای همسان یا فرض ثابت بودن رابطهٔ متغیرها برای رسیدن به راه حل اشاره کرد. کارایی اقتصادخرد از طریق میزان انطباق بازار واقعی با قوانینی که مدل‌ها پیشنهاد می‌دهند، مشخص می‌شود.

ویژگی‌های مفاهیم اقتصادی

اقتصاد کلان چیست؟

این شاخه بر روی روندهای اقتصادی و اینکه علم اقتصاد چگونه مانند یک «کل» حرکت می کند متمرکز است. اقتصادکلان به مطالعه پدیده های اقتصادی با دید وسیع‌تری در مقایسه با اقتصاد خرد درجامعه یا یک کشور می‌پردازد برای مثال درآمد ملی، سطح تولید یا خالص درآمد ملی نمونه‌های از مسائلی است که اقتصاد کلان به آن میپردازد. اقتصاد کلان در واقع به مطالعه و تجزیه و تحلیل پدیده‌ها و متغیرهای کلان اقتصادی (متغیرهایی مانند سطح تولید کل کشور، سطح عمومی قیمت‌ها، سطح اشتغال، رشد اقتصادی و متوسط دستمزدها برای افراد جامعه)، بررسی روابط بین متغیرها به منظور اتخاذ سیاست‌های مناسب در آینده و پیش‌بینی مشکلات اقتصادی که ممکن است به وقوع بپیوندد میپردازد.

اقتصاد کلان چه فایده‌ایی دارد؟

مطالعهٔ اقتصاد کلان مطالعهٔ شاخص‌های کلی مانند شاخص قیمت‌ها، نرخ بیکاری، تولید ناخالص داخلی است. هدف پژوهش‌های اقتصاد کلان شامل بالا بردن درک و فهم جامع از چگونگی عملکرد اقتصاد، میزان واکنش اقتصاد به یک سیاست اقتصادی خاص و دامنه وسیعی از شوک‌های عرضه و تقاضا است که می‌توانند موجب بی‌ثباتی گردند. اقتصاد کلان بررسی می کند که هریک از بخش‌های اقتصاد چگونه بر روی دیگر بخش‌ها اثر می‌گذارد. مدل‌هایی که در اقتصاد کلان خلق می‌شوند شامل مجموعه ای از دیدگاه‌های مختلف درباره چگونگی عملکرد، تنظیم آن دریک چارچوب منطقی یا یک مدل و ارائه مبنایی برای اینکه کدام سیاست اقتصادی باید طرح و اجرا گردد، بنا می‌گردد و چیزی که این مدل‌ها پیش‌بینی می‌کنند توسط دولت‌ها به کار گرفته می‌شود تا سیاست‌های اقتصادی را تعیین و ارزیابی کنند.

روش‌های اقتصاد کلان چگونه است؟

اقتصاد کلان موقعیت نسبتاً گسترده‌ای است اما دو موقعیت اصلی وجود دارد که این شاخه را نمایندگی می‌کنند. یک موقعیت شامل فرآیند فهم علت و نتایج کوتاه مدت نوسانات درآمد داخلی است که با نام چرخه کسب و کارشناخته می‌شود. موقعیت دیگر شامل چرخه‌ای است که اقتصاد کلان می‌کوشد عواملی را بررسی کند که رشد بلند مدت اقتصادی یا افزایش درآمد داخلی را محقق می‌کند.

البته معنای مدرن و امروزی اقتصاد کلان برگرفته از کتاب «نظریهٔ کلی استخدام، سود و پول» نوشته جان میناردکینز است که در سال ۱۹۳۶ منتشر شد. جان کینز در این کتاب توضیحی در رابطه با عواقب رکود بزرگ ارائه می‌دهد. زمانی که کالاها به فروش نمی‌رفتند و کارگران بیکار بودند، کتاب او شاهکاری بود که اقتصاددانان را متحیر کرده بود. نظریه کینز توضیح می‌داد که چرا بازارها نمی‌توانستند شفاف باشند.

در بسیاری از مکتب های اقتصادی، اقتصاد کلان با عنوان اقتصاد کینزی شناخته می‌شود و گاهی به آن نظریهٔ کینزی یا کینزگرایی نیز گفته می‌شود. بر اساس اعتقادات اقتصاددانان کینزگرا تصمیمات بخش خصوصی گاه ممکن است منجر به نتایج غیرکارا در اقتصاد کلان شود، بنابراین آنان از سیاست‌گذاری فعال دولت در بخش عمومی حمایت می‌کنند؛ به‌عنوان مثال می‌توان به سیاست‌های پولی اعمال شده توسط بانک مرکزی یا سیاست‌های مالی حکومت به منظور پایدارسازی چرخه تجاری، اشاره کرد. کینزگرایی ملی، نوعی سیاست اقتصادی-سیاسی است که در تلاش است در درون نظام سرمایه‌داری با ارائه مجموعه‌ای خدمات رفاهی-اجتماعی و کنترول نسبی اقتصاد توسط دولت از بروز بحران‌های ادواری و غیرادواری نظام اقتصادی سرمایه‌داری جلوگیری کند.

نتیجه‌گیری

در پایان نتیجه می‌گیریم اینکه اقتصاد خرد بر روی عوامل کوچک‌تری تمرکز دارد که تصمیم گیری‌های افراد و شرکت‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد اما عواملی که در اقتصاد خرد و کلان مطالعه می‌شوند بر روی یکدیگر تاثیر می‌گذارند. این دو نوع اقتصاد متفاوت از یک دیگر نیستند بلکه مفاهیم و ایده های اساسی هر دو یکسان است. این دو مکمل هم هستند. وجود یکی از آن بدون در نظر داشت دیگر بی فایده است. به عبارت دیگر اقتصاد خرد و کلان مانند دو پای انسان میباشد که وجود آنها برای حرکت ضروری است.

منبع: باشگاه

پیام محمد اشرف غنی رئیس جمهورکشور به مناسبت روز ملی زبان اوزبیکی

محمد اشرف غنی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان قبل از ظهر امروز در مراسم تجلیل از روز ملی زبان اوزبیکی(۲۹ میزان) که در قصر سلام خانهٔ ارگ برگزار شده بود، اشتراک و سخنرانی کرد.در این مراسم که امرالله صالح معاون اول ریاست جمهوری، فضل هادی مسلمیار رئیس مشرانو جرگه، شماری از اعضای کابینه و شورای ملی، معاون صدراعظم اوزبیکستان، دانشمندان، نویسندگان و محققین کشور نیز حضور داشتند، ابتدا استاد عزیزالله ارال صحبت کرد و از رئیس جمهور بخاطر نامگذاری ۲۹ میزان به عنوان روز ملی اوزبیکی و درج آن در تقویم کشور، تشکر کرد و به همه این روز را تبریک گفت.

وی با اشاره به ارزش زبان و استفادهٔ همه جانبه آن، پیشنهادات خود را در زمینهٔ چاپ و توزیع کتاب های اوزبیکی از سوی وزارت معارف، تایید اسناد محصلین برگشته از اوزبیکستان توسط وزارت تحصلات عالی و توجه به انتشار اعلانات و تبلیغات شرکت های هوایی و مخابراتی به زبان اوزبیکی، با رئیس جمهور شریک ساخت.بعداً سردار اوکتامو ویچ عمرزاکوف معاون صدراعظم اوزبیکستان پیام رئیس جمهور شوکت میرضیایف را قرائت کرد. در این پیام خطاب به رئیس جمهور گفته شده است که من از صمیم قلب به جلالتمآب شما و تمام اشتراک کنندگان این مراسم، روز ملی زبان اوزبیکی را تبریک می گویم.

رئیس جمهور اوزبیکستان در پیام خویش نگاشته است که ما در سال ۲۰۱۸ زمینه تحصیل را برای ۲۰۰ تن از محصلین افغان در بخش ادبیات زبان اوزبیکی و خط آهن در شهر ترمز و بخش های دیگر فراهم کرده ایم که این برنامهٔ دوامدار می باشد.در این پیام آمده است که دولت اوزبیکستان در عرصه های امنیتی، صلح، تجارت و اقتصاد، با افغانستان همکاری همه جانبه می نماید و ما در این بخش ها به حمایت های بیشتر از حکومت افغانستان متعهد هستیم. همچنان دولت

اوزبیکستان از تامین امنیت و برنامه های انکشافی حکومت افغانستان حمایت همه جانبه می نماید.رئیس جمهور غنی در سخنرانی اش ضمن تبریکی روز ملی اوزبیکی، گفت که امروز هدف ما تطبیق مادۀ ۱۶ قانون اساسی است و در این قانون در خصوص تمام زبان های افغانستان وضاحت کامل وجود دارد.رئیس جمهور افزود: جای افتخار است که شوکت میرضیایف رئیس جمهور اوزبیکستان نه تنها پیام خویش را فرستاده است، بلکه نمایندۀ وی نیز در این مراسم حضور دارد. پس از ۱۰۰ سال دوری و دوران فاجعۀ ستالین، امروز افغانستان و اوزبیکستان یکبار دیگر روابط جدا ناپذیر دارند و این دوستی پایدار خواهد ماند.محمد اشرف غنی با اشاره به روابط تاریخی و فرهنگی افغانستان با کشورهای آسیای مرکزی، گفت که مناسبات ما با گذشت هر روز تقویت می یابد و این برای ثبات و رفاه مردم کشورهای افغانستان و آسیای مرکزی، ارزش زیاد دارد.وی افزود: زبان اوزبیکی، زبان ارتباط و وصل ماست و افغانستان بسیار خوشبخت است که هر زبان آن زبان وصل است و به هر اندازۀ که فهم این زبان ها برای هر افغان بیشتر می گردد، به همان اندازه وحدت ملی و روابط منطقوی تقویت می یابد.

رئیس جمهور کشور یکبار دیگر به خانواده های شهدای رویدادهای اخیر تروریستی در ولایات هلمند و غور مراتب تسلیت خویش را ابراز کرده، گفت که ما از ثبات، هماهنگی و وحدت نمایندگی می کنیم، افکار ما روشن، قلب های ما پاک و آینده محور هستیم و به خشونت های میراثی نقطه پایان می گذاریم. آنانی که خشونت ها را ادامه میدهند، در برابر خدا و مردم پاسخگو اند.رئیس جمهور در اخیر سخنانش با ابراز امتنان از برگزارکنندگان این مراسم، گفت که ضمن تجلیل از این روز باید ریشه های عمیق فرهنگ عظیم خویش را درک کنیم و آثار مفید را تالیف نماییم. وی افزود که در جوانان همانند امیر علی شیرنوایی و در زنان همانند گوهر شاد بیگم باید ظهور کنند.

پیام رئیس اکادمی علوم افغانستان به‌مناسبت تجلیل از روز ملی زبان اوزبیکی

بِسُم الله الرحمن الرحیم

جلالتمآب محترم رییس جمهور، معاونین محترم ریاست جمهوری، اعضای محترم کابینه، وکلای محترم مجلسین شورای ملی، اعضای محترم ستره محکمه و حضار گرامی، السلام علیکم و رحمت الله و برکاتهُ!

جای بسا خوشی و شادمانی است، که امروز از زبان اوزبیکی به‌عنوان یکی از زبان‌های ملی افغانستان تجلیل و گرامی‌داشت به‌عمل می‌آید و این روز ثبت مهم‌ترین رخدادهای تاریخی کشور شده که افتخار آن بر می‌گردد به مقام عالی ریاست دولت جمهوری اسلامی افغانستان.

حضار گرامی!

همان‌گونه‌یی که نیکو می‌دانید، زبان مهم ترین و عالی‌ترین وجه تمایز انسان نسبت به تمامی موجودات ذیروح شمرده می‌شود که به وسیله آن ارتباطات موثردر جامعه بشری میان انسان‌ها و از طرق مختلفِ گفتاری، نوشتاری و اشاری برقرار می‌گردد، که این خود باعث ماندگاری داشته‌های بشر میان نسل‌های مختلف گردیده است.

شکل‌گیری زبان‌های مختلف با قواعد و ساختارهای جداگانه خود یکی از بارزترین شایستگی‌های انسان را به نمایش می‌گذارد که بر مبنای آن فرهنگ‌های متفاوت و ناهمگون شکل گرفته است. افغانستان به دلیل چند قومی بودنِ ساختار اجتماعی آن، یکی از کشورهایی است که گویش‌گران زبان‌های متعددی را در خود جا داده و این امر باعث غنامندی فرهنگ باشنده‌گان این مرز و بوم گردیده است.

زبان اوزبیکی نیز یکی از زبان‌های مهم و اثر گذاری است که قدمت تاریخی زیادی داشته و در افغانستان به‌عنوان یکی از زبان‌های ملی باشندگان این سرزمین در هم‌کُنشی سازنده با زبان‌های ملی ما همچون پشتو، دری و سایر زبان‌های مردمان این خطهٔ تمدنی، نقش پر رنگ و قابل توجهی را در تعالی و پویایی داشته‌های فرهنگی و تاریخی این کشور بازی کرده است.

بر مبنای حکم مادهٔ شانزدهم قانون اساسی، زبان اوزبیکی به‌عنوان یکی از زبان‌های ملی کشور شناخته می‌شود که دولت در جهت رشد، تقویت و انکشافِ آن مسؤول است. خوشبختانه مقام عالی ریاست جمهوری با توجه به حکم قانون اساسی، در این بخش توجه قابل قبولی را داشته است.

> اکادمی علوم افغانستان باورمند است که زبان اوزبیکی یکی از منابع مهم در امر شناسایی و معرفی گنجینه‌های تمدنی این سرزمین بوده که نقش مثبت و سازندهٔ آنرا به هیچ وجه نمی‌توان نادیده گرفت. با توجه به این مهم، دانشمندانِ انستیتوت زبان و ادبیات اوزبیکی و ترکمنی اکادمی علوم، از طریق انجام تحقیقات علمی، برگزاری سیمینارها و کنفرانس‌های علمی از یک طرف در جهت معرفی نقش زبان اوزبیکی و گویش‌گران آن در تحولات فرهنگی افغانستان و از جانب دیگر در راستای توسعه و بالندگی این زبان شیرین مسؤولیت خویش را اداء نموده و آمادهٔ خدمت گذاری بیشتر در این خصوص می باشد.

اکادمی علوم افغانستان از نام‌گذاری بیست و نهم میزان به‌عنوان «روز ملی زبان اوزبیکی» استقبال نموده و از مقام عالی ریاست جمهوری در این خصوص اظهار سپاس و قدردانی می‌کند. هم‌چنین از برگزار کننده‌گان برنامهٔ حاضر ممنونیم که این چنین برنام باکیفیتی را تدویر نموده اند. توقع می‌رود که اشتراک کننده‌گان، کمال استفاده را از این برنامه برده و زوایای پوشیده زبان و ادبیات اوزبیکی را بشناسند.

به امید بالندگی و شگوفایی فرهنگ و دانش در کشور عزیز مان افغانستان!

و من الله توفیق!

سرمحقق دکتور عبدالظاهر شکیب، سرپرست ریاست اکادمی علوم افغانستان

گرامیداشت روز ملی زبان اوزبیکی در شهر مزارشریف

از روز ملی زبان اوزبیکی، طی همایش با شکوهی با حضور مقامات محلی بلخ، فرهنگیان، نخبگان شعر و ادبیات ملیت اوزبیک، استادان، دانشگاه ها، جوانان، متنفذین قومی، نمایندگان قنسولگری کشور های همسایه و منطقه و جمع کثیری از رسانه های ملی و بین المللی، روز پنجشنبه مورخ اول عقرب ۱۳۹۹ خورشیدی از سوی مقام ولایت بلخ در شهرمزارشریف بزرگداشت بعمل آمد.

محمدفرهاد عظیمی والی جدید بلخ، زبان اوزبیکی را یکی از زبان های اصیل و پرطرفدار در کشور و منطقه دانسته افزود: نزدیک به ۳۰ میلیون تن در سراسر افغانستان و جهان به این زبان شیرین صحبت می نمایند، زبان مذکور با فارسی نیز مشترکات و پیوندهای زیادی دارد که تاکنون ده ها شاعر و نویسنده در راستای تحقق زبان اوزبیکی، کوشش ها و تلاش های فراوانی را انجام دادند.

همچنان درین همایش، محمداسحاق رهگذر والی پیشین بلخ گفت زبان اوزبیکی، همانطور که حلقه ی وصل بسیاری از شهروندان کشور می باشد، تاکنون صد ها آثار ارزشمند از داشمندان کشور در رابطه به این زبان ملی بجا مانده که در تاریخ ادب و فرهنگ کشور، جایگاه مهمی را بخود اختصاص داده اند.

محمدابراهیم غضنفر، رئیس عمومی شرکت های غضنفر گروپ و یکی از بزرگان ملیت اوزبیک، در گفتگو با رسانه ها از دولت تقاضا نمود که برای رشد هرچه بهتر وبیشتر زبان اوزبیکی، در بخش چاپ کتب درسی، اشعار شاعران و تدریس این زبان در مکاتب و دانشگاه ها همکاری و مساعدت نماید.

دکترمحمدافضل حدید رئیس شورای ولایتی بلخ نیز ازین زبان به نیکویی یاد نموده، نقش زبان اوزبیکی را در ادبیات کشور، سزاوار و لازمی دانسته، تاکید نمود که مسوولان حکومتی باید برای پیشرفت این زبان، به هر نحو ممکن، تلاش نمایند تا در آینده، شاهد نقش و جایگاه بیشتر این زبان در کتاب های درسی معارف افغانستان باشیم.

همچنان در این برنامه، پیام مسوول شرکت های غضنفر گروپ، در پیوند به روز ملی زبان اوزبیکی در افغانستان، توسط استاد سکینه بانو غضنفر به خوانش گرفته شد، در اخیر، ترانه های محلی از سوی هنرمندان مطرح اوزبیک اجرا و همچنان تندیس های گوناگون به مناسبت تجلیل ازین روز به مقامات محلی بلخ اهدا گردید.

قابل ذکر است که سال پار، محمداشرف غنی رئیس جمهور کشور، ۲۹ میزان را به نام روز ملی زبان اوزبیکی، درج تقویم کشور نمود که اکنون، ازین زبان توسط هزاران تن در بیشتر ولایات کشور بزرگداشت بعمل می آید.

گرامیداشت روز ملی زبان اوزبیکی در شهر مزارشریف به روایت تصویر

گرامیداشت از روز ملی زبان اوزبیکی در هوتل انتر کانتیننتال

کمیسیون برگزاری ۲۹ میزان، طی برنامه‌های جداگانه‌ای از روز ملی زبان اوزبیکی در هوتل انترکانتیننتال با حضور مقامات بلندپایه حکومتی، سفرای مقیم در کابل، نمایندگان هردو مجلس، استادان پوهنتون‌ها، نویسندگان، فرهنگیان، هنرمندان و دوست‌داران و مشتاقان حوزه زبان اوزبیکی گرامی‌داشت کرد. مهمانان طی سخنانی در این مراسم از ۲۹ میزان (روز ملی زبان اوزبیکی) به نقش انکارناپذیر زبان کهن اوزبیکی در حوزه تمدنی منطقه تاکید داشتند.

ترتیب کننده:خارنپال الحاج رحمت الله(حبیبی)

وثیقهٔ شرعی

مقدمه:

از آنجائیکه انسان در اجتماع زنده گی میکند، ناگذیر بعضی از تعاملات را نیز انجام دهد تا به مشکلات مواجه نگردد. به همین ترتیب مسایل زیاد وجود دارد که ایجاب ترتیب وثایق مختلف را می نماید که انواع وثایق بیش از بیست نوع میباشد ودر بخش های مختلف وساحات متفاوت زندگی انسان ها مجبور به ترتیب و اجرای آن می باشد.

بدین لحاظ وثیقه یک سند شرعی است که از طرف محکمه ذیصلاح تهیه وترتیب میگردد که دارای یک چهار چوب ترسیم شده، ستون نمبر و تاریخ، نوعیت وثیقه، ستون تعرفه، ستون موضوع وستون تشریحات می باشند.

ستون تعرفه مقر

دراین ستون شهرت مکمل اقرار کننده ها وی اسم، ولد، ولدیت، قوم و سکونت با نمبر تذکره شماره جلد وصفحه آن درج میگردد و در ستون ذیل آن ستون تعرفه مقرله می باشد که آنهم مانند ستون مقر تسوید میشود و در ذیل آن طرف راست وثیقه ستون شهود میباشد که شهرت ونمرات تذکره صفحه، نمبرصکوک و جلد و عمر ایشان درج میگردد. در وسط وثیقه ستون موضوع قرار دارد که ستون موضوع انعکاس اقرار مقر قبل از اقرار میباشد ویا به عباره دیگر هدف اساسی وثیقه را هیئت قضائی و یا تحریرات منعکس می سازد و در طرف چپ وثیقه درتمام وثایق ستون تشریحات قرار دارد، که جریان اقرار یا التزام اقرار کننده از اقرار و بیان خودش در آن توام با قبول مقرله و شهات شهود درج میگردد وهمچنان نمبر خصوصی مربوط وثیقه و نمبر عمومی مربوط به شهریه راجستر شده میباشد هرگاه وثیقه درهمان روز تکمیل و ثبت و مهر گردد وثیقه تاریخ همان روز را داشته میباشد.

انواع وثایق قرار ذیل است :

۱. حصر وراثت
۲. قباله بیع قطعی
۳. قباله بیع جایزی
۴. حجت قرض الحسنه
۵. حجت دین
۶. تملیک خط
۷. اجاره خط
۸. اصلاح خط
۹. ابراء خط
۱۰. ضمانت خط
۱۱. خلع نامه
۱۲. طلاق خط
۱۳. وکالت خط
۱۴. نفقه خط

۱۵. وصایت خط
۱۶. اقرار خط
۱۷. وثیقه مجردی
۱۸. افلاس خط
۱۹. تقسیم خط
۲۰. نکاح خط وغیره

از آن جمله به شکل مختصر به وثیقه حصر وراثت اشاره می نمائیم

تعریف: وثیقه حصر وراثت یکنوع سند شرعی است که از طرف محکمه ذیصلاح به منظور ثقه ساختن فوت اشخاص وتثبیت ورثه مستحق الارث ترتیب میگردد.

هدف :

۱. ثقه ساختن فوت اشخاص
۲. تثبیت ورثه مستحق الارث
۳. تثبیت میراثی که از شخص متوفی باقی مانده است.

وثیقه حصر وراثت معولاً درحالات ذیل ترتیب میگردد.

۱. بمنظور تقسیم وترکه شرعی جایداد متروکه متوفی
۲. غرض اقامه دعوی بالای جایداد بجامانده متوفی از طرف ورثه ها
۳. بمنظور تعیین وکیل شرعی وپیشبرد دعوی از طرف ورثه ها
۴. غرض اخذ وامتیازات تقاعدی کارکنان
۵. بمنظور دریافت حقوق وامتیازات شهید

وثیقه حصر وراثت به اساس عریضه تمام ورثه ویا یکی از ورثه عنوانی محکمه ذیصلاح مربوطه به شرح ذیل ترتیب میگردد.

محترما: مورث ما مرحوم ( ) فرزند ( ) ولدیت ( ) ساکن ( ) بتاریخ ( ) به نسبت ( ) وفات ویا شهید گردیده واز وی ورثه شرعی منحصره مستحق الارث باقی مانده که تمام آنها درج عریضه هذا میباشد

بعداً رئیس محکمه درمورد از محل زیست متوفی سوالات ذیل را مطرح می نماید.

۱. مرحوم ( ) فرزند ( ) را معرفت کامل دارید یا خیر؟
۲. مرحوم به کدام تاریخ وبه چه علت درکجا وفات ویا شهید گردیده؟
۳. از متوفی وارثین شرعی مستحق الارث کدام اشخاص باقی مانده شهرت شان را با تعیین سن ونمبر تذکره مفصلاً ارایه نمائید.
۴. پدر و مادر متوفی در قید حیات اند و یا خیر؟
۵. متوفی در داخل و خارج از کشور دیگر ورثه دارد و یا خیر
۶. در بین ورثه ها وصیت واجبه موجود میباشد یا خیر؟

شرایط ترتیب وثیقه حصر وراثت

۱. موجودیت بریدهٔ اعلانات فوتی متوفی
۲. وجود ورثه
۳. از طرف محکمه ذیصلاح ومربوطه
۴. حضور ورثه ودو نفر شاهدان معه تذکره تابعیت و دو قطعه عکس
۵. تثبیت متوفی از طریق ورثه با تائید وکیل گذر وناحیه مربوطه
۶. نشان انگشت شاهدان معه مهر وامضاء قضات محکمه مربوطه

درهرصورت زمانیکه برخی از ورثه به محکمه مراجعه نموده وخواهان اجرای ترکه خط میگردند، درنخست بایدحصر وراثت ساخته شود تا از این طریق تعداد ورثه تثبیت شده سهام آنها درج ترکه خط گردد پروسیجر ترتیب وثیقه حصر وراثت نسبتاً ساده بوده چون هریکی از ورثه بطور انفرادی میتواند درخواست ترتیب وثیقه حصر وراثت را بدهند وبالاثرآن محکمه اقدام به اجرای آن می نماید.

غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK

WESTERN UNION WU
moving money for better

S.W.I.F.T.

انتقال و دریافت پول

International Inward & Outward

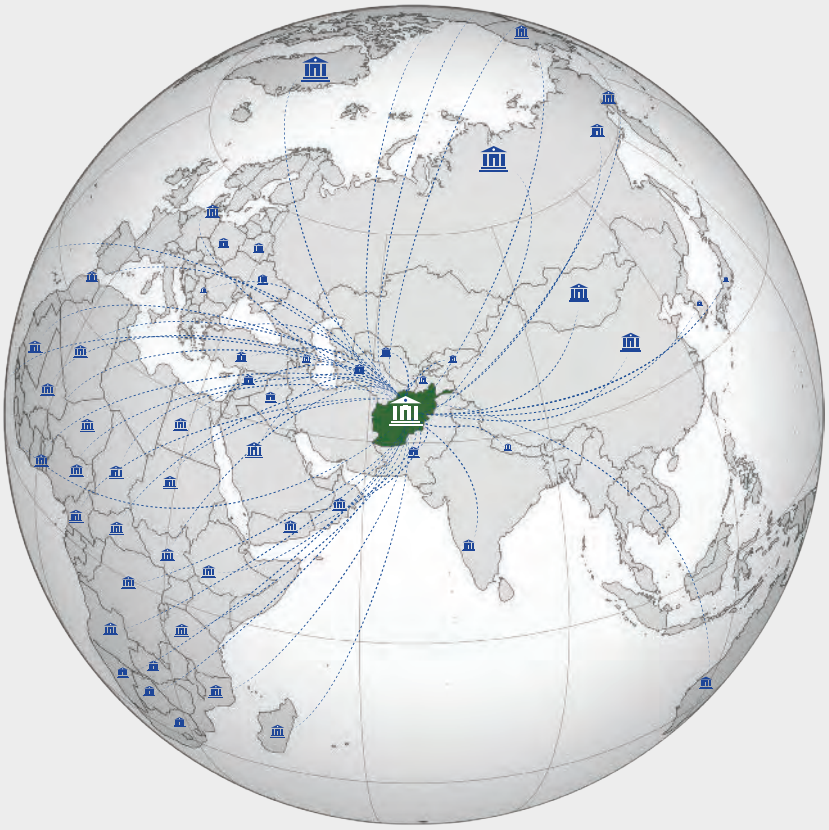

+93 (0) 202 101 111
www.ghazanfarbank.com

چگونه "هدفمند" زندگی کنیم؟

هدف از زندگی، زندگی کردن هدفمند است. هدف در زندگی آن چیزیست که با همه وجودتان به آن علاقه‌مند هستید و برای رسیدن به آن سخت تلاش می‌کنید و همه سختی‌ها را به جان می‌خرید تا از لذت و خوشی‌های آن پیروزی بهره مند شوید. هنگامی که بدانید ثمرهٔ تلاش و فعالیت‌های شما به دیگران هم سود می‌رساند و ممکن است زندگی آنها را نیز هدفمند کرده تغییر دهد، انگیزه‌ای آنچنان قدرتمند در وجودتان شکل خواهد گرفت که می‌توانید مشکل‌ترین کارها را نیز انجام دهید.

وقتی حس کنید که برای دیگران مفید هستید، شور و شوق و نیرویی مضاعف پیدا می کنید که در عبور از هر مانعی به کمک تان خواهد آمد. دوست عزیز بدان که اگر هدفت را از زندگی پیدا نکنی، همواره جایی خالی در وجودت حس می‌کنی و انگار که چیزی گم کرده باشی سرگردان و بی‌هدف زندگی را سپری خواهی کرد ولی لذتی از آن نمی‌بری. این کمبودهای درونی هستند که احساس‌های تلخ ناامیدی، درماندگی، پوچی، طردشدگی، ناامنی، ترس و آسیب‌پذیری را به همراه می‌آورند و زندگی را به کامتان تلخ خواهند کرد.

پیدا کردن هدف زندگی امر واجبیست و هیچ کس نباید آن را به حاشیه رانده از آن غافل شود. شما نمی‌توانید هدف زندگی خود را در بین کتاب ها و مجلات و آگاهی‌های تجارتی پیدا کنید یا از کسی بخواهید که هدف زندگی تان را مشخص کند. این وظیفه فقط برعهده شماست یا باید آن را کشف کنید یا این که خلقش کنید. ظرفیت ما برای زندگی خلاق، موفق و شاد به نگرش و طرز تفکر ما بستگی دارد و این امر هم فقط با هدفمندی، برنامه ریزی، نظم و تلاش به دست می آید و غیر از این هر راه دیگری فقط رفتن به بیراهه و عمر تلف کردن است.

روزمرگی و لحظه ای زندگی کردن یکی از آسیب های رایج شیوه و سبک زندگی میانگین جوامع است، این در صورتی است که برنامه ریزی خیلی از سختی ها و ناکامی های زندگی را از بین می برد و انسان را در مسیر رشد و ترقی قرار می دهد.

تقریباً همه افراد به دنبال موفقیت و شادی در زندگی هستند و این امر را بیشتر در بیرون جستجو می کنند، در حالی که موفقیت و شادی در زندگی در مجموع در دست خود افراد است. اگر هر فرد برای زندگی خود برنامه داشته باشد گذشته از حوادث استثنائی و خارج از کنترول فرد موفق خواهد شد و به شادی خواهد رسید.

وقتی از زندگی با برنامه سخن به میان می آید مقصود نظم و هدفمندی است. ما تنها زمانی می توانیم در هر مقام و موقعیت رشد کنیم که برای انجام هر کار، به جای مصلحت جویی از دیگران و یا استفاده از کتاب های راهنما، با برنامه ریزی خود و اندیشه خلاقانه به پیش برویم. زندگی با برنامه و خلاقانه نیازمند آن است که نخست اهداف زندگی مشخص شوند، چرا که بدون هدف سراسر زندگی بیهوده خواهد بود، هر برنامه

ای تعیین مسیر، حرکتی است از یک مبدأ که در آن قرار گرفته ایم به سوی مقصد بدین منظور باید به نکاتی توجه کرد.

تعیین اهداف اصلی

- مشخص کردن هدف های فرعی
- کمک گرفتن و مشورت با افراد آگاه
- اولویت بندی اهداف اصلی و فرعی
- تعیین زمان لازم برای رسیدن به هر یک از اهداف
- توجه به توان، استعداد، علاقه و امکانات خود در برنامه ریزی
- در نهایت قرار دادن کارها و فعالیت هایی که رسیدن به اهداف را ممکن می سازد در برنامه روزانه و هفتگی، ماهیانه و سالیانه.

رسیدن به موفقیت در زندگی به نگرش و طرز تفکر ما بر می گردد. طبیعی است که چنانچه همه چیز بر وفق مراد باشد و امور آنگونه که انتظار است پیش برود، اهداف محقق خواهد شد، اما در واقع هنگام برخورد با موانع و تنگناهاست که ظرفیت آدمی در بوته آزمایش قرار می گیرد و چنانچه در این آزمون سربلند بیرون آید پاداش ارزنده ای که همانا شادی است نصیبش می شود.

انسان در برخورد با مشکلات باید تردید درباره خود را رها کند و از بدترین موقعیت ممکن، بیشترین بهره را نصیب خود کند و در نامساعدترین موقعیت ها، کوچکترین فرصت ها را دریابد و از آن در جهت ایده آل و آرمان خود سود ببرد. کودکان معمولاً دنیا را آکنده از بداقبالی ها و نابسامانی ها تصور نمی کنند. آنان به اندک بهانه ای از ته دل می خندند و موانع و تنگناها را زود از سر می گذرانند. اگر روزی یک برف سنگین سبب شود که برنامه شان به کلی به هم بخورد، آن را به بدشانسی خود نسبت نمی دهند. چرا ما در بعضی از جهات از کودکان تقلید نکنیم که طبیعی و ساده زندگی می کنند و به طور غریزی شاد هستند.

زندگی کردن موفق و شاد وقتی به دست می آید که با برنامه ریزی از فرصتها و لحظه ها برای زندگی ایده ال به نحو مطلوب استفاده کنیم و نگذاریم روزها از پس یکدیگر گذر کنند و ما هیچ بهره ای از آن نبریم که قطعاً در آینده ممکن است خسارهٔ بزرگ نصیب مان شود. این امر ممکن نیست مگر با اندیشه و تدبیر درست برای رسیدن به یک هدف که همانا رشد و تعالی که خداوند برای ما چه در بعد مادی و چه در بعد معنوی زندگی در نظر گرفته است. پس باید از لحظه لحظه زندگی استفاده نمود و برای آن برنامه داشت و بدانیم از زندگی چه چیزی را می خواهیم.

هدف زندگی چیست؟ از کسی نپرسید! دیگران از کجا بدانند که هدف زندگی شما چیست؟ پیدا کردن هدف زندگیتان کاری است که فقط از دست خودتان برمی آید. هر فردی متفاوت است به همین دلیل اهداف ما از زندگی هم متفاوت هستند. آنچه اهمیت دارد این است که در زندگی هدف داشته باشید. حقیقت ناراحت کننده این است که افراد برای پیدا کردن هدفشان تلاش می کنند اما خیلی از آنها هدفشان را پیدا نمی کنند. انسان ها معمولاً زندگی هایی تصادفی را می گذرانند، بدون اینکه واقعاً به جایی برسند. این افراد به خاطر اینکه مفهوم و هدف ندارند، هیچ کنترول بر زندگیشان پیدا نمی کنند.

پیدا کردن هدف زندگی

پیدا کردن هدف زندگی لزوماً به این معنا نیست که همین حالا باید تصمیم بگیرید که می خواهید در زندگیتان چه بکنید. پیدا کردن هدف زندگی خیلی بیشتر از این چیزهاست. مطمئناً پیدا کردن هدف زندگی چیزی است که می توانید بعنوان هدف نهایی تان روی آن کار کنید. اما زندگی باید همیشه پر از هدف های کوچک تر باشد که به زندگی هر روزتان جهت بدهد. بعنوان مثال، اگر می خواستید ورزش را شروع کنید، همین به زندگی شما هدف می دهد. شما برای خودتان یک هدف یعنی ورزش کردن را تعیین کرده اید و به همین ترتیب کارهایی که در آینده می کنید نسبت به همین هدف و دست یافتن به آن انجام می شوند.

تمرین هدف

اهداف تان باید خاص و مشخص باشند. پس همین که بگویید می خواهید ورزش کنید کافی نیست. بهتر است بگویید می خواهید ۴ روز در هفته به مدت ۳۰ دقیقه ورزش کنید. این به شما می گوید که دقیقاً باید چه بکنید و باعث می شود بتوانید پیشرفتتان را کنترول کنید. با این روش می توانید ببینید کاری که می کنید با آنچه که می خواهید مطابقت دارد یا نه. این اهمیت زیادی دارد چون آنچه که می گویید مهم نیست، کارهایی که می کنید اهمیت دارد.

یک زندگی هدفمند

وقتی شروع کنید در بخش های خیلی کوچک زندگی هدفمندتر باشید مثل تعیین یک هدف و تلاش برای دست یافتن به آن، اتومات به زندگیتان هدف می دهید و زندگی خواهید داشت که بسیار پرمفهوم تر خواهد بود.

این باعث می شود که به قسمت های بزرگتر زندگی بروید و این هدفمند بودن را در آنجا هم پیاده کنید تاجایی که کل زندگیتان هدفمند خواهد شد. وقتی بتوانید هدفمند زندگی کنید، کنترول زندگیتان را در دست خود احساس خواهید کرد و درنتیجه بسیار شادتر خواهید بود. هدف دوران کودکی تان را به خاطر دارید؟ اگر حالا برای پیدا کردن هدف زندگی تان در تلاش هستید، نگران نباشید، شما تنها نیستید. فقط به خاطر اینکه حالا نمی توانید به آن فکر کنید به این معنا نیست که هیچوقت این هدف را پیدا نخواهید کرد.

گفته می شود که انسان ها معمولاً در دوران کودکی هدف زندگی خود را پیدا می کنند. اما به خاطر والدین خود یا تردیدهای محدود کننده به خود، از آرزوهایشان باز می مانند و یک راه امن تر برای زندگی خود پیدا می کنند. متاسفانه به این دلیل که بالاخره کاری در زندگیشان انجام می دهند که واقعاً دوست نداشته اند، از زندگی خود ارضاء نمی شوند احساس بی هدفی می کنند.

موفق ترین افراد کسانی هستند که از همان کودکی می دانستند که از زندگی چه می خواهند. آنها یک آرزو داشتند و بدون توجه به آنچه دیگران می گویند، دنبالش رفتند. شاید مستقیم به شغل ایدآلشان نرسیدند اما آنقدر تلاش کرده اند تا بالاخره به آن دست یافته اند.

هدف دوران کودکی

شما در کودکی چه میخواستید؟ شما چه رویاهایی داشتید که به خاطر حرفی که ممکن است کسی گفته باشد از آنها دست کشیدید؟ هرقدر هم که آن رویا احمقانه یا غیرممکن به نظر برسد، مهم اینست که آیا انجام آن باعث خوشحالیتان می شود؟ آیا این می تواند هدف زندگی شما باشد؟ وقت بگذارید و کمی به رویاهای دوران کودکی خود فکر کنید و اگر چیزی پیدا کردید که واقعاً دوست دارید انجام دهید و دنبالش بروید. به این فکر نکنید که

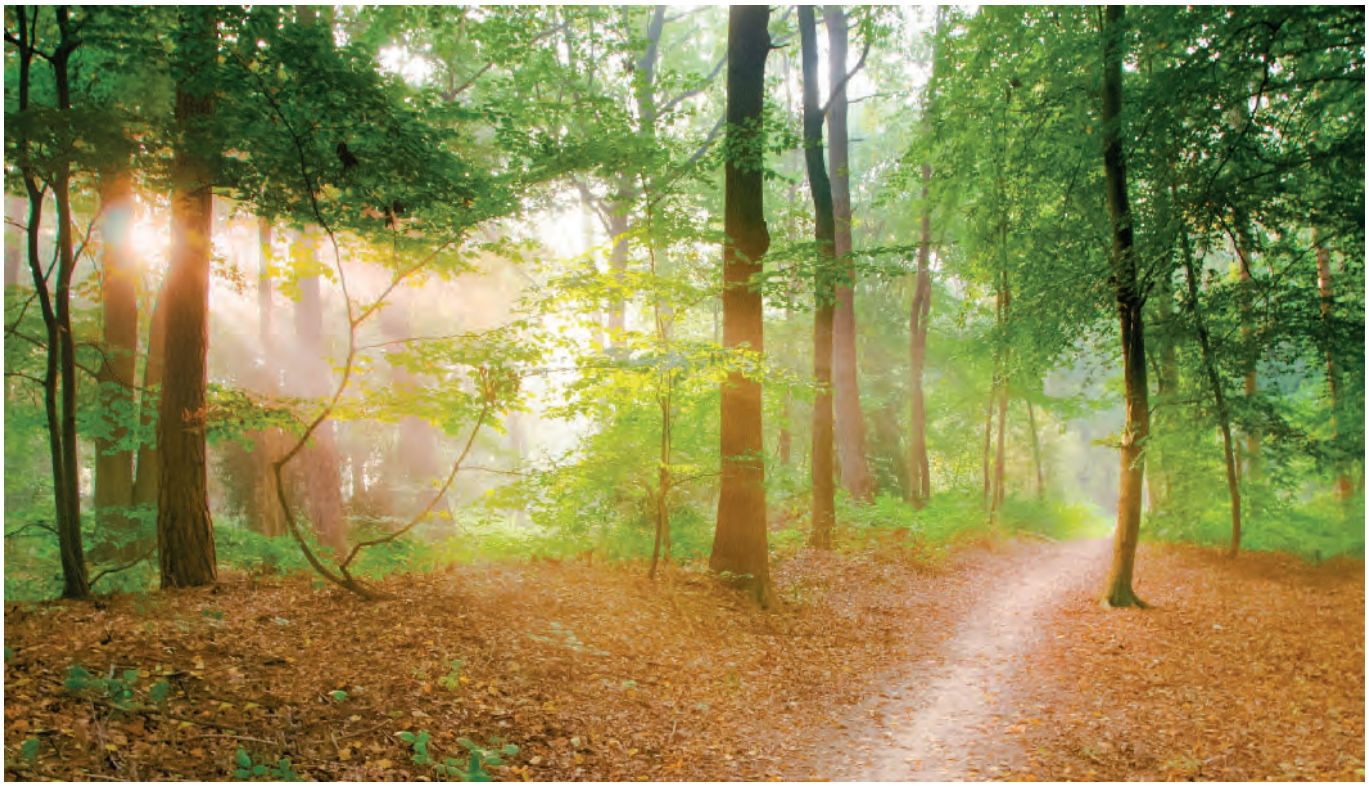

چطور باید دنبال آن بروید یا بقیه چه می گویند، فقط کافی است از آن بعنوان هدف زندگی خود استفاده کنید و بقیه چیزها خودش درست می شود.

چهار قدم برای پیدا کردن هدف زندگی

۱. اهدافی برای خودتان تعیین کنید: اهداف چیزهایی هستند که میخواهید به آنها برسید. اینها نیت ها و آرزوهای شما هستند.

۲. مرحله عمل را تعیین کنید: برای رسیدن به آن اهداف باید چه کارهایی انجام دهید؟

۳. رفتارتان را کنترول کنید: ببینید آیا واقعاً آنچه را که می خواهید، آن را انجام می دهید؟

۴. اعمالتان را کنترول کنید: آیا اعمالتان باعث به وقوع پیوستن اهدافتان می شوند؟ درصورت نیاز آنها را تغییر دهید.

چند راه برای رسیدن به هدف

۱. هدف را برای خود تعریف کنید.

۲. آن را مبهم و مجهول باقی نگذارید. به روشن ترین شکل ممکن به آن بنگرید.

۳. برای آن که یک هدف تحقق یابد نیاز است تا اقدامات مورد نیاز برای رسیدن به آن انجام شود. پیش خود فکر کنید که برای رسیدن به هدف تان چه کارهایی باید انجام دهید.

۴. آن هدف را به بخش های کوچک تقسیم کنید و از همه زوایا مورد ارزیابی قرار دهید. برای هر بخش اقدام مورد نیاز را شناسایی کنید تا مستقیماً به انجام آن کار بپردازید.

۵. برای هدف خود یک مقیاس در نظر بگیرید. به عنوان مثال اگر هدف تان ارتقای سطح تحصیلی است، فکر کنید که تا چه درجه ای می خواهید پیش بروید؛ یا اگر به فکر کسب ثروت بیشتری هستید، محاسبه کنید که در هدف خود چه سقف پولی را در نظر گرفته اید.

۶. میزان پیشرفت خود را محاسبه کنید. همیشه مدت زمانی بنشینید و به کارهایی که برای تحقق آرمان تان انجام داده اید و میزانی که موفق شده اید، فکر کنید.

۷. یک مدت زمان برای رسیدن به هدف تعیین کنید و فرصت نهایی را در نظر بگیرید. این کار باعث می شود که برای پیشبرد کارها تلاش بیشتری کنید و هدف خود را جدی تر ببینید.

۸. هدفی را انتخاب کنید که از پس آن بر می آیید. زندگی یک رؤیای شیرین نیست که با تخیل به آن دست یابید، بلکه واقعیتی است که خیلی چیزها در آن محدود شده است. از این رو، هدفی داشته باشید که می دانید می توانید به آن برسید و از عهده شما خارج نیست.

۹. برای رسیدن به هدف برنامه ریزی کنید. راه ها و استراتژی هایی طراحی کنید که شما را برای رسیدن به هدف تان یاری می رساند.

۱۰. هدف خود را مرحله ای کنید. زندگی متشکل از مراحل مختلف است و برای رسیدن به یک هدف باید مراحل مختلف را پله به پله طی کرد. اتفاق یک شبه، راه رسیدن به هدف نیست، بلکه قدم های استوار و مداوم رمز موفقیت است.

۱۱. و در پایان نتیجه گیری اخلاقی از گفته های بالا.... انسان های "بی هدف" مجبورند تمام عمر برای انسان های "هدفمند" کار کنند.

منبع: معصومه تیموری

درمان افسردگی و اضطراب

اختلالات اضطراب اغلب با افسردگی رابطه دارند. درمان هر دو اختلال به طور همزمان بسیار حائز اهمیت است. بسیاری از افراد مبتلا به اختلالات اضطراب درک می‌کنند که افکار آنها منطقی نیست، اما باز هم نمی‌توانند این افکار را متوقف کنند. افراد مبتلا به اختلالات افسردگی و اضطراب (اختلال اضطراب اجتماعی، اختلال اضطراب فراگیر، اختلال وسواس) یا ترس‌های بی‌مورد، اغلب زندگی خود را در وضعیتی متلاطم سپری می‌کنند و درمان افسردگی و اضطراب در این افراد بسیار مهم است.

آنها بعد از مدتی دچار عوارض عاطفی شدید و اغلب دچار افسردگی می‌شوند. طبق نظر انجمن افسردگی و اضطراب آمریکا، هیچ توضیح قطعی برای اینکه چرا افسردگی و اضطراب اغلب همراه با یکدیگر هستند، وجود ندارد اما می‌توانید با روش‌های صحیح درمان افسردگی و اضطراب هر دو اختلال را رفع کنید. اختلالات افسردگی و اضطراب متفاوت هستند، افراد مبتلا به افسردگی اغلب علائمی مشابه با افراد مبتلا اختلال اضطراب را تجربه می‌کنند مانند عصبانیت، کج خلقی و مشکلات خواب و تمرکز؛ ولیکن هر یک از این اختلالات علل، علائم عاطفی و رفتاری مختص به خود را دارند.

بسیاری از افرادی که دچار افسردگی می‌شوند اغلب در گذشته زندگی خود سابقه اختلال اضطراب را داشته‌اند. هیچ دلیل قطعی مبنی‌بر اینکه یک اختلال دیگری را ایجاد می‌کند وجود ندارد، اما شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می دهند بسیاری از افراد جامعه از هر دو اختلال رنج می‌برند.

چرا اضطراب منجر به افسردگی می شود؟

اختلالات اضطراب بسیار بیشتر از اختلالات عصبانیت و نگرانی شایع هستند. آنها می‌توانند باعث ترس و وحشت درمورد چیزهایی شوند که سایر افراد عادی در مورد آنها نگران نیستند. بسیاری از افراد مبتلا به اختلالات اضطراب متوجه می‌شوند که افکار آنها منطقی نیست، اما هنوز نمی‌توانند آنها را متوقف کنند.

برای مثال، «سالی آر. کونولی» که یک درمان‌گر در مرکز مشاوره زوج‌ها در لوییویل کنتاکی آمریکا است، در این مورد می‌گوید: "این یک چرخه است. هنگامی که دچار اضطراب می شوید، به دنبال این تفکر فراگیر راجع به نگرانی و یا مشکل می‌روید و درمورد آن احساس بدی دارید. بعد از آن احساس می‌کنید که شکست خورده‌اید، و دچار افسردگی می‌شوید."

علائم افسردگی و اضطراب

موارد زیر علائمی هستند که نشان می‌دهند، فرد از هر دو بیماری افسردگی و اضطراب رنج می برد و نیاز به درمان افسردگی و اضطراب دارد:

- ترس و نگرانی دائمی و غیرمنطقی
- نشانه‌های فیزیکی مانند ضربان قلب، خستگی، سردرد، عرق کردن، درد شکم و دشواری تنفس
- بیخوابی
- تغییر در خوردن، بیش از حد زیاد و یا خیلی کم
- مشکلات با حافظه، تصمیم‌گیری و تمرکز
- احساسات دائمی غم و اندوه یا بی‌ارزش بودن
- علاقه نداشتن به سرگرمی‌ها و فعالیت‌ها
- احساس خستگی و بدخویی
- نداشتن آرام و قرار
- حملات ترس ناگهانی

مسیر درمان افسردگی و اضطراب

کونولی می‌گوید: درمان افسردگی و اضطراب باید توسط روان‌پزشک انجام و مدیریت شود. او می‌گوید: برای افراد مبتلا به هر دو اختلال (افسردگی و اضطراب) جهت جلوگیری از اختلال دو قطبی بسیار مهم است که به خوبی ارزیابی شوند.

درمان اختلال دوقطبی (وضعیتی که در آن احساسات می‌توانند از مقدار بسیار کم تا سطح بسیار بالایی از حالت شیدایی و افسردگی تغییر کنند) از درمان افسردگی و اضطراب بسیار متفاوت است. درمان افسردگی و اضطراب باید همراه با یکدگیر باشد. استراتژی‌های موثر درمان افسردگی و اضطراب عبارتند از: افسردگی ممکن است شدید باشد و زندگی را تغییر دهد، این اختلال بر کیفیت زندگی و خوشبختی افراد مبتلا تاثیر می‌گذارد.

تغییرات سبک زندگی و تکنیک‌های مدیریت استرس زیادی وجود دارند که می‌توانید برای جلوگیری و اجتناب از افسردگی از آنها استفاده کنید. عوامل خاصی وجود دارد که می‌توانند موجب شوند تا ما رویدادهای افسردگی را تجربه کنیم. ضمن اینکه این عوامل ممکن است برای هر فردی متفاوت باشد، لیکن برخی از بهترین روش‌ها وجود دارند که می‌توانید برای جلوگیری و اجتناب از عودکردن افسردگی و درمان افسردگی و اضطراب از آن‌ها استفاده کنید. در ادامه مطلب مهمترین نکات برای درمان افسردگی و اضطراب آمده است.

۱. ورزش منظم

ورزش منظم یکی از بهترین چیزهایی است که می‌توانید برای سلامت روان خود انجام دهید. بنابر کلینیک مایو، ورزش می‌تواند به چندین روش اساسی به درمان افسردگی و اضطراب کمک کند:

- باعث افزایش دمای بدن شما شده و می تواند بر سیستم عصبی مرکزی تاثیر بگذارد.
- مواد شیمیایی مانند آندورفین آزاد می‌کند که می‌تواند حالت شما را بهبود بخشد.
- مواد شیمیایی سیستم ایمنی بدن که ممکن است افسردگی را بدتر کند کاهش می‌دهد.

همه انواع ورزش‌های فیزیکی می‌توانند به درمان افسردگی و اضطراب کمک کنند، اما بهتر است ورزش منظم انجام شود. برای بیشتر ورزش کردن می‌توانید کارهای زیر را انجام دهید:

- به یک تیم یا باشگاه ورزشی (مانند یوگا یا کیک‌بوکسینگ) ملحق شوید، که در آن علاوه بر فعالیت ورزشی، به عنوان بخشی از جامعه هم احساس مفیدی خواهید داشت.
- به جای لفت از پله‌ها استفاده کنید.
- ورزش را عادت خود کنید: این بهترین راه برای حفظ سطح تناسب اندام است که در جلوگیری از افسردگی نیز موثر می‌باشد.

۲. زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی را کاهش دهید

تحقیقات نشان داده است که افزایش استفاده

از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند موجب افسردگی و عزت‌نفس پائین شود. شبکه‌های اجتماعی می توانند اعتیاد ایجاد کنند، و همچنین برقراری ارتباط با خانواده، دوستان و حتی همکاران نیز ضروری است. در اینجا نحوهٔ برنامه‌ریزی و دعوت از یکدیگر برای رویدادها و اشتراک‌گذاری خبرهای مهم را آورده‌ایم تا با کمک این نکات به درمان افسردگی و اضطراب خود بپردازید.

با این وجود محدودکردن زمان استفاده شبکه های اجتماعی می‌تواند به جلوگیری از افسردگی کمک کند. می‌توانید بر اساس موارد زیر این کار را عملی کنید:

- حذف تمام اپلیکیشن‌های اجتماعی از موبایل؛
- از ورود مکرر و بی مورد به شبکه‌های اجتماعی در طول روز اجتناب کنید.

۳. ایجاد روابط قوی

داشتن سیستم پشتیبانی قوی و زندگی اجتماعی فعال برای سلامت روان بسیار مهم است. تحقیقات نشان داده است که داشتن پشتیبان اجتماعی "مناسب" می‌تواند از ما در برابر افسردگی محافظت کند.

اطمینان پیدا کنید که به طور منظم با دوستان و خانواده ارتباط برقرار می‌کنید، حتی زمانی که مصروف هستید. در رویدادهای اجتماعی حضور یابید، عادت‌های جدیدی که موجب دیدار با افراد جدید می‌شوند پیدا کنید، این موارد به شما کمک می‌کنند تا روابط جدیدی را ایجاد نمایید.

٤. گزینه‌های روزانه خود را به حداقل برسانید

محققان معتقداند که داشتن گزینه‌های بیش از حد برای کار روزانه، عملاً موجب استرس زیاد شده و ممکن است به افسردگی منجر شود. برای بسیاری از ما زندگی روزانه پر از انتخاب‌های مختلف است. کدام لباس را بپوشیم، چاشت چه غذایی صرف کنیم؟ فشار انتخاب در ایجاد افسردگی سهیم است. اگر تصمیم‌گیری بر شما استرس وارد می‌کند، انتخاب‌های روزانه خود را ساده کنید. این کار نقش بسیار زیادی در درمان افسردگی و اضطراب دارد. شما می‌توانید:

- سریع‌تر تصمیم‌گیری کنید.
- تصمیماتی که مجبورید در طول هفته کاری بگیرید را کم کنید: لباس‌های خود را مشخص کنید، وعده‌های غذایی آماده صرف کنید و برای رفتن آماده شوید.

٥. از استرس خود بکاهید

استرس مزمن یکی از معمول‌ترین علل‌های اجتناب‌پذیر افسردگی است. یادگیری نحوه مدیریت و مقابله با استرس برای سلامت روان مطلوب ضروری و اساسی است. برای مدیریت استرس می‌توانید:

- از متعهد شدن به انجام کارهای بیش از حد اجتناب کنید.
- ذهن‌آگاهی و مراقبه را تمرین کنید.
- چیزهایی را که نمی‌توانید کنترول کنید، رها کنید.

٦. برنامه درمانی خود را ادامه دهید

اگر قبلاً یک رویداد افسردگی را تجربه کرده اید، این امکان وجود دارد تا دیگری را نیز تجربه کنید. به همین دلیل حفظ برنامه درمان افسردگی و اضطراب شما بسیار حائز اهمیت است. این کار شامل موارد زیر می‌باشد:

- تداوم داروهای تجویزی و اینکه هرگز یکباره آنها را متوقف نکنید.
- ملاقات با درمان‌گر هر چند وقت یکبار در حین بهبودی بیماری؛
- تمرین مداوم استراتژی‌ها و مکانیزم‌های مقابله‌ای که درمان‌گر به شما آموخته است.

۷. خواب کافی و مناسب داشته باشید

میزان مناسب خواب با کیفیت برای سلامت روان و جسم ضروری است. افراد مبتلا به بیخوابی در مقایسه با افرادی با خواب مناسب، ریسک مبتلا شدن‌شان به افسردگی ده برابر است. برای اینکه خواب بهتری داشته باشید می توانید:

- دو ساعت قبل از خواب به هیچ صفحه نمایشی نگاه نکنید (از جمله گوشی همراه).
- قبل از خواب مراقبه انجام دهید.
- تشک راحتی داشته باشید.
- از ظهر به بعد از خوردن کافئین خودداری کنید.

۸. از افراد آسیب‌زا دوری کنید

گهگاهی اشخاص نا مناسبی را ملاقات می نماییم که تلاش می نمایند ما را تحقیر کنند. این ا مر باعث می‌شود که احساس بدی در مورد خود داشته باشیم. حتی تلاش می نمایند که برای حفظ منافع خود، ما را فریب بدهند و از ما سوء استفاده کنند. صرفنظر از شرایط خاص، نباید با اینگونه افراد ملاقات داشته باشید. زیرا آنها می‌توانند عزت‌نفس ما را پائین بیاورند. برای دوری از افراد آسیب‌زا شما باید:

- از هرکسی که باعث می‌شود احساس بدی درمورد خودتان داشته باشید دوری کنید.
- با کسانی که از شما سوءاستفاده می‌کنند، قطع رابطه کنید.
- علائم شناسایی این افراد را بدانید. اگر کسی شایعه پخش می‌کند یا به بدی درباره دیگران و جامعه سخن می‌گوید هر چه سریع‌تر اتاق را ترک کنید.

۹. تغذیه خوبی داشته باشید

تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که مصرف

منظم وعده غذایی با چربی بالا به لحاظ ایجاد افسردگی می‌تواند اثراتی مشابه با استرس مزمن داشته باشد. علاوه براین وعده غذایی ناسالم ممکن است بدن شما را از مواد مغذی که برای حفظ سلامت جسمی و روانی ضروری است محروم کند. برای جلوگیری از ابتلا به افسردگی ناشی از سوء مصرف مواد غذایی، شما باید:

- غذا هایی که پروتین اندک دارند بخورید اما مقدار زیادی میوه‌جات و سبزیجات صرف نمائید.
- مواد غذایی حاوی شکر و چربی زیاد را کاهش دهید.
- غذاهای فرآوری شده را تا حد ممکن از وعده غذایی خود حذف کنید.
- امگا ۳ را با غذاهایی چون ماهی سالامون به وعده غذایی خود اضافه کنید.

۱۰. خود را در وزن مناسب نگاه دارید

چاقی ممکن است موجب کاهش عزت‌نفس شود، بویژه زمانیکه قضاوت و انتقادهای دیگران برای شما مهم باشد. چاق بودن و افسردگی با هم همبستگی دارند. علاوه براین احتمال چاق بودن افراد بزرگسال مبتلا به افسردگی بیشتر از احتمال چاق بودن افراد سالم است. اگر به شکل مرتب ورزش کنید، خواب کافی و تغذیه خوبی داشته باشید، آنگاه وزن شما در محدود مناسب باقی خواهد ماند.

۱۱. بیماری‌های مزمن خود را مدیریت کنید

افراد دارای بیماری‌های مزمن ریسک بالاتری برای ابتلا به افسردگی دارند. بیماری مزمن چیزی نیست که بتوان از آن دوری کرد، اما در بسیاری موارد می‌توان آن را مدیریت کرد. شما باید:

- اگر شرایط یا علائم شما بدتر می‌شود، با داکتر مشورت کنید.
- برنامه درمان افسردگی و اضطراب خود را با دقت دنبال کنید.
- دواهای خود را مصرف کنید و سبک زندگی خود را برای مدیریت بیماری تغییر دهید.

۱۲. عوارض جانبی داروهای مصرفی را بخوانید

تعدادی از دواهای مختلف می‌توانند با ایجاد عوارض جانبی موجب افسردگی شوند. قبل از مصرف، برچسب دواهارا به دقت بخوانید. می توانید با داکتر صحبت کنید و ببینید که آیا دیگر دواها و درمان‌های بدون ایجاد عوارض جانبی شرایط شما را بهبود می‌بخشند یا نه. چند دوا که می‌توانند باعث افسردگی شوند عبارتند از:

- دوا های هورمونی مانند تابلیت های کنترول بارداری
- کورتیکواستروئیدها
- دوا های ضد تشنج

۱۳. مصرف الکول و نیکوتین را قطع کنید

سگرت کشیدن، مصرف الکول و افسردگی می‌توانند موجب تداوم یکدیگر شوند. برای قطع مصرف سگرت و الکول می‌توانید توصیه‌های زیر را به کار بگیرید:

- بر روی دلایل خود برای ترک سگرت یا الکول تمرکز کنید و به خودتان یادآوری کنید که این موارد هر زمان شما را وسوسه می‌کند.
- دوستان خود را در جریان بگذارید و از آنها بخواهید تا برای ترک این موارد به شما کمک کنند.
- به جای مصرف سگرت و الکول که نوعی عادت محسوب می‌شوند، عادت‌های خوبی مثل ورزش یا خوردن یک نوشیدنی مفید را جایگزین کنید.

منبع: داکتر مروارید آل یاسین

نیستان

(ویژهٔ شعر و ادب)

ماهرویا! رویِ خوب از من متاب
بی خطا کشتن چه می‌بینی صواب؟
دوش در خوابم در آغوش آمدی
وین نپندارم که بینم جز به خواب
از درون سوزناک و چشم تر
نیمه‌ای در آتشم نیمی در آب
هر که بازآید ز در پندارم اوست
تشنه مسکین آب پندارد سراب
ناوکش را جان درویشان هدف
ناخنش را خون مسکینان خِضاب
او سخن می‌گوید و دل می‌برد
و او نمک می‌ریزد و مردم کباب
حیف باشد بر چنان تن پیرهن
ظلم باشد بر چنان صورت نقاب
خوی به دامان از بناگوشش بگیر
تا بگیرد جامه‌ات بوی گلاب
فتنه باشد شاهدی شمعی به دست
سرگران از خواب و سرمست از شراب
بامدادی تا به شب رویت مپوش
تا بپوشانی جمال آفتاب
سعدیا گر در برش خواهی چو چنگ
گوشمالت خورد باید چون رباب

سعدی

بداغ نامرادی سوختم ای اشک طوفانی
به تنگ آمد دلم زین زندگی ای مرگ جولانی
در این مکتب نمیدانم چه رمز مهملم یارب
که نی معنی شدم، نی نامه و نی زیب عنوانی
از این آزادگی بهتر بود صد ره به چشم من
صدای شیون زنجیر و قید کنج زندانی
به هر وضعیکه گردون گشت کام من نشد حاصل
مگر این شم غم را مرگ سازد صبح پایانی
جوانی سلب گشت و حیف کآمال جوانی هم
یکایک محو شد مانند اعلام پریشنی
زیک جو منت این ناکسان بردن بود بهتر
که بشکافم بمشکل صخره سنگی را بمژگانی
گناهم چیست، گردونم چرا آزرده میدارد
ازین کاسه گدا دیگر چه جستم جز لب نانی

استاد خلیل الله خلیلی

خون بها

بدون رنگ وزیبایی، نمای شهر ها خالی
چه کس نیلوفری باید کند تالاب هایش را ؟
بدون آب باران ، آسمان خالی ز ابرِ خیر
شده شهرم سرابی، نیست آبی کوزه هایش را
فتاده سر به سر اجساد آدم ها دران وادی
که از زایر ، و یا عاشق، کسی نشنید آهش را
اقاقی ها و ماهی ها بسی تشنه و در خونست
که موجی نیست تا سیلی زند آن آب ها یش را؟
یکی عیسا و موسای کلیم الله بباید تا
که بی با کانه افشاند شکوه عشق و جانش را
نه هوشنگ وطهمورثی، نه جمشید وکیومرثی
نه خورشیدی که برتابد ،درخشاند شعایش را
دمیده زندگی در تو، وطن از شیره جانش
بپردازی به او کی بر گ برگ خون بهایش را؟

نفیسه خوشنصیب غضنفر

شاهدان گر دلبری زین سان کنند
زاهدان را رخنه در ایمان کنند
هر کجا ان شاخ نرگس بشکفد
گلرخانش دیده نرگسدان کنند
ای جوان سروقد گویی ببر
پیش از ان کز قامتت چوگان کنند
عاشقان را بر سرخود حکم نیست
هر چه فرمان تو باشد ان کنند
پیش چشمم کمتر است از قطره‌ای
این حکایت‌ها که از طوفان کنند
یار ما چون گیرد آغاز سماع
قدسیان بر عرش دست افشان کنند
مردم چشمم به خون آغشته شد
در کجا این ستم بر انسان کنند
خوش برآ با غصه ای دل کاهل راز
عیش خوش در بوته هجران کنند
سر مکش حافظ ز آه نیم شب
تا چو صبحت آینه رخشان کنند

حافظ

یا که به راه آرم این صید دل رمیده را
یا به رهت سپارم این جان به لب رسیده را
یا ز لبت کنم طلب قیمت خون خویشتن
یا به تو واگذارم این جسم به خون تپیده را
کودک اشک من شود خاک‌نشین ز ناز تو
خاک‌نشین چرا کنی کودک نازدیده را؟
چهره به زر کشیده‌ام، بهر تو زر خریده‌ام
خواجه! به هیچ‌کس مده بندهٔ زر خریده را
گر ز نظر نهان شوم چون تو به ره گذر کنی
کی ز نظر نهان کنم، اشک به ره چکیده را؟
گر دو جهان هوس بود، بی‌تو چه دسترس بود؟
باغ ارم قفس بود، طایر پر بریده را
جز دل و جان چه آورم بر سر ره؟ چو بنگرم
ترک کمین گشاده و شوخ کمان کشیده را
خیز، بهار خون‌جگر! جانب بوستان گذر
تا ز هزار بشنوی قصهٔ ناشنیده را

بهار

ای نم نم باران چه خبر آن سوی پرچین
از مزرعه ی گندم و صحرایُ پر از چین
اینجا همه لب تشنه ی یک جرعه بهارند
ای باد بهاری چه خبر از ده پایین؟
ای شعر ز ما بگذر و بگذار که امشب
لختی سر راحت بگذاریم به بالین
تا مثل غزل فاش شوم بر در و دیوار
ای کاش که صد تکّه شوی ای دل خونین
بر جامه ی من بوی تو جا مانده از آن شب
عمری است که می ترسم از این باد خبرچین
هر روز هوالباقی و باقی همه دیوار
نفرین به تو ای کوچه ی نفرین شده، نفرین
هان کیست که می آید و شهنامه و یاهو
انداخته بر شانه و جا داده به خورجین
این مرد که کشکولش، سرشار ترانه است
این مرد که آورده هزاران گل آمین
شاید که ببارند بر این کوچه، ملائک
شاید بگریزند از این خانه، شیاطین
نقّال نشسته است کناری و سیاوش
آرام فرو می چکد از پرده ی چرمین

سعید بیابانکی

مشران چې ګوندیمار شي نو کشران څه ملامت دي
سپین ږیري چې نا اهل شي هلکان څه ملامت دي
د پوهـــوعالمـنوپه منځوکې چـې نفاق وي
ناپوهه بېسواده شودهګان څه لامت دي
چې زړه د ناصحانو وي ډک شوی له حسد نه
ویناکې تاثیر نه وی سامعان څه ملامت دي
کوښښ چـې یوپښتون دبل پښتون د بـري نه کا
په دې کار کې پردي او ګاونډیان څه ملامت دي
بیناخلـک چې مخ شـي د نفاق په ګـرنګونو
ګیله وکړم لـه چا نه حافظان څه مـلامت دي
ریښتني پښتانه لـوی خادمان اوسلیم زړونه
دا ټول چې یو شان نه وي مـلنګان څه ملامت دي
ریښتیا وینا دې وکړه خدای دې خیر کړي ملنګ جانه
که هـر څه درته پیښ شوو ستا یاران څه ملامت دي ؟

ملنګ جان

راشه زما خیال ته، پسرلی د بوډۍ ټال راوړه
ژوند مي بدرنګ شوی دي، خلوت ته مي جمال راوړه
تږي یمه ستړي یم، پرهر، پرهر ځګریمه
ستا په لورسفردي، غوړپ شربت، مرهم، دسمال راوړه
خوکې د لمن مې، د بیدیا کروړو ، وړې دي
ستن راوړه، وریښم راوړه، پاولي پوره هلال راوړه
شپې خو په کړکۍ باندي، جوپه دستورو راوړله
شعرراوړه ،تشبه راوړه ، لفظونه د کمال راوړه
ووایه سپوږمۍ ته، چې په بیړه، بیړه وخیژئ
بیا لودسوما دي، درنا سره جلال راوړه
خوب دیوې مور دی، زوی دورا په آس سپورووینی
هغه ته پټکی راوړه، هغې ته زرغون شال راوړه
ژونده بی حسابه ؛ بی حسابه مسرت ورکړه
زمادوطن لوړته سندرې تال په تال راوړه

پروین ملال

غزل

زه وجود یم بې مثاله ستایل شوی اطمینان یم
ستا د سترګو په ځنګل کې پیچ او خم یمه روان یم
که زه شته یمه که نه یم؛ خو په یو ټکي ګردان یم!
دا چې زه یمه که ته یې په خپل ټول طاقت پنهان یم
زه؛ خو هسې هم د ځان یم مینه ـ مینه یم انسان یم
شمس له مانه مرور دی زه په خپله په لړزان یم
دا د چا د زړه اواز یم، دا د کوم بلال اذان یم؟!
دا په کوم حالت کې هوش یم! دا د کوم حالت بیان یم؟!
زه وجود یمه موجود یم؛ زه موجود یمه وجود یم!
زه مې خپل ګامونه راشم بېرته خپل ګامونه وران یم!
ماته مه رانږدې کیږئ زه یو شور د زولنو یم.
زه تسکین یمه؛ سردار یم زه عارف د باچا خان یم

فرید احمد تسکین

د شمعې په څېر سوځو له خپل ځانه سره ځو
که وصل که هجران وي د جانانه سره ځو
د تورو په حساب دي ورکې لارې د تریرمیو
منزل چاته مـعلوم دی د اسمانه سره ځو
تش نوم د ساحل اورو یـو تصویر د بیړۍ وینو
په ځاځـکو په ګامونو له تـوپانه سره ځو
سېراب یې نکړې شـونډې سل کلونو سرابونو
له چـغو سره راغلو لـه ارمـانه سره ځو
شبنم غونـدې مو لارې له ګلونو شولې ورکې
د اوښکو په زولۍ کې له ګـرېوانه سره ځو
د غله دیدن شپې یې لکه خوب هسې پناه شوې
په نیمه شپه کـې راغـلو د اذانه سره ځو
توښه مو په تندي کې د صنم سجدې اخیستې
احرام تړو پر لارې له مـغـانه سـره ځو
زاهـده په تیارو کې د تسپو غږونه اورم
کوثر ته دې روان کړو له شـیطانه سره ځو
قـاصده زما سلام دی په تـولي د رقیبانو
مونږ داسې مېلمانه یو د مېزبانه سره ځو
اغاز دی که انجام دی راز په سل پردو کې نغښتی
هـوښیار که لېوني یو د زندانه سـره ځو
د ژوند په راز پوه نه شو (جهاني) سبا به نه یو
یو څو بې نومه سیوري له کاروانه ســره ځو

عبدالباری جهانی

وروستي کاتۀ وو، له ما هېڅ ونشوو
ستا هېرېدۀ وو، له ما هېڅ ونشوو
د مخې ښې طاقت مې هېڅ نه درلود
لاس در کېدۀ وو، له ما هېڅ ونشوو
دا غږ ثواب لري چې خدای دې مل شه
د بیلتانۀ وو، له ما هېڅ ونشوو
تاته وروستۍ صحنه کې پورته کتل
ښۀ مې په زړۀ وو، له ما هېڅ ونشوو
ما ویل اخېر کې به ښۀ ډاډ درکوم
لۀ یو بل تلۀ وو، له ما هېڅ ونشوو
په مخ یې حق ؤ چې انعام یې ښکل کړې
لمر په خاتۀ وو، له ما هېڅ ونشوو

انعام نعیمی

جمله های طلایی

(یک جملهٔ ارزشمند می تواند زندگی انسان را دگرگون و هدفمند کند)

قسمت شصت و یکم:

- با آنچه به‌دست می‌آوریم، زندگی و معیشت خود را می‌سازیم، اما با آنچه می‌بخشیم، گوهر زندگی را به‌دست می‌آوریم. (وینستون چرچیل)
- هنگامی که در شادی به روی انسان بسته می شود بلافاصله در دیگری باز می شود اما ما آنقدر به در بست خیره می شویم که در باز شده را نمی بینیم. (هلن کلر)
- مصمم شوید که کاری باید صورت گیرد، سپس راه انجام آن را خواهید یافت. (آبراهام لینکلن)
- مرد موفق کسی است که بتواند با آجرهایی که دیگران برایش پرتاب می کنند ساختمانی با پی محکم بسازد. (دیوید برینکلی)
- شکست خوردن سخت است اما سخت تر از شکست آن است که هرگز برای موفقیت تلاش نکنیم. (تئودور روزولت)
- اجازه دهید همیشه با لبخند با هم روبرو شویم، زیرا لبخند سرآغاز عشق است. (مادر ترزا)
- به یاد داشته باشید انسان های خوشبخت کسانی نیستند که بیشتر به دست آورده اند، بلکه آن هایی هستند که بیشتر به دیگران بخشیده اند. (اچ.جکسون براون)
- فقط زمانی کاری را به فردا موکول کن که برایت اهمیت نداشته باشد که بمیری و انجامش نداده باشی. (پابلو پیکاسو)
- دلیل اول شکست خوردن در زندگی آن است که افراد به حرف دوستان، خانواده و همسایه ها گوش می دهند. (ناپلئون هیل)
- اشتیاقی که به موفقیت نرسد،به یاس تبدیل میشود. (روسینی)
- همه میتوانند پیروز باشند به شرط اینکه راه پیروزی را بدانند. (اسپینوزا)
- در زندگی همه می کوشند اما کسانی موفق می شوند که عاقلانه می کوشند. (هانس آندرسن)
- آنچه مردم را دانشمند می کند ، مطالبی نیست که می خوانند بلکه چیزهایی است که یاد می گیرند. (فرانسیس بیکن)
- اول مشورت،دوم تصمیم و سوم انتخاب،سه رکن موفقیت اند. (لوپ دووگا)
- مردان بزرگ از این جهت موفقند که در اجرای تصمیمات خود تردید نمی کنند. (آنیبال)
- تلاش برای موفقیت هنگامی نتیجه بخش است که پشتوانه آن تدبیر باشد. (ماکسیم گورکی)
- آنکه از تلاش بازنمی ایستد،سرانجام موفق میشود. (بتهوون)
- آنکه می تواند ، انجام می دهد، آنکه نمی تواند انتقاد می کند. (جرج برنارد شاو)
- بالاترین لذت ها،استراحت پس از تلاش موفقیت آمیز است. (لوی داگر)
- عشقی که با اشک ها شسته می شود تا ابد خالص و پایدار باقی خواهد ماند. (جبران خلیل جبران)
- دقت رمز اصلی موفقیت است.افراد دقیق، موفق ترند. (واشنگتن کارور)
- کسی که شجاعت را با تفکر در هم بیامیزد، در هیچ کاری شکست نمی خورد. (کانت)
- سخت کوشی هرگز کسی را نکشته است، نگرانی از آن است که انسان را از بین می برد. (افلاطون)
- آنچه فرد تحصیلکرده را از فرد خودآموخته مشخص می سازد، وسعت دانش نیست، بلکه اعتماد به نفس است. (میلان کوندرا)

- مردم از من می پرسند چه زمان قصد بازنشستگی دارم. من به آنها می گویم هم اکنون هم بازنشسته هستم. من آن چیزی را که سرگرم انجامش هستم کار نمی دانم. (نورمن برودسکی)
- افراد موفق کارهای متفاوت انجام نمی دهند، بلکه کارها را بگونه ای متفاوت انجام می دهند. (افلاطون)
- تنها یک چراغ است که مرا هدایت می کند و آن چراغ تجربه است. (پاتریک هانری)
- زمانی که قلب، لب به سخن می گشاید شایسته نیست که خِرد خُرده بگیرد. (میلان کوندرا)
- آدمی را آزمودن به کردار باید کرد نه به گفتار؛ چه بیشتر مردم، زشت کردار و نیکو گفتارند. (فیثاغورث)
- مرا برای دزدیدن تکه نانی به زندان انداختند و پانزده سال در آنجا نان مجانی خوردم! این دیگر چه دنیایی است؟ (ویکتور هوگو)
- زندگی واقعا ساده است، ما اصرار داریم آن را پیچیده کنیم. (کنفسیوس)
- هدف اصلی ما در زندگی کمک به دیگران است. اگر نمی‌توانید دیگران را یاری کنید، حداقل آزارشان ندهید. (دالایی لاما)
- زندگی عمر کردن نیست، بلکه رشد کردن است، عمر کردن کاری است که از همه حیوانات بر می آید. اما رشد کردن هدف والای انسان است که عده معدودی میتوانند ادعایش را داشته باشند. (جورج برناردشو)
- پیش از آنکه با کسی پیمانی ببندید ، دمی درباره توانایی خود در اجرای آن بیندیشید و سپس پاسخ گویید. (ناشناس)
- حیات آدمی در دنیا همچون حبابی است در سطح دریا. (جان راسکن)
- شکست یک عامل نیروبخش است، نه یک بازدارنده؛ هر شکست بذری از موفقیت در دل دارد. (ناپلئون هیل)
- موفقیت در آرزوها، نسبت مستقیم با قدرت اراده ما دارد. (دیل کارنگی)
- نبوغ یک درصدش الهام است. نود و نه درصد دیگرش عرق ریختن و پشتکار است. (ادیسون)
- همه آدم ها به تغییر دادن دنیا فکر می کنند اما هیچ کس به تغییردادن خودش فکر نمی کند. (لئوتولستوی)
- شریف ترین دل ها، دلی است که اندیشه آزار کسان در آن نباشد. (زرتشت)
- دشمنی که صادقانه کینه ورزی کند را ترجیح میدهم به دوستی که مخفیانه تحقیرم کند. (ناشناس)
- آنان که آزادی را فدای امنیت می کنند، نه شایستگی آزادی را دارند و نه لیاقت امنیت را . (بنیامین فرانکلین)
- انسان سه راه دارد: راه اول از اندیشه می‌گذرد، این والاترین راه است. راه دوم از تقلید می‌گذرد، این آسان‌ترین راه است. و راه سوم از تجربه می‌گذرد، این تلخ‌ترین راه است. (کنفسیوس)
- دیروز سپری شده،امروزم را دوست دارم و از فردای خود نمی هراسم. (ویلیام آلن هوایت)
- انسان همچون رودخانه است ؛ هر چه عمیق تر باشد ، آرام تر و متواضع تر است. (منتسکیو)
- وقتی آنچه داریم می بخشیم ، آنچه نیازمند آنیم دریافت خواهیم کرد. (لاوس)
- عاقل آنچه را که می داند ، نمی گوید ؛ ولی آنچه را که می گوید ، می داند. (ارسطو)
- جهان هر کس به اندازه ی وسعت فکر اوست. (محمد حجازی)
- ضعیف‌الاراده کسی است که با هر شکستی بینش او نیز عوض شود. (ادگار آلن‌پو)
- انسان باید از هر حیث چه ظاهر و چه باطن، زیبا و آراسته باشد. (آنتوان چخوف)
- تنها یک فکر مثبت کوچک در صبح می تواند کل روزتان را تغییر دهد. (دالایی لاما)
- شما هم می‌توانید هر کاری را که دوست دارید، بکنید؛ اگر فقط باور کنید که می‌توانید. (جک کنفیلد)
- تمام رویاهای ما می توانند محقق شوند اگر ما شجاعت دنبال کردن آنها را داشته باشیم. (والت دیزنی)
- آینده به چیزی که امروز انجام می دهید بستگی دارد. (گاندی)
- هرگز خودتان را با هیچ کس دیگر در این جهان مقایسه نکنید، اگر این کار را بکنید به خودتان توهین کرده اید. (بیل گیتس)
- دو چیز شما را تعریف می کند: صبرتان وقتی که هیچ چیز ندارید و رفتارتان هنگامی که همه چیز دارید. (جرج برناد شاو)
- اگر می خواهید موفق شوید باید به یک قانون احترام بگذارید: هرگز به خودتان دروغ نگویید. (پائولو کوئیلو)
- تنها یک چراغ است که مرا هدایت می‌کند و آن چراغ تجربه است. (پاتریک هانری)
- آدمی را آزمودن به کردار باید کرد نه به گفتار؛ چه بیشتر مردم، زشت‌کردار و نیکوگفتارند. (فیثاغورث)

غضنفر بانک
GHAZANFAR BANK

موقعیت نمایندگی ها و ماشین های خود پرداز پول

ولایت کابل

- **نمایندگی مرکزی**
  ۸۶۶، چهار راهی شیرپور، سرک عمومی وزیر محمد اکبرخان – شهرکابل
- **سرای شهزاده**
  سرای شهزاده، منزل سوم – شهرکابل
- **شهر نو**
  شهرنو پلازا، مقابل ام تی ان پلازا، شهرنو – شهرکابل
- **کارتهٔ نو**
  سرک ۲، مرکز تجارتی منگل، منزل دوم، کارته نو – شهرکابل
- **کوتهٔ سنگی**
  سرک سیلو، زم زم تاور – کوتهٔ سنگی – شهرکابل
- **لیسهٔ مریم**
  مرکز تجارتی هریرود، لیسهٔ مریم – شهرکابل
- **پارک صنعتی**
  سرک عمومی کابل جلال آباد، سرک روسها، سرک دوم پارک صنعتی– شهرکابل
- **کارتهٔ چهار**
  کارتهٔ چهار، چهارراهی پل سرخ، دوبی بزنس سنتر– شهرکابل

ولایت بلخ

- **مزار شریف**
  جادهٔ بیهقی، برج غضنفر – شهر مزار شریف
- **کفایت مارکیت**
  کفایت مارکیت، منزل سوم، دوکان نمبر ۳۱۳ و ۳۱۴۰- شهر مزار شریف
- **حیرتان**
  بازار پترولیم، مقابل اپارتمان عباس ابراهیم زاده– حیرتان

ولایت هرات

شهر نو، جادهٔ بهزاد، حفیظی پلازا – شهر هرات

ولایت قندهار

چوک کفتان مدد، احمدی پلازا، مقابل مارکیت صرافی – شهر قندهار

ولایت ننگرهار

چوک تلاشی، مقابل مسجد گمرک، سپین غر تاور، A بلاک– شهرجلال آباد

ولایت بغلان

بندر قشلاق، فیصل مارکیت، منزل دوم – شهر پلخمری

ولایت کندز

جادهٔ شیرخان بندر، مارکیت حاجی امان، شهرکندز

ولایت تخار

چوک تخار، رستهٔ مسجد جامع – شهر تالقان

ولایت فاریاب

چهارراهی میسره، سرک چهار باغ، دوست مارکیت – شهر میمنه

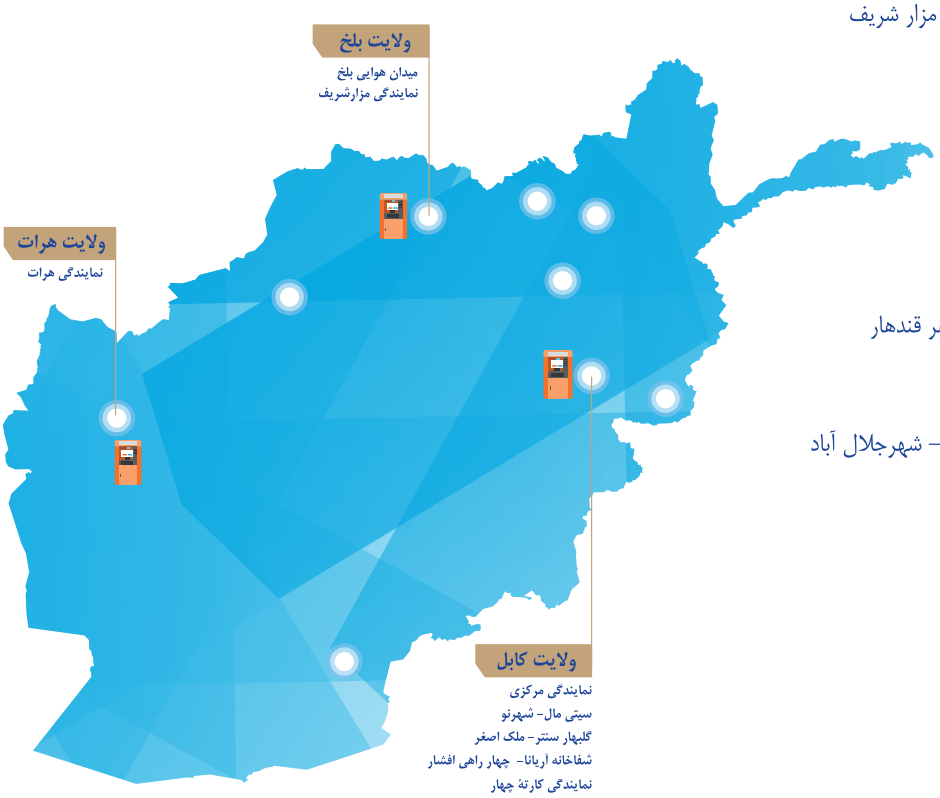

+93 (0) 202 101 111
www.ghazanfarbank.com